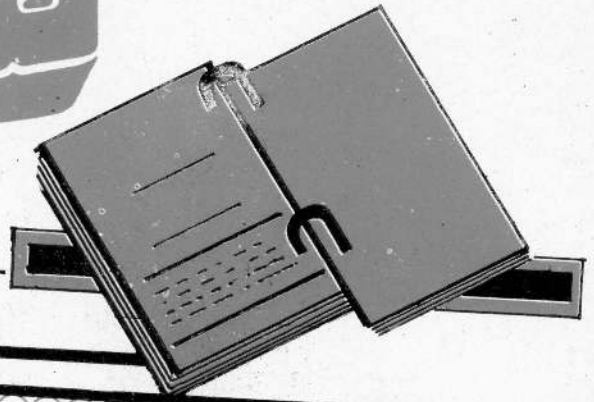


سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲
قیمت ۱۰۰۰ ریال

Ketabton.com

سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا چشمک .
مصاحبه: اوراد رشماره آینسده بخوانید .

میا میکل

صفحو ۵۰



روپياد هادر سكو

صفحو ۱۴ - ۱۷



هنرمندان ما ميکل

صفحو ۲۲ - ۲۵



ايا چي دښتيد؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



گل زمان د ستارونو

صفحو ۲۶ - ۴۷

نهضت روښنگران در ساکها آزادي
صفحو ۶ - ۷

امتياد کنيد!
تقلب در بهر جا و در بهر چر
صفحو ۳۰ - ۳۱

صدا رت به کي تعلق گرفت؟
صفحو ۴۰ - ۴۱

صديق مخترع و اختراعات جديد
صفحو ۷۴ - ۷۵

هويت تحریر
در ویرایش
مضامین دست
باز دارد .

اندیشه و عقاید
مضامین به
نویسندگان
تعلق دارد .

SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of

Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin

Assistant
M. A. Maroof

Add:
Block 106, 3rd Microrian
Kabul — Afghanistan

مدیرمسئول: دکتور ظفر ظنین
تلفون: ۲۵۹۱۰
معاون: محمد آصف مروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سیکرترمسئول: ضیاء میانی
نشریه انتحاریه ژورنالستان
خطاب: کبیر امیر و محمد نعیم
نیکزاد
گسره لیک: نور محمد و رفیقه
عکاس: شچین گل
نايب: محمد جمعه، خواججه
مرزا محمد و زلمی بویل
همکاران چاپ: محمد ظاهر
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله
آدرس: مکروریان سوم،
بلاک (۱۰۶) ۸ هفتانستان
پانک
کابل - افغانستان



دکستهای آزادی

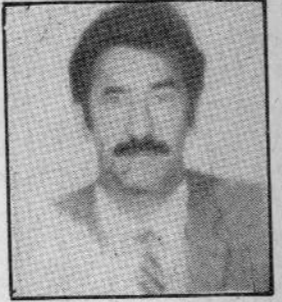
مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین
محمد اعظم حسینی
لطفاً در مورد بزرگترین درس
های تاریخ نبرد استرداد
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹
به خواننده گان مجله نظر خود
را ابراز دارید
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی
از سالهای پر خاطره و افتخار
بر انگیز در تاریخ کشور ماست.
در این سال است که ملت غرور
و شایسته افغانستان به قیام
دست ظاهر و دلبر شاه امان
الله خان برای استرداد
استقلال کشور مردم را به
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد
و با استقلال پر شور تمام افشار
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن
دسته های مجاهد و پیکار
جوی در شهرها و مراکز عمده
کشور آماده گوی خود را برای
جنگ با استعمار انگلیس اعلام
داشتند و در اوایل ماه می
چنگ مقدس میهنی برای استر-
داد استقلال کشور در سه جبهه
شرق، جنوب و جنوب غرب
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن
مجبور به مذاکره و قبولی استر-
داد استقلال کشور گردید.
مجاهد صلح را ولیندی میهن

نمایندگان مختار و کشور در
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی
به امضاء رسید. غازی شاه
امان الله با آنکه با برخی موا
این معاهده موافقت نداشت
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و
از آن تاریخ به بعد هر سال در
۲۸ اسد جشن استرداد
استقلال کشور مورد گرامی داشت
قلمبه مردم افغانستان قرار
میگیرد.
بزرگترین درس های که
میتوان از نبرد سوم افغان
و انگلیس آموخت:
اول: اتحاد و همبستگی و هم-
لی مردم افغانستان در لحظات
دشوار تاریخ است که بدون
تعصبات قومی و نژادی و لسانی
و دینی و چون تن واحد به
دور شاه امان الله جمع شدند
و سلطه بیگانه را از گردن میدور
انداخته اند.
دومین درس این رخداد و
قطع مداخله بیگانگان در امور
کشور یعنی قطع مداخله در
سیاست داخلی و خارجی است
افغانستان است.
سومین درس بزرگ نبرد
استقلال و برصمیمت شناختن
افغانستان بحدی یک کشور
مستقل و آزاد در نقشه جغرافی-
فهای آسیای جنوب غربی است

چهارمین درس تاریخ
این است که به پیروی از جنبش
استقلال طلبی افغانان
آزادی طلبی و مبارزه در میان
سایر مستعمرات انگلیسی و از
جمله هند برتانوی بیدار شد و از
آنجا به جزایر شرق الهند نیز
سرایت نمود و تعدادی از کشور
های منطقه به آزادی و استقلال
خویش نایل آمدند.
پنجمین درس نبرد استقلال
این است که به مردمان جهان
و استعمارگران ثابت ساخت که
مردم افغانستان مردمانی
آزادی دوست اند و این مردم
به هر قیمتی که باشد آزادی
و هویت خود را حفظ کرده
و میکنند و از هیچگونه قدرت
بیگانه بیم وایستی ندارند.
ششمین درس هم اینست
است که مردم افغانستان
دارای حس سلحشوری و غرور
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا
نمی بخشند و تا پای جان
از شرف و حیثیت و وقار افغانی
خویش دفاع مینمایند. حتی
از این روحمه و خصلت آزادی
دوستی و استقلال طلبی
افغانان دانشمندان و فلاسفه
نامدار اروپایی نیز توفیق
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان
لحقاً توضیح بفرمایید که:
رهبران قیام های مردم
در سالهای حصول استقلال
کدام عناصر به خاطر تشکيل
ساختن ملت های ساکن
در کشور غرض قابله با بیگانه گان
حساب میکردند؟
در رابطه به نقش رهبر-
ان قیام های مردم در سالهای
حصول استقلال و عناصری که
ایشان در بسج نیروهای ملی
از آنها علیه اشغالگران خا-
رجی استفاده مینمودند یا-
ید گفت که در طول تاریخ یا-
مدت زمان نفوذ استعمار
گران و عناصر و ظنیرست در
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار
طبقات و گروه های مختلفی اعم
از ملیتی و مذهبی و منطقه ای
دست به اقداماتی زدند که
زمینه را برای حصول استقلال
کشور و طرد استعمارگران
از کشور ما مساعد مینمود.
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو
های ملی و ویژه رهبران قیام
های ملی و طرق عملکرد ایشان
باید خاطر نشان ساخت
که از آغاز سلطنت اول امیر
دوست محمد خان در سال
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی
کشور مداخله نموده و به
حاکمیت سیاسی اثر وارد
میکردند، که این وضع اسباب
نگرانی و نارضایتی مردم ما را
هرچه بیشتر فراهم ساخت.
چنانچه در طول دوره امام-
رت امیر حبیب الله خان دست
از روشنفکران کشور بنام مشر-
وطه خواهان غلبه استعمار
گران خارجی و استبداد دا-
خلی و دست مبارزه زدند
و گام های درجهت تنویر افکار
عامه و روشن ساختن از هسان
مردم برداشتند تا جایکه عده
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال
و وطن جان های شورین خود را
از دست دادند، اما هیچگاه
این فریاد ایشان فرو نه نشست
زیرا آتش را که ایشان افروخته
بودند، گروه مشروطه خواهان
دوم فرزندان ساختند و قیام
ملی و جنبش آزادی طلبی را
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.
از آنجاییکه وجود امیر-
حبیب الله خان بحدی پادشاه
افغانستان یکی از موانع عمده
اراده حصول استقلال کشور
بحساب معرفت لذا عده
از آزادی خواهان در آن مهان
مدت میان تاج و تخت سلطنت
نیز شامل بودند در عهد قتل
وی برآمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده قبلی
عملی گردید و شاهزاده امان
الله در راس جنبش جدید
قرار گرفت و حکومت جدید
بر رهبری امیر امان الله خان
در همان لحظات نخستین
اعلامیه را بنی بر جلب حما-
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت
و همبستگی اقشار و طبقات
مختلف مردم افغانستان به
نشر رسانید. در رهن ایمن
اعلامیه کت مردم برای تحقق
اندیشه ها و آرمانهای دیر-
ینه شان مبنی بر استقلال
کامل سیاسی افغانستان
یکی از وظایف نخستین ملت
افغانستان را تشکیل میداد.
این اعلامیه که با خواست
و آرمانهای مردم ما مطابقت
داشت مورد استقبال و پشتیبانی
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی
با استعمار پیون غارتگر و مستعمر
انگلیس آغاز گردید که مبارزین
ملی و رهبران قیام های مردم
با شعارهای اتحاد و همبستگی
چون مشت واحد در برابر
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند
و مردم را به اتحاد و همبستگی
و درجه و تحکیم وحدت ملی
فراخواندند که این پیرو سدر
جبهه قندهار تحت رهبری
بقیه در صفحه (۸۷)

به مناسبت هفتاد و دومین سالگرد استرداد استقلال

نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتادن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعداد استفاد از مفکوره های روشنفکرانه سعد جمال الدین افغانی را در پی بگیریم پسندیدن ترقیات عصر و آوردن تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آماد بود پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون سعد جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خوردده امیر را در صبارت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سعد به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سعد بدین ملاقات با محمد اعظم خان در استمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سعد جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند. بعد چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکرات طلب میکرد. در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای مستعزیزین اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را شعار میداد. با آنکه تمام مفکوره های سیاسی سعد در حد پذیرش برای دولت امیر قرار نداشت، به هر حال، با رفتن از یک سلسله اصلاحات در کشور آغاز گردید. قوه اجراییه تشکیل شد و - مکتب یکی ملکی و دیگری نظامی تاسیس گردید، مطبوعه با لاجصار بوجود آمد، جریده هفت روزگان در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ و تفنگ و پاروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

حبیب الله با رشد نسبی شعور سیاسی بلاثر یک رشته تحولات معین، چون بوجود آمدن فابریکات، تاسیس مکتب، منجمله مکتب حبیبیه آمدن یک تعداد معلمین هندی به کابل، چون داکتر عبدالعزیز و برادرانش، عودت محمود بیک - خان طرزی با مفکوره های تحول طلبانه و برداشت عمیق مصلحتی از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت های دنیا، زمین اذهان جوانان را آماده پذیر اندیشه های جوان سپاسی نمود. در این وقت نشرات جمال الدین و مکتب تعداد نشرات دیگر از هندوستان به کشور می آمد و تحولات سیاسی - ترکیه و انگلیس به افکار روشنفکران اثر میگذاشت. در میان قشر جوانان دلچسپی به مطالعه و درک مسائل و رویداد های بین المللی افزایش مییافت. به قول میرغلام محمد تاج سوس گردید، مطبوعه با لاجصار بوجود آمد، جریده هفت روزگان در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ و تفنگ و پاروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

خان مامور بار چالانی امیر - پار بیک خان دروازی و غیره جوانانی که در داخل دربار به مطالعات کتب و جراید خارجی میپرداختند و به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی دلچسپی میگرفتند.

۲- حزب جمعیت سری ملی که مرکز عمده آن مکتب حبیبیه بود اعضای این حزب علاوه بر رفیروها تابدیل رژیم مطلق العنان را به رژیم دیوکرات میخواستند.

۳- روشنفکران منفردی که خارج حلقه دربار و خارج شتند. مکتب حبیبیه از سال (۱۹۰۳) یعنی سال تاسیس آن تا سال (۱۹۰۹) مرکز داغ - فعالیت های سیاسی حزب - جمعیت سری ملی در کشور بود در این حزب یک حلقه مسلمانان هندی نیز موجود بود که رئیس آنان داکتر عبدالعزیز پنجابی و اعضای آن مولوی نجف علی و مولوی محمد چراغ و دیگران بودند. در مراسم جمعیت منجمله ده هدف - اساسی که بیان شده بود تبدیل حکومت مطلق به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در سرلوحه آن قرار

داشت.

با افشای یکی از تصاویر حزب جمعیت سری ملی "مینی برای ننگه" مکتب باید بسود و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبیب الله اعضا این سازمان - تصمیم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امیر تقدیم کنند. در غلام محمد سوس گردید از فعالین این حزب به ناساسی لامل محمد خان غلام بچه و جوهر شاه خان غلام بچه و محمد عثمان خان سوس گردید و امیر بخان سوس گردید به امیر سپردند. اثرات فکری این جوانان نمود و بر سر کرسی زبانی شد باید علاوه نمود که در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مکتب حبیبیه که در واقعیت همان روشنفکران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند که انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی در کابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوی عبدالروف خان کندی هاری - متخلص به "خاکی" سردرس مدرسه شاهی و ملای حضور

بود.

اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوری (۱۹۰۹) در (۳) صفحه چاپ سنگی به نشر رسید، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت امیر انگلیسها متوقف شد. با کشته شدن مولوی محمد سرور خان وعده دیگران - انجمن حزب جمعیت سری ملی و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید.

ولی در حال بعد از امیر سراج اخبار آوردن اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بیک طرزی داده، محمود طرزی که با افکار تازه و مشیوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و ملیت افغانی از روسیه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه تربیت جوانان باروچیه استقلال طلبی و مشروطه خواهی مبدل ساخت. جریده که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرکت تمام از هیچ و هیچ دستگناه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن میگفت. این نشریه که سری فکری روشنفکران

منجمله شهزاده امان الله - خان بشمار معرفت تعداد مشترکین آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ میشد.

نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسیه تزاری را به لرزه آورده انگلیسها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع کنند، ولی بعد از صلاح کار را در آن دانستند که نوعی با نشرات آن عادت کنند. اما جنرال کورا پاتکین حکمران روسیه تزاری در - ترکستان تلگرامی به نمایندنده روسیه تومسکی که در هند بود فرستاد، خاطر نشان نمود که شماره های سراج الاخبار در بخارا و ولایت دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات فدر روسی بریتانوی در مردم به جو شریک پیدا میسر دولت هند بریتانوی باید بر امیر افغانستان فشار آورد تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد.

استاد عبدالرحمن حبیبی در کتاب جنبش مشروطیت مینویسد که صدرالدین عینی به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی که این نشریه تحت تعقیب پولیس روسیه بود بدست می آورند و مخفیانه مطالعه میکنند.

سراج الاخبار که در واقعیت امر بنیاد گذار مرحله استقلال طلبی و مشروطه خواهی در افغانستان بود تا - تحت اثرات بزرگی در همه کشور های روشنفکران منجمله در بار بگذارد.

میرغلام محمد غبار مورخ شهیر کشور در افغانستان در رساله تاریخ مینویسد: به علاوه این جنبش های فکری، سری و علنی و هسته تحول در نفس دربار نشو و نما میکرد. اصلاح طلبان از روش امیر منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دورپس از اعضای خاندان شاهی جمع میشدند. این فرد سردار

نصرت الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا او آنکه مرد خداست و مویها همان استقلال کشور بود. ر اداره دولت دلبستگی به نظام قرون وسطایی داشت. پس گانه شخصی که در دربار خاندان مورد توجه نبراهای دربار قرار گرفت. همین الدوله امان الله خان بود. او - نسبت نایب السلطنه را بجهت رهس این انجمن سری شامل نقشه کودتا نماید که امیر را در جلال آید بکشند و جایگزین نایب السلطنه را بنشانند. دستور اجرای این عمل روانه امیر داد. نفر از اعضای جمعیت سری ملی در قرآن تحریر و امضا نموده به سردار سپردند. ولی روز مهمن سردار از خانه تنه بر آمد و با کشتن برادر مخالف کرده نسخه قرآن شریف نزد او ماند. امیر حبیب الله کشته شد و امان الله خان به حمایت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسید. شاه تاج پادشاه هی را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنامه روشنفکران بود. روشنفکران مشروطه خواه در جهاد کبیر و ملی علیه انگلیس سهم فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پیشکارتد انگلیس مردانه زمیندند و بعد از اعلان متارکه در اوضاع سند استرداد استقلال وطن، که با خون غازیان و مجاهدین سر به کلاه وطن نوشته شد بود، سهم فعال گرفتند. شاه غازی در ابتدا با روشنفکران صمیمانه برخورد نموده، محبوبین سیاسی مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و یک تعداد آنان را در پستهای مهم - اداره امور کشور گماشت. ولی شاه که حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برنامه روشنفکران بردارد، به تدریج با عکس العمل های روشنفکران بقیه در صفحه (۸۹)

وقتی "سیاهی کفنام" را در یک بخت سرددم ، فکر میکردم ، که
تصویر تمامی ازین فرزانه مرد ، تحویل داده باشم . اما پسانهاد رویا
فتم که نی ؛ نکته های بسیاری رانگفته ام . و همو شده دو بخت دیگر
آن را نیز سرددم .
بایست اعتراف کنم که سیاهی کفنام ، نام بزرگی که من آن را -
احساس میکنم ، از ظمیر جغرافیای شعر فراتر مرود . و بر آنم که تا پای
عمره این حماسه حماسی اسطوره قامت را در کفنامی نامی ، باید فریاد زوم .
" سیاهی کفنام " در روان من الهامی به جاودانه دارد .

سیاهی کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام

سیاهی کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام
کفنام کفنام کفنام

- ۱ -

های ، غمزه زاده -
مرد رفته در کفنامی نامی
کدامین آیت سها را
از کتاب دیوانه کان آزادی
به نامت هدیه بگویم ؟
ندانم ، اینکه در هزار رو چنند زمین شب تاریخ ؟
خوش باخاک آفت
ماز چمنه بی دیگر
از گلایه ، مصعبت
به خلق شيطان بخت .

● ● ●
های ، غمزه زاده -
مرد رفته در بی دیوانی سایه زمان
من ،
اسطوره ، شهادت مشرق را
در خط گامهای فرا خست -
که بر جاده شهادت -
گل زده است
باز میخوانم .

● ● ●
هویات ،
در لحظه های مضطرب بد رود
دیواری نهود
و نیکی نفاقتی
که نامه بی برای مادرت
با برای عزیز نا شناخته خود -
پهاسی منوشستی

فقط آفتاب
سلامت راه من گفت .
● ● ●
های عزیز هزار رو چنند زمین شب من
گرایم زمین

● ● ●
با چکه های باغنه سنگین ،
خونت را -
به پای کسی گرفت
و کلاهش را
صدقه سرداد ،
ضحک ، گریز حلالش باد
و همچون شکست .

● ● ●
آهای غمزه زاده ، کفنام
سیاهی آزادی
کدامین راه را
به یاد فیض قدومت
بوسه زوم ؟

و کدامین درخت را
به نام قامت مردانه و مستحبت
زهارت کم ؟
یاد کدامین دره را -
با نرقه خشم ؟
که خرد خاک ترا خواهد داشت

● ● ●
وجه گلی را -
به دیده بهالم ؟
که رنگ خون ترا خواهد داشت .

● ● ●
آهای سیاهی کفنام
من باور دارم
ستاره تو هنوز
از مخمل نهایی آسمان نریخته است .

اما ،
شهادت
بهر سزار نا شناخته ات
چراغی مسوزد .

آهای ، سیاهی آزادی
من سو
دو همزاد - دو همپاور بوده ایم
که موازی نگاه هایمان
در امتداد پیوسته ترین شب تاریخ
به هم گره نخوردند .
● ● ●

● ● ●
باز چمنه های کودکیست رانده ام ،
اسا خیال میکنم ،
کودکی برهنه پا و گرد آلود را -
در گند مزارها
که به دنبال پروانه های رنگین
سرگردان است .

● ● ●
در آینه های کوچک باران
به تصویر لرزان خود -
دو مشت میگوید .
روی بلوانه - اجست میزنند
ضرائع می میخوانند .

● ● ●
آی همزاد
تو هم رنگ من بودی .
اسا چیزی بگری می آمدی
از آتش و از نسور
تو "خلیل" د میگری می آمدی
از سلاله خراسانیان .

● ● ●
کسب بارها -
زمن زهر پاهت را
آتش زدند بگر خاکش خورد .

● ● ●
آهای چسبک آزادی
خانه ات را
در شبی بسوزای
تو ک گفتی .

آنشب ،
سالگشت مرگ پدر را -
بار ستاخو سزی -
جشن گرفتگی
بر مرز صه لاغر داستان مسادر
یک فضل شهید بوسه کاشت .

● ● ●
و بر محراب آغوشش
به نیاز بار ترپس سجدیده
خواهرانت داد زد قد :
سرفرو گذاشتی .
و تو با خود گفتی :
(لاله جان - لاله جان)

● ● ●
((کاش بیادری داشتی))
آنشب ، نخستین شب دیدارت بود - با تفنگه
که از آن پس
هرستو های چشمانت هرگز .
چادر یاغچه را سیز ندیدند .

● ● ●
هان
پس از آن شب
برای همسر و فرزندان
آسمان خدا با تمام وسعتش
خیسه تنگه کا بوس گشت .
و حق بالداران جهنی
جا غورهای آتش خان را
به دامن سبز روستا -

● ● ●
مهاجران قویه گرد
انندو هیار ترین مرثسه زمان را
خالی کردند ،
حس کردند

● ● ●
های مرد سنگرود
میدانم ،
در هزاران شب
تفنگه بالهنت بود .
وقتی ،
هودج خاطره هایت را -
بر آن مینهادی

● ● ●
صافقه بی بهداد میگرد
و شتاره خوابت را مهد زدید .
خدا میداند ؛
در فصلی که چنگهر بیان عصر
در صحرای قدومت

● ● ●
آ تشناله های مرگ می ریختند
شعله باد جنگه ،
پشمینه کلا هت را

برفرق کدامین تانک -

کدامین بوته -

و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟

و گریبان تنگه کدامین را -

کفشهای کهنه ات را -

هدیه میگرفت؟

خدا میداند؟

شبهای بی ماهستاب

وقتی در سبدهای کوچک چشمان خود

ستاره میشمردی

و نگاه های پریشانیت -

سینه آسمان را شمار میکردی

تووز عشق کدامین عزیز

در چهره زده هنت

میوه یاد میبخت؟

خدا میداند؟

وقتی سفید شین - در میان شیاطین

در بگوشه های پیت را

با رخوت میگرفت

خون در رگهای پیت -

با چه لپه های جوش میزد؟

و آنگاه -

عاشقانه تکبیر میزدی - جنگه را

تا ممر کمره فتح میکردی -

●●●

آه های سپاهی آزادی!

در کدامین روز بی آفتاب -

شهبان -

از دم مرکب تاریکی -

جان جادو بی میبخت؟

که آهوی روحت -

یکبارها از چشمه سار آتشمن تن

رو کرد -

و دیگر خنجره های مزه گانت

به قیام بر نداشتند -

دیگر -

شبهانه هانامدی

و مادرت هر گز -

سید پرگل تنها پیش را

روی طاقچه دیدارت نگذاشت -

پوچساره -

دیگر مسافری نداشت

که جام لبریز چشمانش را

در بی او فرو بهاشد -

- ۳ -

آه های سپاهی کاکلسی!

دیشب مسافری -

از دیار پریشانی آمد -

با یک مشت نشانی

از گیسوان خونین است -

گفتم:

آه همد پسته خداست -

این ریشه های جنسی -

زود است - زود است

کزین ریشه های جنسی

در دشت یاد های دهکده -

جنگلی بکارم -

که اگر روزی -

میوه وحشی آن را -

زاغها بخورند - کیوتر کردند -

مسا فر نهایید -

گفتش باش -

باش تا باری دامن رنگمده ات را

به دیده بهالم -

آخر چهار دشتی دارد -

و - دود گوهی

و عطر خونسی -

مسافر پیهم لب میگذرد -

مسافر - هیچ نمیکند -

باری آبله عقده

در گلپوش ترکمید

و فقط اینقدر رگت:

((رضای خداست))

مسافر برگشت -

به جانب ناپیدا -

به سوی سرگردانی -

آی مرد خدا!

مسافر بوی ترا داشت -

کاکلسی -

کاکل مست ترا میبند -

کفشهایش - پینه پینه بود و کامهایش

کامهای بی شکست ترا میبند -

●●●

هان - عزیز من!

وقتی عزیز همگسرت

گلناره های نهمسخته بیکرت را -

تکسه تکه به دا من میچسبد -

باد ها آنگاه دریافتند -

که بهد خونین بهشتی -

چه عطری دارد!

●●●

های دیوانه آ زادی!

من نیز آبله پایی استم

در سحاری دیوانه گان

من به ز بارت لاله ها میروم -

تا معنی سنارت سخن کامه پیت را

لص کم

و خنک عقل مسخره نرود -

من خو پیشتر را -

با کل خواهم شوخاند -

با گیاه خواهم روپاند -

با برکه خواهم آبهخت -

جاری خواهم شد -

همخط رود خانه

و خواب خواهم رفت -

همسر کوره -

تا یافت کم

لالایی را

که در شبهای بی مادر

با آن میخفتی -

و هابهوی را

کز کوتاهترین خواب زمان

بیدارت میساخت -

●●●

آ زاده مرد اسنوره قامت!

مردا نه کیت را!

در قلمرو تعریف

گنجایشی نیست -

کسوه -

نامت را پس میدهد -

دشسته

شهادت را تنگی میکند

و رود خانه -

راهی شدنت راه

چه آرام است و چه کم امتداد!

و من -

جوا نیت را -

چه قد رکود کم!

●●●

عزیز ملت من - سپاهی آزادی!

سوادت -

در سه واژه تمام بود:

خدا - مادر - آ زادی

و از نام خویش -

هج حرفی به یادت نبود -

با نهنوشتی!

اگر هنگام تو بودم

از افتخای تو -

شعر بلند روزگار را -

به ودیعه میگرفتم -

خیر باشد -

نامت با زمین -

نامت با ستاره -

نامت با خدا -

گره خورد - است -

●●●

های غریب زا ده

مرد رفته در بی گنهای نامی!

نامت - نورواژه بیست -

در قاموس بی ردیف شیکرد های خرابان -

که تجلی حروفش،

جاد و کران مشرق و مغرب را -

کور میبکند -

باکی نیست

اگر خلیفه های نا خلف -

مفتیان بی طهارت را -

به سود خویش خریدند -

و سپاهد اران سانسپاس

پیمان یاری - پیمان خونت را

با فرا بن بی مهر

بپردند -

همین بیست -

که فرزانه گان زمین -

دیدند:

تو بر سجاده سخن مشرق

عاشقانه ترین نیاز را -

نماز آزادی را -

به آذان برخاستی - به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -

عزیز شعر من عزیز زندگی من!

من -

شهادت را

با کدامین قصیده خونین

به آمین بر خیزم?

■

تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملای لنگه که تمام سمت جنوبی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمان داری امان الله خان رهبری میکرد.



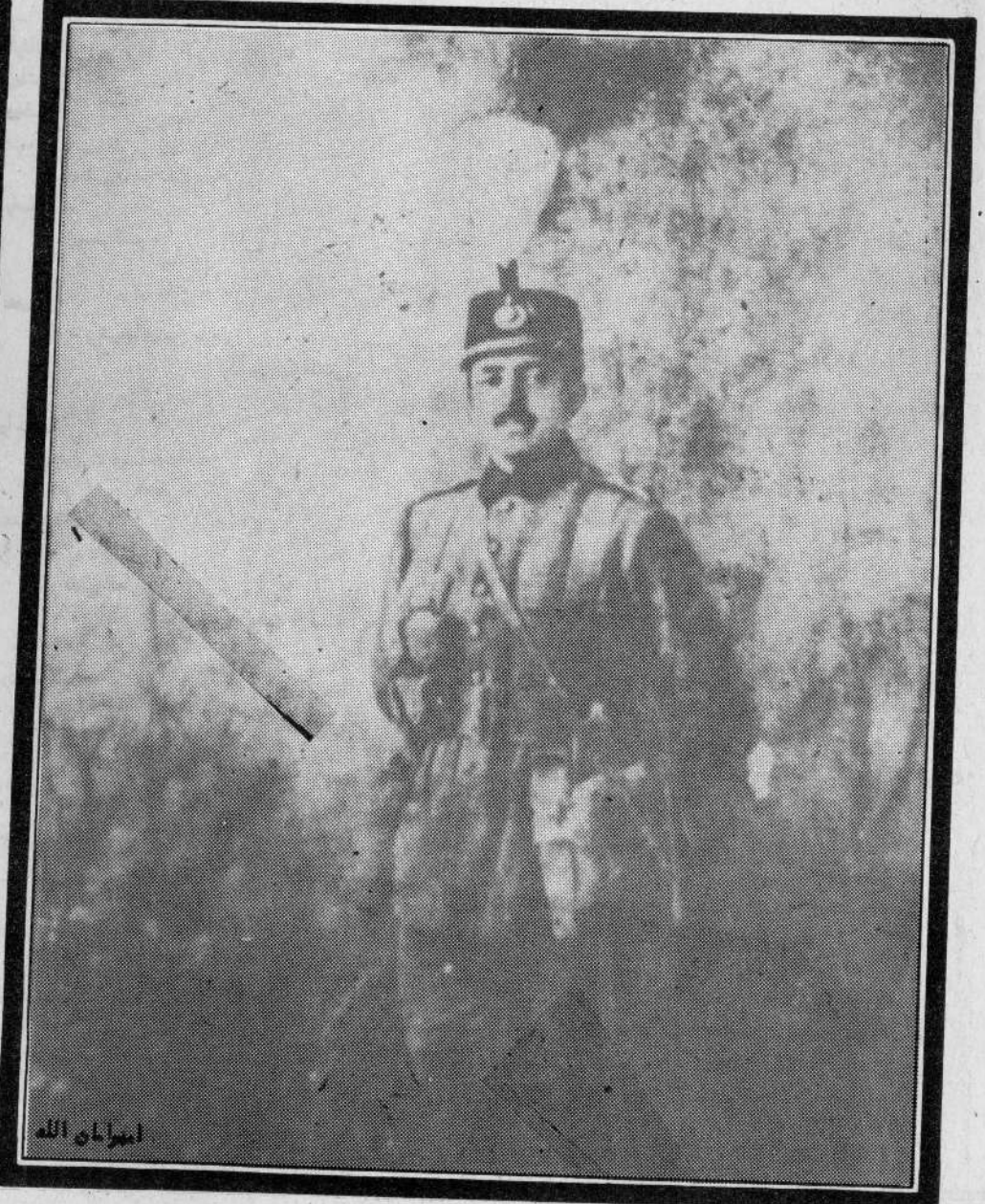
— امیران الله
حین وداع با سربازان گارد شاهی در انتهای ترک
وطن.



— یکتن ازجا سوسان انگلیسی بهنام لا رس که در تحویل
یک و ایجاد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال
داشت.



— طلاب و نهضات رهبری مکتب جبهه در زمان
امیران الله



امیران الله

کله جهان دنگلاند

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابین بیرون هتل رتیم. تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسپ کودتاچیان بد و مانعش به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر می‌داد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بودند و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی‌تفاوتی مردم را - اختلال کود. حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوز ف -

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متصل شدند. بسیاری از مقررات در دهلز هلمبه دود کردن سنگ‌تاق نمودند. مثل هر حادثه، پس مردم نا آشنا از یکدیگر سوال نمودند و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکو رسید. ما همرا باهمانند از

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریچف به خاطر دلایل صحت بر کار شد، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: "خونتا (محافظة کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند)". ساعت ۱۰:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۳ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتاق‌های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر می‌شد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شماره‌های مانند "زند" باد کونیزم زند باد مردم" بمطایق دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلز واگون ترن مردم با سه‌های تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری‌های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست‌ها قدرت را از دست می‌دادند"



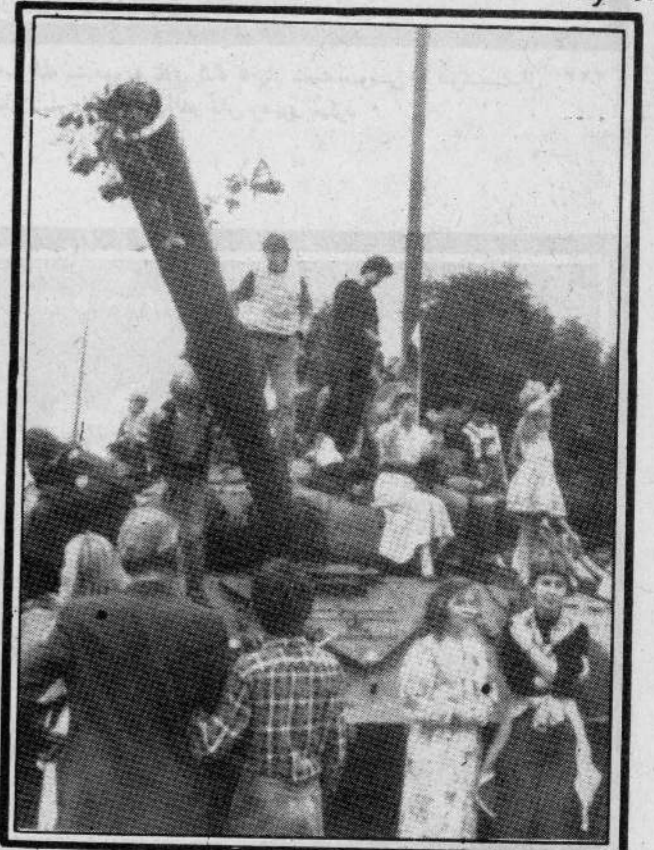
پلتن جسونانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست ها راه عمده گرفت.

بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت است

نوشته دوکتور خلف هرطین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اگست - ۱۹۹۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اگست را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد.

از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و یژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخنای بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تزئید و تصرفی به نشر می‌سپارد.



تانک‌های تانک‌های شوروی

۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکیست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گن در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریانیزم و استبداد یک حزب چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداست. جامعه در بحران است، دسهلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تمهق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالی در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گسی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

دستاویز غصب غیر قانونی قدرت برای خود قرار دادند. همان راهی را در پیش گرفتند که اسلاف شان اقایان پولیتس بهر هائی گذشته در مورد رهبران قبلی کشور در پیش گرفته بودند. بی خبر از اینکه دیگر جامعه شو روی دیگر گون شده و نیروهای بی بدید آمده اند که آماده اند در راه آزادی تا پایان بجنگند.

در نخستین ساعات کودتا بوریس یلتسن جسورانه رهبری مقاومت روسیه را در دست گرفت. او تمام موسسات روسیه را به اعتصاب فرا خواند، او مردم را به برپایی تظاهرات دعوت نمود. او با دست

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی

جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها را در پیش گرفتند. کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرادوفسک رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از اردگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسد که نظامیان نیز در نحو

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی

مردم کما اینکه فاقد رهبری بودند و در عقب یلتسن و همکارانش قرار گرفته بودند، مبدل شد. آنها از تظاهرات میان خواستند تا علیه مردم خود از اسلحه استفاده نکنند. در نتیجه همین مبارزه بود که یک واحد بزرگ تانک به یلتسن پیوست قوای هوایی از پشتیبانی کودتاچیان امتناع کرد و راد پوی روسیه هم مداوماً از پیوستن واحدهای مسلح به مقاومت وهم از موضعگیری آزاد پخواهان در لنینگراد و سایر شهرها خبر می داد.

هر سه شب و روز کودتا مقاومت کننده گان جاده ها و خاصه



جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبر می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالیست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنار شد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند بر طرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شگرف» و «کین گرخ» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۹۱ و سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور می کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی آید، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها

تنگه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گفته «متفکر عمده» یازسای و دوست ما بسبق گریچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم ربه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طینت ها انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست ایاارات حزبی و نه امان توطئه گر در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائبان خودنگاه می کرد نتوانست کترین شقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند. یک ژورنالیست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید که شما وقتی کودتا می کردید، آیا یا - بیخوبیت مشوره نموده بودید؟

کودتاچیان بر علاوه، تمهیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای بازسازی و اصلاحات در زمین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار دادند. امریکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابر قراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مکانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون آزاد خواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل



مقاومت مردم در برابر کودتاچیان در برابر پارلمان روسیه

گر با چف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که گر با چف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صحنه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجشنبه ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در باره اشعاع و با تحویل قدرت به معاو - تشریح می توانست که نتایج را در مومعت ناها را نانیس قرار دهد. اما ورزند.

تمام این عوامل گروه هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر امثال کودتا مبر تا مبد بگذارد. روزنامه «پراو دا وینچ روزنامه دیگری که زیر تسلط کور نیست قرار داشت که تمام اسناد و مصوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزلزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانوس - نعی را که خود به ان رای داده - بودند. نهر پامی گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با - کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند. تمعجب اوراست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراو دا اتای گارچف در روز مس کودتا که هنوز کمیته فوق العاده عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونیست را روشن سازد. هاز بقیه در صفحه (۱۶)

شود که در سال ۱۹۹۱ چهار
سد و خفتاد و پنج قصبه آدم -
کسی درین جا رخ می دهد .
کمیته قضایی سنای امریکا
حوادث آدم کشی را در ایالات
متحده امریکا در سال گذشته
عیسوز (۲۳۲۲۰) حادثه
بسیاری یعنی کرده بود ، در حالیکه
حوادث قتل در سال گذشته
در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می
رسود .

میتلایله سلطان در کانادا

لبیر گزار به سازمان
جنوبی کانادا که به تاریخ
۲۵ جولای به نشر رسیده از
رسم نفرانادایی ، یک نفر
در نئون حیات خود به سرطان
میتلایله خواهد شد . سازمان -
موسوم به " ستانیتدن کانادا
مکویید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید
سرطان در کانادا ثبت و -
تشخیص خواهد شد . تعداد
وقایع جدید سرطانی از -
(۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در
خر سال افزایش خواهد یافت .
به غیر صورت خیر خیری هم
نشر شده و آن اینکه مرگ های
ناسی از سرطان دوره طفولیت
نسبت به اوایل دهه هفتاد
به نصف کاهش یافته است .

جامعه اروپایی مبارزه با فراقوانی

برای جلوگیری از تولید
محصولات اضافی در پایتخت -
های جامعه اروپایی تدابیری
اضطراری روی دست گرفته
شده است .

قرار اطلاع آژانس نووستی
سال گذشته بهشت و پنج میلیون
تن گندم محصولات جامعه
اروپایی به فروش نرسیده و در
گدام هان خیره مانده است . -
پوشه بی می شود که در سال جاری
۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری
شود . در حالیکه مصارف جامعه
اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است .
تصمیم اتخاذ شده تا قیمت
خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران
خساره فارم داران نیز در آن
در نظر گرفته شده است . اما
جامعه اروپایی هوشدار داده
که در کشت گندم کاهش بعمل
آید .

کفرانس بین المللی

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در
شهر پراگ نخستین کفرانس
بین المللی درباره جنایات
کوننهم دایر میگردد .
در این کفرانس نماینده -
گان کشورهای اروپایی و
امریکایی و آسیایی اشترک
خواهند ورزید .

تفاوت بزرگ میان زنان مردود و مجرد

در نهور پارک نتایج تحقیقات
در مورد زنان جهان تحسنت
عنوان " زنان جهان بگرایش
واحصانه سالهای ۱۹۷۰ -
۱۹۹۰ " به چاپ رسیده
است .

این نخستین تلاش کار -
شناسان ملل متحد در زمینه
ارزایی وضع و حقوق زنان در
۱۷۸ کشور جهان است . پسر
اساس این تحقیقات زنان
در برابر کار مساوی با مردان
طور اوسط (۳۰-۴۰) فیصد
کثر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از -
۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به
۵۶۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ -
افزایش یافته است .

طول عمر زنان در حال حا -
صر به مقایسه مردان طور -
اوسط در کشورهای رشد پایا -
فته ۵-۶ سال و در افریقا ۴-
سال کثرت است . اوسط عمر
زنان در افریقا ۵۴ سال و در
اروپا و امریکای شمالی ۷۵ سال
است . طبق اطلاع آژانس نو -
وستی که این گزارش را منتشر
کرده تعداد زنان جهان به
مقایسه مردان کثرت است .

آب عراق عربی را نخواهد دید

سریلانکا از جمله کشور
هایست که در جنگه خلوج
فارس خسارات زیادی را متقبل
گردیده است . عودت کارگران و
متخصصین این کشور به وطن
که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در
کویت کار می کردند ، برابلیم
هایی را در جهت کارهای آنها
برای سریلانکا پدید آورده و -
این کشور منابع اسماری خود
را از دست داده است .

غرامت کشور سریلانکا را باید
عراق مطابق قطعنامه سازمان
ملل متحد بپردازد اما تا هنوز
معلوم نیست که عراق برای این
کار آماده است یا نه و اگر ق
برای پرداخت این غرامت
حاضر هم گردد تا آخرین عقیده
دارند که پرداخت آن نظریه
مشدلات جدی اقتصادی این
کشور سالها بطول خواهد شد
انجامد . قبل از آغاز جنگه
خلوج فارس یکصد هزار سر -
یلانی در کویت مصرف کار
بودند که ۷۴ هزار نفر آن به
سریلانکا برگشته اند .

از زمین زلزله

تعمیر و ترمیم از زلزله

انسان در عین پیشرفت

نقطه پایکال

جهل پایکال از عمیق تر -
 این جهل های جهان است
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر
 است .
 در این تازه گی ها و لا -
 در پیر قبالکوف دانشمند
 انستیتوت جهل شناسی اکا -
 دی علم شوروی مؤلف شد
 به عمیقترین نقطه جهل با -
 یکال پامین رفته یکاردی را
 در زمینه قائم کند . تا حال هیچ
 کس نتوانسته بود به عمیق
 جهل پایکال راه یابد .
 به اسرارش آزانسی
 نووستی موصوف باد و نفرد یکسر
 به کمک یک دستگاه به عمیق -
 ترین نقطه جهل پایکال
 فرود آمده و چهار ساعت رادر
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -
 کتور از کف جهل فلمبرداری
 نموده و آب و خاک جهل را -
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال
 داده اند .

روز رهایی کویت

در کویت اعلان شده که
 ۲۶ فبروری روز رهایی کویت
 از وجود سربازان عراقی روز
 رختی در آن کشور خواهد بود .
 این تصمیم را کمیسیون
 تقنین شورای ملی این
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا
 پیشنهاد شده بود که روز دوم
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -
 کویت روز رختی اعلان گردد
 اما کمیسیون تقنین کویت این
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد
 کرد .

تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند
 سایر کشور ها به اسم حیوانات
 مضامین شود . آنها سال
 ۱۹۹۲ را سال شادی
 (میمون) دانسته و هوشدار
 داده اند که باید مالداران
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲
 آماده گی بگیرند زیرا شرایط
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد
 رسید و امکان تلف شدن حیو -
 انات موجود است .

۱۴ تن مواد فضله به کشورهای جهان بسیار انتقال یافتند

اخیرا " سموزیم پوسن -
 الملی ایکولوژیکی در استیا -
 نیول دایر گردیده بود درین
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری
 طی سخنرانی گفت :
 " در پنج سال اخیر
 حدود ۱۶۰ میلیون تن
 مواد فضله در همه شرکت
 صنعتی کشورها بر شد یافته
 به کشورهای " جهان سوم "
 انتقال یافته است .
 همزمان با این اعلان
 در ترکیه جمع آوری ماضها
 به منظور جلوگیری از آبین
 عمل آغاز یافته و در اسناد
 پیشنهادی این
 کشور تصریح شده است -
 از حفظ محیط زیست کنترل
 صورت گرفته تعذیرات علوسه
 متخلفین شدت یابد .
 قرارگزارش از انیس
 اطلاعاتی نووستی شاروال
 شهر استانبول که پیشتر
 از سایر شهرها از آلوده گی
 محیط زیست متضرر شده موضوع
 بررسی مجددا قانون حفظ
 محیط زیست را در ترکیه -
 مطرح ساخت .

دستگیری یک ادمخوار

یک مرد امریکایی که ۵ انفر
 راکشته و گوشت بدن آنها را
 خورده بود دستگیر شد و به
 جرم خود اعتراف کرد .
 تلویزیون سی . ان . ان -
 در بخش خبری خود اعلام کرد :
 - در شهر میلواکی واقع در -
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -
 ای به نام جفری دامر به اتهام
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه
 قطعه کردن بدن آنها و اد -
 مخواری دستگیر کرده اند
 سی . ان . ان در گزارش خود
 افزود :
 - اعضای پولیس میلواکی به هنگام
 جستجوی اپارتمان این مرد ۳۵
 سر انسان رادر داخل یخچال
 ۱۱ جعبه و اجزای قطعه شده
 شده چند بدن و مقدار مابیل
 ، ملاحظه می اشخوآن راکش ف
 کرده اند .
 همایگان دامر گفتند که بوی
 تعفن گوشت گندیده در دو سال
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان
 وی به مشام می رسید و صدای
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به
 گوش می رسید .
 در کتر قانونی میلواکی ایسن
 کشتار را بزرگترین و فجع تر سن
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت
 ویسکانسین اعلام کرد .
 شبکه راد یو سی . بی ۱۰ می
 با پخش گزارش مشابهی در این
 رابطه گزارش داد :
 - احتما می رود که این مرد
 که قبلا نیز مدتی را با خطر تجاوز
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -
 در زندان بسر برده باشد و ی
 در ظرف دو سال گذشته بعضی
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده
 باشد .

قطعه قطعه کردن

« ۱۰۰۰ » انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو
 موجب قتل حداقل ۰۰۰ نفر
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت
 شمالی لامپولا شدند .
 راد یو موزامبوق به نقل
 از شاهدان عینی گزارش داد
 که اکثر این قربانیان را کود -
 کان تشکیل می دهند .
 به گزارش خبرگزاری المان
 از ماپولو ، این راد یو افزود :
 عوامل " رنامو " قتلش از
 پایتخت لائو راد یو راجوری
 اشغال کردند .
 - این راد یو همچون گت :
 امرادی که توانسته اند
 از این منطقه بگریزند و وارد -
 منطقه ریائو در همپاکس
 خود شوند گفتند که قربانیان
 قطعه قطعه شده و در قفس
 های فریشتگاها گدا رده شدند .

قربانی بی پایت

یک زن و شوهر هندی که
 کودک خود را دریای بت بزرگ
 فریانی کردند دستگیر شدند .
 این زوج روستایی که چند
 سال از داشتن فرزند محرم
 بودند در دو سال پیش با حب
 پسری شدند .
 " پورا انکول " و همسرش
 " سومترا " نذر کردند که دو -
 مین کودک خود را حقیق آیین
 بت پرستی دریای بت بزرگ
 فریانی کنند . دومین کودک
 آنها دختر بود که به هنگام قر -
 باسی شدن در دوماه پانزده
 روز عمر داشت به گزارش خبر -
 گزاری جمهوری سلا می ایران این
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ
 ماهاسویاد روستای ساتوا -
 دای فریانی شد . پولیس
 این زوج روستایی را به دلیل
 فریانی کردن فرزندشان
 دستگیر کرد .

تشیخ از زمین از زمین & از زمان

○○○

و فرعی دیگر به فرق خود

ماورین امریکایی به تاریخ ۴ اگست گفتند که پت زن امریکایی قبل از آنکه میله تفنگچه را به سوز خود چرخانده به خودکشی دست زند در مراسم عروسی در یک کلیسا به سوی همسرش و داماد چند بار تفنگش را نشاند.
این زن امریکایی که آن کوراند و نام داشت جفت مشروس و داماد را از دوره مکتبسی شناخت و گفته می شود که با حق داماد بود.
زمانیکه جفت فلنتسکا داماد و پناهیتو عروس در پت کلیسا در شهر نیویورک ایالت مستوری امریکا سوگسند واداری را به جا میس آورده دند و کوراند و تفنگچه را از دستگول خود کشیده داخل

را خنر و کلیسا شده و دیار فیر کرد.
درین حادثه سه جراحات نبرد است و اما درین عروس در اثر حمله قبلی به تعقیب این حادثه در زمان نلوسا جان سپرد.
این دختر بیست و پنج ساله از نلوسا نر از سروده و دو مرمی دیگر را قبل از آنکه تفنگچه را به جانب خود چرخانده و بیست مرمی را به سر خالی کند به جا فیر کرد.

سایر دنیا

آزمایشات زمین

تاریخنا مان چینیایی به این نراستند که آتشموز دریا به غای نفت گویت و فعال شدن مجدد نوه آترفشان در فلپین باعث سرازیر شدن سهلاباطی چند ماه اخیر در چین شده است.

محققین در آکادمی علوم - پهن گفته اند نه امریکایی - ضخیم که از چاه های مشتعل نفت از زمان جنت خلیج به این سو متصاعد گردیده باعث کا - ستر نفوذ اشعه خورشید به زمین گردیده و درجه حرارت سطح زمین را کمتر ساخته است و پت زمستان ذروی - را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشفشان کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای ضخیم خاکستر را به فضا متصاعد ساخته و درجه حرارت راد رین منقله پایان آورد و است.
سرازیر شدن سهلابهای - اخیر که شدیدترین سهلابها در قرن جاری در چین خوانده شده باعث هلاکت دو هزار نفر گردیده است.

تاسال ۱۳۰۰۰۰

نشر قریبانی

طبق گزارش که بتاریخ شش

است یا سالترد پرتاب هم اتمی در شهریونها در لندن نشر گردید و میلیونها نفر در قرن های آینده در نتیجه آزمایشات ذروی که در سراسر جهان اجرا میسود و چانهای شان را از دست خواهند داد.

این گزارش که تحت عنوان "رادیاوتیف و زمین" به نشر رسید و بخش از کارگزاران های طبی علوم سلاح شای ذروی است که توسط سازمان دو کشوران بین المللی برای - جلوگیری از جنت ذروی پسراره انداخته شده است.

این گزارش تا نوسرات آزمایشات ذروی در قضا و در زیر زمین را که توسط انگلستان چین و اتحاد شوروی و ایسالات متحده امریکا ارسال - (۱۹۴۵) به اینسو صورت گرفته مورد ارزیابی قرار داده است.

در این گزارش گفته شده که تا نهر این آزمایشات به طور یکنواختی معادل به سهول هزار هم است که در شهریونها پرتاب گردیده بود.

گزارش میگوید که تا نهرات بقایای ذروی این آزمایشات تا سال (۲۰۰۰) باعث آن - میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر از اثر سرطان بمیرند. اینس سازمان که مقرآن در لندن است مشکل از دو کشوران طب هفزد پت دانات و کارشناسان ذروی از سراسر جهان میضاند.

نشر قریبانی

مردیکه در قریه تمام بوکنها پسر پنجاه ساله خود را کشت تا بتواند سه هزار تومان در روز در آلبوم زندگی وی را بدست آورد و از طرف محکم به سه مرگ محکم شد.

دانیل بوکها مردیکه در شرکت بیمه کار میکرد متعسم است که پسر خود را تا سرحد مرگ لت و کوب کرده و بعد از جسد وی را در آب انداخت

درست بعد از کشتن پسرش او خواستار پرداخت پول بیمه زندگی او شده ادعا کرد که پسرش تصادفی در آب غرق شده است.

السن فشان

اوزون را از شهر بیگرد

اداره ملی بحرشناسی و اتوسفرشناسی امریکا به این نظرات که فعالیت کوه آتزر نشان پینا تو بودر فلپین که اخیرا بعد از نشر صد سال خاموشی دوباره فعال گردیده میتواند قشر اوزون را بر فراز نیم کره شمالی در سال آینده شدیداً صدمه زند.

کاهش سطح اوزون ماده که زمین را از اشعه ماوراء بنفش آفتاب محافظت میکند - از سفر دیوا اکساید ناشی میشود که در مواد ان آتزر نشان به مقدار زیاد وجود دارد.

بنگاله طیش

در طوفان تشار وید

سپه الرحمن ونهراله به بنگلکه دیش گفته است که بنگلکه دیش در طوفان تباه کن ماه اپریل یک اعشاره هفت مهادر در خسار دید این رقم رانبروی مشترک ضر - بشی بنگلکه دیش و مل متحد تخمین کرده اند - همچنان طوفان مذکور باعث هلاکت (۱۳۱۰۰۰) -

نفر گردید. سپه الرحمن گفته است کشورش ۲۱ میلیون دارالرادر کوتاه مدت و ۳۶۱ میلیون دارالدیگر را در دوره متوسط طولانی ضرورت ارد.

دین اسلام

در آذربایجان

شایع ۱۲ اگست شرکت کند آن کفرانس برین مسموم ده تانون (۱ آزادی عقاید و سازمانهای مذهبی) اظهار داشتند که آنها با مواد مسموم ده این تانون موافق نیستند به عقیده آنها در تانسون مذکور اسلام باید به مشابه دین رسمی حکومت تسهیل گردد در ضمن صورت اداری روحانیون دارای تفازسی تواند حزب سیاسی شود را تا "سیر نماید" شرکت کنندگان کفرانس همچنان استوار می دیزند تا آموزش دینی در کتاب صورت گیرد.

به عقیده "سازمانهای دین و انجمنی غیر آذربایجانی در صورت نظام شدن دین اسلام به حیت دین رسمی، آذربایجان باید نام جمهوری اسلامی مسمی گردد و جنین قسم ضربه اختلاس به نام مرکز میگردد" موصوف به کوه "کفرانس سالسون جلسه را ترک کرد."

شرکت کاپیتان

چهره زلف مشایخ

پولیس در جمهوری گرجستان زمانی تکان خورد که تلفون متعلق به جوزف ستالین دزدی شد.

این تلفون در موزم ستالین در شهر گوری گرجستان که دیپلمات شوروی در آنجا تولد یافته به ناپیش گذاشته شده بود. این دزد تصادف نمی توقف گردید و آن خوری بود که یک پولیس کوه هنگام شب یک تن از باهین را که یک شیفته را نقل میداد در شرف ساخته و شیفته او را تلاشی کرد این دزد چاره جز اعتراف به خویش نداشت. دزد مذکور در قرارگاه پولیس گفت که او تصمیم داشت تلفون ستالین را در منزلش نصب نماید، زیرا تلفونهای صری قابل اعتماد نیستند. این تلفون که ستالین

درجهان جنگ در جهانی از آن استفاده میکرد دوسا و به موزم مسترد گردید.

دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه تنه راه از عمران ترندمانی گذشت و قیمتان در مارکت های بین المللی انشای انشیک به میلیونها دلار میرسد امروزه ملی بنگه دیش دزدی کردند مامورین داکه گفتند که دزدان مذکور با قطع میله های آهنین وارد گالری موزم که در طبقه دوم قرار داشت شده و بار سو دن مجسمه "میناتور" شده. فرار نمودند این مجسمه قسمی از تاج ماراچادیکایانامی باشد. مامورین داکه گفتند این نخستین حادثه دزدی در موزم مذکور در بیست سال گذشته است این مجسمه شش کیلوگرام وزن داشته و در بازارهای بیجا - لمللی میلیونها دلار ارزندارد.

دزدی یک میلیون

در اوزبکستان

علی حق برودی یف رئیس کلوپ پدیده های غیر عادی باکو برای خبرنگار آژانس "آما - ایراد" اظهار داشت که در این اوخسودر آپشرون ملاقات انسانها با موجودات عجیب ثبت گردیده است. یک گروه محصلین مکتب عالی نظامی کسپن در نزدیکی باکو با موجودات عظیم الجثه مواجه گردیدند. این موجودات با پشم سیاه کورنگ پوشیده بوده و یک چشم سرخ داشتند که کمی پایین تر از پیشانی قرار داشت و بزرگی چشم آنها به اندازه یک دانه انار کلان بود. در سابق نیز در آپشرون مردم با جنین موجودات ملاق شده است. در زمستان سال ۱۹۸۹ با - شده گان قهقهه کورد اخانی

موجود دهنده را د پدند که کام آنها چهار برابر گسام انسان بود.

شامل علی یف در روز ششم وی باکو در ماه فبروری سال ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن شروینام "د پوز" با دیویک چشم مواجه گردید. امروز کلوپ پدیده های غیر عادی باکو از اهالی جزیره نسای آپشرون خواهرش نموده تا راجع به ملاقات های مشابه به کلوپ مذکور خبر دهند. در جهان پدیده های مشابه وجود دارد مثلا در سال ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر الکاهل جیمه دیویک چشم کشف گردید.

بازسازی فرد شکسته

آبایی گریباچف

تا بیخ ۱۲ اگست در دهکده آبایی گریباچف رئیس جمهور شوروی روز شکوهند است. در دهکده پیر و لئوس کلخوزی را که بنام یا کوف میبرد لسوف یکی از نخستین رهبران دوم لیت شوروی مسمی بود لغو کرد.

روز نامه کمسولسکا یا پرودا می نویسد که چنین تصمیم را خود اهالی ده اتخاذ نمودند. ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق کلخوز گفت که انجمن ده هفتی که تازه ایجاد میگردد رطول پنج سال از پایه د ولتسی معاف خواهد بود و بهتر از همه اینکه دهقانان اختصار دار زمین خود خواهند گسرد.

اکنون هر عضو انجمن می تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک ایکر مساوی است به ۲ جیب) بدست آورد. ناگفته نماند و طندا راهالی این ده میخا - ئیل گریباچف نیز حق دارد مالک زمین موراتش پدرش گردد.

دزدی میلیون

دزدان با حوله اخیرا بی د و عتقاد و دیترا منیم سقا پی ستین متوررا قطع نمود و یا خود برده اند. مسموم نشده نه به مدت زمانی را در بر گرفته که دزدان مذکور توانسته اند لوجه های المونوم سقا حقیقت متور را که در بناده شوت و پلسون در منطقه برولین نیویارک قرار دارد بردارند اما به احتمال زیاد به آما این کار را در جزیره یان انجام داده اند. این متور بیست و نهار ساعت بازمی ماند. پولیس تخمین زده که المونوم چهار سرت شده. یون فتاد تانون هزار دلار زر دارد.

سنای امریکا و پیش

سینه ادم کشی ها

سپو تحقیقی که در مین سنار کانزوا ایالات امریکا تا ریح ۱۱ اگست صورت گرفته در موریتیه گرای ششاه اول سال جاری عیسور در ادامه جنایات وجود داشته باشد تا اخیرا بجاری (۲۲۷۰۰) نفر در ایالات متحده امریکا به قتل خواهند رسید.

شیر این تحقیق که توسط کمیته قضایی در سنای امریکا صورت گرفته قضایای آدم کشی انون نسبت به بی سال گذشته دو چند افزایش یافته است. (جوزف بایدین رئیس کمیته بد نور این رفتار خونریزی را نتیجه استعمال مواد مخدر و تشخیص باند های نوجوانان و دست یابی بدون کدام محدودیت به سلاح میداند.

از جمله پنجاه ویت ایالت امریکا، تکران شاهد بزرگترین حوادث قتل در سال جاری خواهد بود. تعداد حوادث قتل در این ایالت امریکا سه صد نفر بیشتر از سال گذشته است. به هر صورت واشنگتن دی. سی. مرکز آدم کشی خواهد بود.

نام های ناشناخته در میان
هواخواهان هنر تاجیک در
افغانستان نمیباشند .

درغنائین همزیبانان صمیمیت
و همدلی پیوسته زیبا و زینت
پرداخته ها بوده است .

گاهی از سر زمین پر بار
فولکلور افغانی برجیده آوازی
سرداده اند و زبانه‌ساز
ترانه های شاد و صحت مجلس
و گاهی نیز این جا و آن جا
پارچه های رابه باز خوانسی
گرفته اند .

البته خود نیز هد ایایی در
این زبانه داشته و با تعارف
دسته گل هایی را نثار شنونده
گان و بهننده گان افغانی خوب
پیش نموده اند .

بهبتر خواهد بود از زبان
خود آنان بشنوم که چی هر
فهایی برای شنونده گان افغانی
خوبش دارند .

نخست از همه با کرامت الله
آواز خوان جوان و خوش صدای
این گروه پرشهایی را مطرح
نمودم که میخوانند :

• بار چندم است که به افغان
نستان آمده اید ؟

• بار سوم است که به افغان
نستان دوستانه اشتی آمده ام
و این یگانه کشور است که خود
را در آن بیگانه احساس نمی‌نماید
هم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما
یکوست .

• تا شهر موسیقی غرب را بالای
موسیقی تاجیک چگونه یافته اید
و آیا خود نیز از این موسیقی
چه‌زی می‌دانید ؟

• در حالیکه خود را دقت‌تر به
سوال نشان مدهد و گویند در
صحنه امتحان قرار دادند و دلش
را با ندادن گزیده بحد می‌گوید :
• شخصاً موسیقی غرب را همین
نگرده ام و در قسمت تکسپ
ارو پایی در تاجیکستان با پسند
گفت که تا سال ۱۹۸۰ تکسپ
ارو پایی بالای موسیقی ما تا شهر
مستقیم داشت که پس از همان
سال چند تن با هم کمر راسته
گروهی را به نام سمذیان که
پهلوی دنیای موسیقی فارسی در
لطفاً صفحه برگردانند



گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

مباحثه از نریا سرلوری

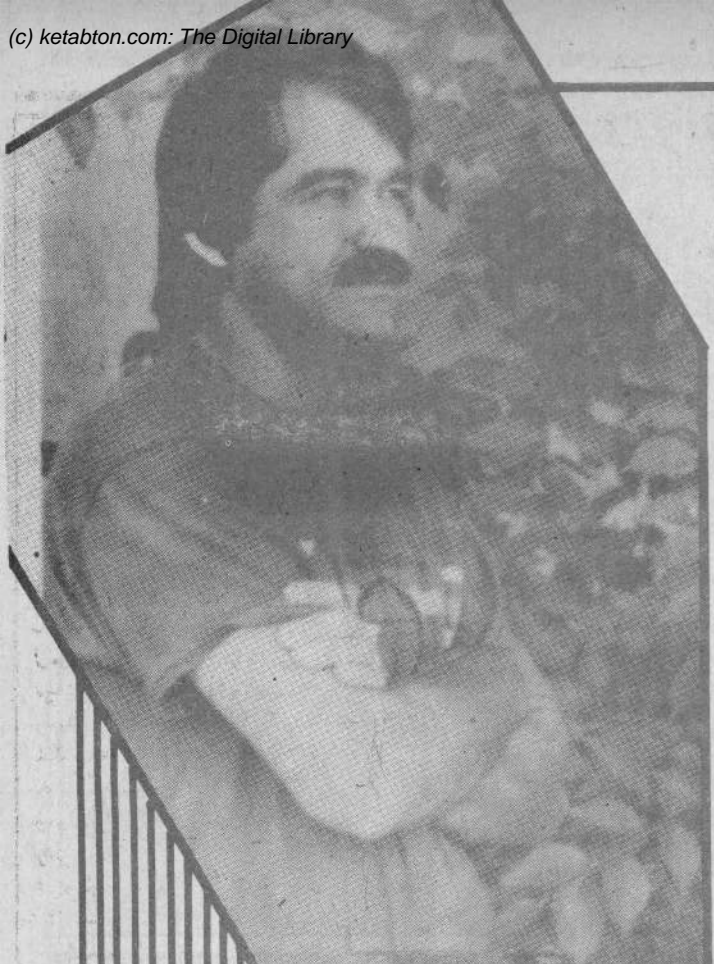
باری از نوه پس از چار سال
باز هم میزبان هنرمندان تاجیک
استم . آنان خوب میخواستند
نند و خوب میخواستند و خوب
هم میخواستند . هر چند آن سبک
دستی و شور سالهای پیشین
را کمتر داشتند . اما هنرمندان
خوبشان خرمای شهرنوا بسا
آهنگهای خوب و ظرافتهای
هنرمندانه خود را گرمسای و
کسرت‌هایشان بود .
آواز خوانان خوب دیگرشان
کرامت الله واحد اللعین پارچه
های خوبی تقدیم علاقه
مند آن موسیقی تاجیک نمودند .
بیشتر از همه خرمای با تقدیم
آهنگهای افغانی " اوخندا -
جان دلم تنگه است " بچه
جان لوگری " و " مشک تازه
مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار
دیگر علاقه مندان را نوازش
بخشید و توانست همان محبوب
بیت گذشته را در جمع د و
ستان افغانی تازه سازد .
از مدتی به این سو هنر
موسیقی در تاجیکستان آمیزه
می‌شود است از ظرافت های
موسیقی بالندی و خاور زمین
با آلات بومی و محلی تاجیک
که گهگاه سایه روشن تا نبرات
و امواج تازه گرای غرب نیز
در آن محسوس بوده است .
گروه های هنری چون پلکه
پدیده هاه گلشن ، زیبا ...



او خندا جان

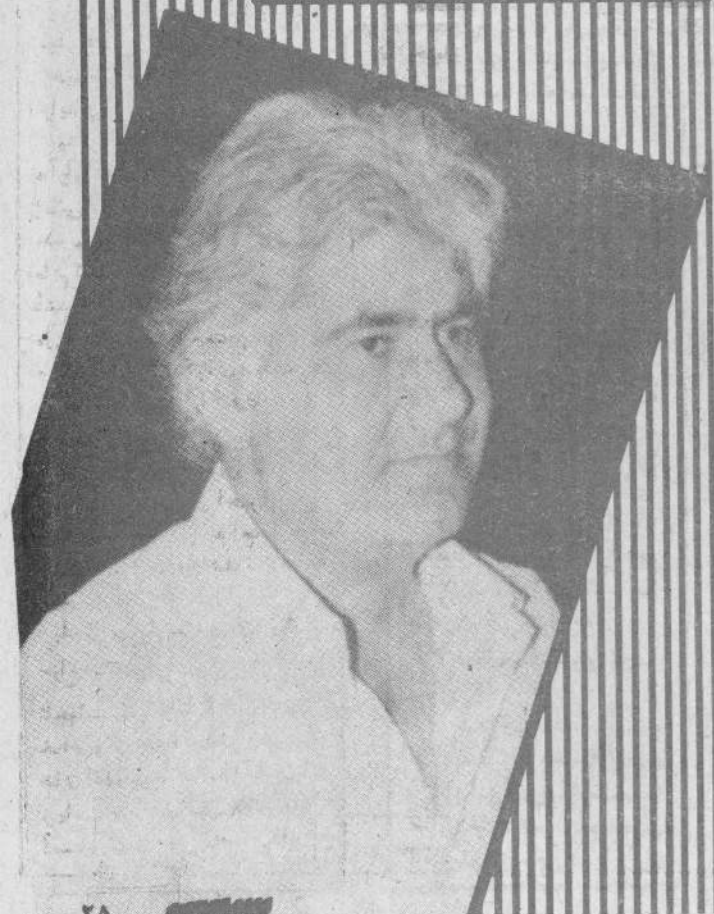
دلم تنگاست

از خنجره دیگر خرمای شیرین



که می‌کنید چه خواهد بود ؟
 ابرو هایش را بالا انداخته
 می‌گوید :
 - اولاً خود انکند که چنین
 کاری شود اگر باز هم چنین شد
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر
 و قصابی ته به منطام و در ضمن
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا
 بیاورم تا بانوای آنان غیبی
 دنیا را فراموش کنم . اما این
 را از یاد نهید که بد و ن مو -
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .
 * دو سال بعد خود را چگونه
 پیشبینی می‌نمایید ؟
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -
 یشم آن چه برایم ارزش دارد همین
 امروز است . آینده را خدا میدا .
 ندوس
 * کدام ساز را سازگار حالات
 خویش یافته اید ؟
 گوی به جایی رفته است از آن
 جا سخن می‌گوید :
 - تنبور را دوست دارم صدای
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟
 باز هم می‌نماید که گویی حالت
 را به خاطر می‌آورد و سپس
 چنین می‌گوید :
 - دو سال قبل نامه بی از پست
 جویان دریافت نمودم که در آن
 نوشته بود " دوست و سه سال
 دارم به آهنگسازیت غیبی
 علاقه مندم اگر صاحب ده فرزند
 هم شهید حاضر با شاهروس
 نامم .
 هر دو خندیدیم - غیبی
 پرسیدم به کدام آواز غیبی
 چنان علاقه مندی زیاد داشت
 رسید ؟
 درنگی ننموده می‌گوید :
 - علاقه خاص من به تمام هنر
 نقاشی و شریکیت که تویان به
 صورت خاص از یکی آن ها
 نام بگیرم .
 برای لحظه بی هر دو سبک
 پیشتر به خاطر آن که چوب
 بان صحبت قطع نشود بهم
 * اگر موسیقی و آواز غیبی
 سبب افلاک بود اولین کاری



خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند



تصویر کرد . اید ؟
 با تمجیب می‌خندد :
 موسیقی غرب را دوست دارم
 اما چون از عهده اش برآمده
 نمی‌توانم . هیچگاه آن را
 تصویر نگردم .
 * وقتی که تنها باشید چسی
 می‌کنید ؟
 آه کشیده می‌گوید :
 - هنگام تنهایی آهنگهایی را
 زمزمه می‌کنم . اما آهنگه " من و -
 دریا " همیشه مونس تنهاییم
 بوده است .
 * جالبترین نامه بی راکه تا
 کنون دریافت داشته اید

ان راه دارد تشکیل دادیم .
 * موسیقی تاجیک را با موسیقی
 کدام کشورها در نزدیکی
 و تشابه قرار می‌دهد ؟
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی
 با موسیقی افغانستانی و هندسی
 دارد که ما توانسته ایم این
 موسیقی را در دیگر ایالت های
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .
 * در مورد نوشتن و بالافهایی
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر
 دارید ؟
 خود را تکان داده گویی چیزی
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا مه
 می‌دهد :
 موسیقی باید مسلکی و اساسی
 آمیخته شود . در صورتیکه
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه
 مشکلات همه حل خواهد شد
 چه با آما تور بودن نمی شود که
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا
 گرفت و آمیخت .
 * به گونه بی که دیده میشود
 شما آهنگهای افغانی را خوب
 اجرا می‌کنید ؟
 برای گهش این آهنگها چی
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟
 خنده معنی داری نموده می
 افزایش :
 بیشتر از همه احترام من نیست
 به آواز خوان آهنگه میباشد .
 زمانی که آهنگ را پسندیدم
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا
 نامم که نزدیک با همان آهنگه
 باشد . گرچه گاهی خوانی سبک
 عمل پسندیده نیست . چرا
 که با خواندن آهنگهای دیگر -
 آن نمیشود جایی را گرفت .
 اما گاهی خوانی نزد من مفهوم
 خاصی دارد و آن این که به
 نظر من گاهی خوانی احترام
 و علاقه مندی زیاد به اصل
 آواز خوان آهنگه میباشد نه
 تقلید از او .

میشود . علت را بپرس ؟
 خنده ید می‌گوید قرار است
 امروز روی تربیت احمد ظاهر
 بروم و به روح پاکش دعا کنیم .
 * قسمی که معلوم میشود اکثریت
 مردم تاجیک علاقه زیاد به
 آواز احمد ظاهر دارند میشود
 علت را بدانیم ؟
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند
 و ادامه می‌دهد :
 - به خاطر آن که احمد ظاهر
 شعرهای خوب را انتخاب نمود -
 ده و آواز به نوقدم تاجیک
 دارد و مردم میتوانند در
 آهنگهایش تصویری از زنده گی
 خویش را باز یابند .
 * در قسمت انتخاب شعر
 چگونه نوقدی دارید ؟
 - شعرهایی را انتخاب می
 نامم که به گونه بی بازندگی
 و پهلوهایی آن در رابطه با -
 شد و اکثریت بتوانند در همان
 شعرها لحظاتی از زنده گی
 شان را دریابند .
 * آیا گاهی موسیقی غرب را -

خاتم خرم شیرینا غایت که
 با علاقه مندی و سمیت خاص
 آهنگهایش را برای شنوندگان
 آوازه را که میدارد کما هم
 سبب روز تاروز شمارا قسه
 شدن آوازه افغانی میباشد .
 خرما شیرین با چند تن
 از ژورنالیستان دیگر مصوفی
 مساحبه است . من هم منتظر
 می‌مانم پس از آن که دیگران
 رفتند من به پرسشهایم آغاز
 کردم .
 * آیا از آواز خودتان خوب
 نشان مآید . چرا ؟
 می‌خندد و بعد می‌گوید : خود
 ستایی پیشه شیطان بود . من
 خود را در هنر خود شرمندارم اما
 هنر را در خود دوست میدارم
 خوب در وقت صحبت غیبی
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا
 روی پای دیگرش قرار میدهد
 لحظه بی دستهایش را زهر
 پخش می‌کند . و بعد موهایی
 را با دست نیازش می‌کند .
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

بایستم سخنان کرامت قربانوف
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -
 آتاجیکستان راکه با اداهای
 خاص و دوباره خوانی آهنگه
 های افغانی علاقه مندان بی
 زیادی در کشورمان یافته
 است می‌گیرم . بی مقدم از



دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو
سره بیوه پداده چی ستا
د نیاسته گوتو مړول ورسره
برخه دي .

لالی ! ته چی دوزیسی
د سهار نه مچو سره اشناهی
ستادي د نازکلوته د نازکوز و
نواغله په تمه ده . بسکه
د نیاسته د بازار تودول تاته

جان سیار غواړي .
ته د بازار تودو ساته اوسرولوته
می به پیزده . ته نیاسته
لالی می ، دنړی درانه لمر
ورانکی ستا د مخ لوری ته گړی
راگړی . ستا سو د کوشوندو

درانه سهار وزیس خولسه
وزنژدي کړی . داچی نن
د پتنگانو د قافلې لوری تاته
خره دي ، په دې وخت کی
د هغی زېدلې پانی لعاظ
ساته چی د زمان د توندیا د
خپیری وهلی یوه ، خړکه
دور موشیو واگه ارد نیاسته
هنداره یواړی ستا
مخی موندوله

لالی ! د تاندولبتولوری
له نظره به اچو !!

د روغیسی دی ، شوندي
شپڼو موی پوښو وخت لمر
هغی خواک شه تر تورو پوښه
پام په گاردي مکه هلته د کپلو
د سره اتق یو سره شری بیسی ،
د هنر لالی ! پوهیوی می
لږ وخت پخوا به ستا د کلابی
خپری شخه د هغی پتنگان می
پروا نه پیل اوستا نیاسته سره
په می پروا می ، ستا د نیاسته
د هغی قدر پروا نه ساتلده
کیده . تاته د زانیس په
ولوش هغه ماته گڼده
د بهادری !

د نازک لالی ! د نیاسته
په دې رنگین گزار کی ، د نیاسته
په ستا د باغ د شمانگور تاندولتو
لښتوکه پام کول اوسنی
د مرغی ملک ستا د هغی
راپولسی .

د اتسوپ به هیره و ا د لته
چې د موسم هر کی د پتنگانوی
انته کار لسی د دې هغی
اوبرا د وینه یواړی د خپلیسی
خولی هکته به راوړه .
د هنر لالی !

لا مبر کړی دی ، ووايه
د نیاستو سره د نیاسته په
بازار کی ستا د معاملسه
تاته سه می ؟

لالی ! که د نیاسته
د حساب ورکولو د حشر
په وځ ستا سره د نیاستو
د هیرولو او هیریدو د سپارلو
حساب وشو ، ستا د سپین
تندی ، شین خال ، واداغ لپری
کولای شی ؟

لالی د ښکلی هنر لالی
من چی ستا سره لاسونه
او اورغوی به هلته د حساب
د پاره واورې ، راواړی خو
د دې سرولا یونود حساب
ورکولو د پاره دنورو نیاستو
په سرورینود ک زړونو ته
سواپ ته شی ورکولای .

د نیاسته مغروری اوسه
نازبری !

من چی ستا د مخ
کلاب ته د پیزه واغلو پتنگانو
دهوکی اتن جوړی اوستا
ستا زې ستا د هنر د تاج محل
د مرصنو تیزو مخی ته د وړی

خو سره نیاسته می ، ستا
د اوږل پرمخانی د پاسر
نرونه پرمخانه کړی دی ستا
د نورو شکر گرانو سره پوښو
د افونو کتیبوول . ستا
د حسن شخه تر پل لیسری
کول شی موه زړونه د هغی
سره ایتکاره و سیارل ، پوهیوی
چی ستا د هیر وشو هم د زړونو
نیانی خطا کړی . ستا
د خیالی مړوند په اړلو
راپولو سره خو مره زړونه
د نیاسته په سیند کی لاهوشون
من چی ته نیاسته می ، ته
د سره کلاب به په سر و شوندي
شرو لای شی ته نیاسته می ،
تاته د حسن د بازار د کیدلو
ور خلاص دی .

کولای ! پوهیوی چی خپل حسن
پرمخانه نیمه کړی می ، او د خپل
نیاسته د کلونو هنداره دی
لاسی شخه ونه لونده او هنداره
هم ستا د نیاسته په پوښو
ته شریده خود اچی د هغی
نیاسته به غرور د سپور و
نیاستو لوری ته شریسه

که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جبهات و حوادث (انقلاب کلتوری) نکرکند . در یکی از مینتنگ های (خونفینها) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: (مائو برای همه شاسلام می فرستد ۱۰۰۰) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید باموزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود در راه شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . (سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد) ()

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام (اوکسانا اونیک) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظرمی کند: پسزبان سن را باید به مشا بهیک فرد با شعامت پسر هادی و یک رهبر پیشگام انقلاب یاد کرد) سزنان سن چندین سال را در ستر می می سپری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند کهوی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر (اخلال دماغی) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را (پوشا - وسی و لنهن پهاو) را بقتل رسانند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در کرسی بیوری سیاسی حزب کمونیست رسانید ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت . سزنان سن را مانند (لاوریتها پها) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکتب خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره ماسر چهارمی مائو برآید مانند همچنان این تحمل را باید داشته باشد که واقعات نهادی را که از سالهای ۱۹۴۹ بدین سو در آن کشور اتفاق افتاده بدانند .



پیوه مائو

خودکشی کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سبنا

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم (سزنان سن) هنریشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده (انقلاب کلتوری) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهای بالای بزرگترین ملت سزنان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خودوی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: (فعلا مازهد مگر جدا مشوم هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانی شناسد اما تو میتوانی به عالیترین مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست) ()

مائو ضمن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبدگلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: (شاگرد و هممرت تو ۱۰۰۰) و تمدا نی خواست بیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پرنماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: (یکا نه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوهگری می کند پدست آوردن قدرت است) (۱۰) خلق مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکرمی کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوس (گومیندان) استخدام شده بود

و در سال ۱۹۳۷ با سزنان نمودن هویت خویش واقعیت را کتمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند

چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.
چنان برای عدد از شهرستان
گاز مایع نیز آماده فروش است
که انتقال آن در شهر کابل
رودت گرفته شده است

منبع صحبت: معاون اول
وزارت معادن و گسترش
معدن

۱- ذغال سنگ:
امسال در نظر است تا در
توزیع ذغال سنگ بی غداست
های سال های گذشته تکرار
نشود. تثبیت شده است که
پتجاه هزار تن ذغال سنگ
به کابل وارد شود. در زمینه
رهایست ترا نسبت سکتور -
خصوصا تا اخیر عقب مانده
در این مساله است البته
انتقال آن از همین اکنون آغاز
شده است و در دروازه تاجیه
شهر تذخیر آن ادا به دارد
برای سهولت تعریض تحویل
پول در شهری شانگه های
مختلف و در بانک های مختلف
قابل اجراء است. باید خیسر
قسم ذغال توزیع آن آغاز خوا-
هد شد. البته قبل از توزیع
است های مستحقین تثبیت
شده از طریق نواحی شهر
کابل این پروسه پیش برده می
شود.

منبع صحبت: انجنیر فضل
احمد رئیس برق کابل
صحنه های را
که از مسئولین امور خردانه هم
نشانده اند. این امر است که
باید نسبت به این مشکل مردم
حکومت تدابیر جدی تر همراه با
ظرفیت های واقعی که بتوانند
نیاز مادی های مردم را تکفیل
نمایند اتخاذ نمایند.
در حالت موجود معنسی
پوست کده مسئولین اینست که
تخل به مقدار کافی وجود ندارد
ناید تهیه شود. ذغال سنگ
هنوز به مقدار کافی به کابل نرسیده
شاید برسد. برق فعلا
وضع بهتر دارد اما ممکن است
وضع آن بدتر شود و اما مردم
چه کند؟

منبع صحبت: دوکتور کد امسی
معاون وزارت معادن
و صنایع کبلی

۲- انرژی برق:
خوبه فخانه امسال بتا پسر
باران برق های زیاد سال
گذشته وضع آب نسبتا بهتر
است و از این جهت بر چسای
برق در وقت های طولانی تر
صورت میگردد البته در هشت ماه
در امسال مشکلات بهالاستر
برچای وی برق به وجود خواهد
آمد. زیرا در این فصل بخش
بهتر مردم به مصرف برق توجه
بهتر مینمایند و بر علاوه
تغییر سخت و بز توسط برق صرف
رت میگردد. ظرفیت های موجود
چند تولید برق برای شهر
کابل به تناسب مصرف آن نا-
کافیست

شهر کابل توسط ۴۴۰
برق و ۳۴۰ برج برق بر بوسط
به فایده کات و د و بر دولتی
از انرژی برق مستفید می شوند
در بخش برق انرژی حرارتی
مشکلات عدم موجودیت تهسی
وجود دارد و فعلا در ایمن
مورد مشکلات کماکان پابرجاست
وزارت آب و برق با اصلاح و
تتاز پروژه های جدید میتوانند
برق بیشتر را تدارک نمایند به
اسمار و وجود پولی نیاز نیست
است که با مصاد شدن امکان
نات تسهیلات فراهم می شود
و بیشتر اینکه برق به موجودیت
آب در دریا های که در مسیر
بند های برق جریان دارد -
متعلق است.

۳- انتقال مواد نفتی:
تهیه و تدارک مواد محروم
قانی در فصل زمستان برای
شهر کابل کار خلیسی
مشکل است از یکسو مشکل انتقال
لات و از سوی دیگر کمبود
محرو قانی از طرف هم انتقال
مواد به مرکز دست به دست هم
میدهند تا مشکلات را جاکسر
سازند.
در زمانهای اخیر بنا بر کمبود
چوب ذغال سنگ و انرژی برق
فشار معتنی بالای مواد نفتی وار
شده است به همین سبب نفت
کیمیای کم شده است و از جوری
نیست آن در بازار های جهان
افزایش یافته است.
در سال جاری حکومت تصمیم
دارد تا از منابع داخلی مقدار
نفت خام را تهیه نماید همچنان
تدابیر اشافان شده تا شرکت
های متفحصین خصوصی مساب
نفتی را تویید و از طریق مساب
استیشن های دولتی توزیع
آن را تنظیم نماید تا نیای
در این زمینه وجود دارد تیار
داد های هم صورت گرفته است.
البته برای شهر کابل کویون
های جدید جهت برای مساب
نفتی توزیع خواهد شد. تصمیم
استثنای برای مستحقین فروش
در یافت مواد نفتی و مساب

از ده سال به این سو زمستان یاد شیراری و ناملایماتی خاصی
مهمان عزیزین ما می شود. زمستان همیشه فصل تا مهر با تست
امایزای مردمی که آتش و نان ندارند نامهربانتر به یاد داریم زمستان
سال ۱۳۲۷ را که کودگان مادم بانوای ها وقت پست استیشن
های تیل جفت شدند و به خاطر دارم برقیهای سنگین وزن سال
گذشته را البته که بات آن اراده نبردند و بر این سختی صبر
ما برده است البته آنچه که در امکانات است مردم از آن استفسار
مینماید. بکنند از مواد نیز کم است ست چیز های با مشکلات
دست مینماید ولی حقیقت اینست که مردم هم شرایط جنگه را میداند
هم سوزان را درک میکنند هم معنی محاصره اقتصادی را بلد اند
ولی با آنهم خانه ایگه سرد است آتش میخواهد و شکی که گرسنه
است نان میطلبد و تن برهنه را باید پوشانند.
حکومت در مسالهای گذشته با اتخاذ تدابیر توانست باری از
مشکلات را بر دوش گیرد و چاره سازد همچنان تدابیر اضافی فرض
حل یک سلسله از مشکلاتی که در اثر رو آوردن هواشنای از و لایمات
به شهر کابل به وجود آمده نیز اتخاذ گردید. واقعت اینست
که کابل شهر چند بار اگر چقدر از نفوس برخوردار است. برق سبک تویید و
تسخن خانواد و هاتوزیع مواد قفایی مواد مورد نیازان در زمستان
همواره بنا بر افزون بودن نفوس و کمبود امکانات باید اقل شبکه
خدمات اجتماعی مشکلات خود را میداشته باشد اما یک سوال مطرح
می شود. آیا قدا بر حکومت به موقع اجرا میشود؟ آیا آنچه در
دسترس است عادلانه توزیع می شود؟

ما برای زمستان طلال روان هم تشویق داریم و هم امید.
زمستان خواهد آمد اما بی دایم و بی تدابیر مردم معتمد
پوشان اند و وضع اقتصادی خیلی مردم بر سر صدمه ساخته است
هنوز جنگه میبارد و هنوز جنگه راه میگردد. هنوز جنگه مسوزان
خانواد و ها را جوانان و نان آور و نیروی کار کاروان مشغول خسود
نگهدارنده میا اینکه آنها را از صحنه زنده گن دور میسازد صحنه
ستم مسوز این امور به سوالهای میا وین در این مورد پاسخ
بگویند که واقعا چه داریم؟
آیا مردم تشویق داشته باشند یا امید؟

کزاره گوی: همیشه "سیدی"

۲۸

راپورتاژ

احتیاط کنید!

تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم
چیزی بخریم در هر مورد در هر
قلم و سواست داریم که می-آدا
تقلیب باشد، مبادا کم باشد
مبادا فریب بخوریم و ازین گونه
تقلب امروز نه تنها در سنگهای
غیر شیشه بلکه در اجناس ولوا نیز
متشلف، خوراکی ها و مسکه
اجناس وجود دارد. کفتر
کسی است که قادر باشد یک
تولیدکننده را دیوکت یا
ویدئو تپ جایانی اصل را با
ساخته هوش آن که از اینها
کوبه و تاپوان می آید فرقی بگذارد
مثلا بسیاری همانند اینند
که تاریخ سری شده ادویه
تاج، کرم دندان، لوازم
آرایش، رب پادنجان رومس
کسروه، شکر خشک، پنیر، مسکه
روغن و ازین شمار را چگونگی
در نظر بگیرند و چه عواقب
منفی را این تاریخ سری شده
در قبال خواهند داشت؟
من گزارش خود را از - آه فر-
چشکا مهرکه افغان اعظمی کنم جا-
یک تقریباً یک از نقاط مرکزی



محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دیکانهای مختلفی وجود دارد . و آنسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستورانیت ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - نخود و پنشو و بعداً نه سزای لیلان !

میخواهم از ترکیاری و سبو فصلی خریداری کم چسی صمیم :

سنگ وزن که از خشت و آهن های عادی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازوها پاننگ دارند و اگر یک جنس را در دو ترازو بسا تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاو ، پاونست و چارک حتی سه پاونست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخترنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - مانند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجر لوه دهد میکند برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام شد بزیج میدهم . آیا باور می کنی سر راهم خانمی آمد که خرید طه - می از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر ! چی خریده ای؟ - گفتم از منای کویونی گرفته ام . علاقه گرفتم وزن آنرا دقیق بسازم زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ - کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید - آنرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد - و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چیری را این بگم نمیدانم

کدام جنس تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافه را باید به پنجمد افغانی بخن ایسا این پنجمد افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدرد بخور خریده ام .

وقتی آنرا تکه را می کنی می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خور شده را می بینی که به قیمت های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلاً در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ - افغانی است اما در شهر همین شهر به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا ؟ بقینا که در جای اولی امانان است و در جای دوم نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیری ویا اطفال

خورد سال میرسد . در سزای لیلان با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردارم که بنام لیلانی فروخته میشود درین باره تبصرو نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گفت دهر روز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاول شرف گوشت گرفتند یا بزوانج شده میخوا - هد و در طول راه این گوشت ها بومی گزند اصلاً در باره تصایب های سار با - گفتم هیچ تغییری وجود ندارد که این تصایب ها مطیعین باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستند ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه (۸۴)

راځه داد پخړ کي پښان

اختره له همدې اوسنځخه
ندارې چې شونکو نه د ناسم
او ترښت درې ورځې او همدې
رنگه د معلمانو اختيار هم ولري))
او خپل جاي يې وځنه او چېرې
ته

په اوزده دهلېز کې دهلکانو.
چغنی او بوغاري هره خوا موی
محسن چې ورو ورو يې ندم -
اخست، داسې احساس کاوو
چې په هغه لاره ندم زدي، کوم
چې په رنځ او شور ختمېږي.
هرکې دواړه رنځ او شور
د ټولگي په وروستي څوکسې
کې يو هلک ناست وو په لسو
زغ سره وويل:

((استاد، زما پوښکې
کېسه زده ده))
خو بيا ښکې له دې چې
محسن ورسره روانه وکړي، را-
دڅه شو. دده دوستانو و-
ليدل چې هلک داسې بللون
افغونې دې چې په پښان کې
يې لورې دي. دې لور ټوټه يې
هم د پښانو ده او د سرو پښان
يې پرې چېمېل رابره دي.
هغه کيسه داسې پيل کړه:

((زما پلار د ښو کارو ښو
ځاوند يو سړی وو او خپل رنگي
و پښان يې لرل. ده په پوښت-
که درلوده او په سترگه يې
رنده پټې وه. هغه هم داسې
چې ده غوښتل دجا کونم
وگنډې. کومه دوسه کلنه وو چې
ده په ټول زور سره ونشوړاي
کړای په هغه ښه ورنښامسې
نور صبر شو چې کومه په خپله
سپته باندې کښېږدي. ده په
ټول زور سره پر هغې
نثار واورو، خو ښه ترې خړا
شو او په سترگه يې ورنښوته.
د ناسو سره څه خوږ وو، زما
پلار پوه سړی وو او داسې
زېږه يې درلوده چې نه اوز-
ده وه او نه لنډه. ده د پسر-
کار کاوو او کله هم ښه وو
هميشه به له ده سره پوه شو.
ره کوشن وي او هغه به يې
چېرولې اوله سره به يې توي
کولې.

محسن په هغه دهلېز کې
چې په پای کې يې دده ټولگي
وه وروښت کله اخست. د-
نډه سره نړۍ کې د اوده لو-
مړنې تسميره په اوبه دې ته
پوهېده چې په ټولگي کې به
دنده څه ورنښ شي. نو
په دې لور يې هغه کولسه
چې هغه وخت تر راونه رسېږي
تېره شي تر څه په خپل
پسټر دېخوا او انوار او وښت
اوبه دې هلک يې نکر کاوو چې
د خلکو په مړنې درېدل هم موه
گران کار دي. دغه دياره...
ورې له دې نه چې سړي پوه
شي کوم شي ښه او کوشن يې
دي. ژوند تېرېږي خوا يې
سروښن د ژوند وروستې ښاي
دي چې سړي يک زده کړم
کوي؟
ابا تاته بچيله، له شور -
نمې څه درې په باندې؟ او
په دغو پښانه انکار سره وده
شو.
گه په کله چې له خويه راپات-
خېد بيا يې پښان د مدبر څپو څپو
ته راوړاوه.
هغه پر کوم شي باندې خپلې
ريزې وي، خو محسن ورته
څېر شو او دنورو ښوونکو خپل-
ته يې غوښت. دوي هم په
هغه هلک خبرې کولې، کښن
چې د محسن فکر يې مشغول
وو. خو ترېمې دا و چې
دوي له بله نقطه نظره پسر
موضوع باندې بحث کاوو.
- که چېرې په ټولگي کې هلکان
کتاب وپلري څه بايد وکړو؟
مدبر له تنگه نظره څخه
سواب وکړه.
((هونجا ښوونکي هغه
دي چې زده کوونکي يې لکه
کتاب په کار وپوي))
او بيا يې خپلې خبرې پسه
په مخور سره داسې پاي ته وړ-
سولې.
((که پخپله نشي کولای له
کوم هلک څخه دغه مرسته
وخواي...))
محسن له خپل پناه سره
وويل: ((د مدبر لکه څنگه
چې له زده کوونکي څخه نېست



ادونه

عسان کفاني د ۱۹۳۶ کال
د اپرېل په مياشت کې د
د افغانستان په شمالې برخه
عکايه سيمه کې زېږېدلی دی.
د هغه کوچنيتوب د پانامه
پارټي ترمېنو او بيا يې په کال
۱۹۴۸ کې د افغانستان د اشغال
له کبله له خپلې کورنۍ سره
نمورې ته ولاړ او د مشرکي
مېشته شو. کوم چې عسان
له خپلې کورنۍ سره په فکري
تړوند کار و او همدې خبرې دده
پر روحيه باندې لويه اغېزه
کړې وه. ده په د مشرکي
خپلې زده کړې پای ته ورسولې
او بيا يې حقوق لوستلو ته ادامه
ورکړه. خو له دې کبله چې
اد بياتو سره يې لويه مينه
درلوده، بيا يې خپلو زندگي ورته
تعبير ورکړ او داد بياتو په لو-
ستلو يې پيل وکړ.
په کال ۱۹۹۰ کې بهر ته
ولاړ او د يوې ورځپاڼې مسوول
مدير شو چې له هغه سره سم يې
صهېو نېستې ته بيا زده کړه
کوله. په کال ۱۹۹۱ کې يې
د "هدف" مجله راوپنځله او
په کال ۱۹۹۲ کې د اسرايېلي
ما موزانو له خوا په داسې حال
کې په گولي ووژل شو چې له
خپلې لور او خور سره يې يو تړ-
کې سپور وو.

پولې يو صندوق و چې له لرگي
او پيسې او بلو کاندو ښو
څخه جوړې وو. په صندوق
کې غبرگه پوځي وسيلو او خداک
... نور څه نه ليدل.
پلار يې د کورنۍ پر دندو پاملرانو
شل کړ. يې زياتې لورې وای
جانو دده د لياره مړېکسې
دای نه وه. که چېرې ده غو-
نښت چې کښه پوره کړي، نو
سپور وو چې له صندوق څخه
راوړي. زما د پلا صندوق د
يوې ټولگي په نوم کېښل
سپورول. دوي وو چې تر هغه
پورته دېو څه من سړي مانې
وو. که چېرې کوم سړی د مانې
په سر درېدلای وای، هر ورځ
مړه يې شي. او ځانگړی يې
د صندوق په موجوديت به نه وای
وه شو. هغه څه مړه يې چې
په ځنگل را پورته شوې وو د
صندوق څخه يې د يوه ښو لکه
نورې دې توگه زما پلار هېڅ
کله په دې هلک فکر نه کاوو چې
د مانې څښتن به يې پټ.
جاي پيدا کړي او دې به لښه
ده تايه وشي. د مانې
څښتن هېڅ کله د باندو نه
راوت. دده خدمتگاران دې
نه چمتو وو چې هر څه دي وو.
نورې هماغسې وکړې. د څښتن
خدمتگارانو زما له پلار سره دده
د راز په ساتلو کې لاس وکړې.
وو او د دې په بدل کې زما
پلار د هغې کورنۍ مړيا جو-
ړولې. زما پلار په يوه جدي توگه
خپل کار کاوو. اوله چانه نه

سپرده.
ټول خلک به دې پوهېدل
چې دې کولای شي کونښي نوې
کړي. په دې توگه به ورځ به
ورځ خلکو ده ته د بري کونښي
را وړلې.
زما پلار به د ښين تر ناوختي
پورې کار کاوو او پوره به يې پس
وېل چې:
((لږ ژر به زامن پور -
نمې څه ولېږم)) او ورپه
سې وېل چې:
((پوره به پر ژر به آسوده
او ارامه شي))
خو دلته کوچنی هلک نور
څه ونه وېل او غلې ودرېده.
محسن په لور زغ سره وويل:
((ولې دخپل دوست
لياره لاسونه نه تېرې؟ ايا
تا سو له دې کيسې څخه
حيران نشو؟))
هلکانو وويل چې جز غواړو
دکسې پاتې بېرته هېر اوږد
محسن کوچنی هلک ته مخ
رواړاوي: ((ستا کيسه
پاتې لري؟))
کوچنی خپلو خبرو ته داسې
ادامه ورکړه:
((له دې مياشتې پوښه
د پروخت تهرېده چې د پلار
په مخ کې مې د پر کار انبار
شوي وو. کار دومه د پروختي
ده ښو کولای کوره راشي.
مور جز په وېل چې هغه يې
له دې چې له صندوق څخه
راوړي، هغه او ورو کار کوي.
څښتن سړي به هغه پښه
کې کښناسه او لول لول سړي
به يې خوړلې او پوښکې به يې
له مانې نه کښه راجول. چې
سهار به شو، نو غونډې به د سړو
له پر ستگو څخه ډکه وه. داسې
چې خدمتگارانو به نشوای کول
لاي چې زما د پلار صندوق د ښو
په صبح پيدا کړي. مور يې
وېل چې دې به دومه په خپل
کار کې بسا وو چې هر هغه څه چې
به د صندوق په سر لوبدل، دې
به پزې خبره وو.
د پر خلک داسې فکر کوي
چې زما پلار عادت لري د صند-
وق په منځ کې کښي او په خپل

کار بوخت وي، خو کله چې
خپل کار پای ته ورسوي بيا سو
کوره يې، مگر زه داسې
عقيده لرم چې دې هلک مړ
نوی دی.
هلکانو، کوچني څه لاسونه
ونکول او کوچني هم به د پسر
وقار سره پر خپل ښاي کښنا-
ست. په دغه وخت کې پسر و
ښينو سترگو د محسن وخواښه
روي روي کتل. محسن چې
دکسې تر ناښاري لاندې راغلې
وو له کوچني هلک نه وغوښتل
چې له ده سره د مدبر دفتر ته
ولار شي. په لپاره کې يې پو-
ښته لمنې وکړه چې: ((ايا
ته په رښتيا سره پوهېږي چې
پلار دې مړ شوی دی؟))
کوچنی هلک وويل: چېرې
((پلار يې نه دی مړ شوی، ما
د دې لپاره دا خبره وکړه چې
خپله کيسه پاي ته ورسوه، که
داسې مې نه وای وېلې نو زما
کيسه به هېڅ کله پاي ته نه وه
رسېدلې. خو مياشتې وروسته
اوږې راغې او دلته تودو غم
په هغه د سپور ووتې کې کړې
په پيا کې به د دښورون لور
نښې او پلار به يې وکولای شي
چې هغه له خپله سره اېښه
کړي او نورې راوړي.
په دې وخت کې محسن او
کوچنی دواړه د مدبر کور ته
ورسېدل. او دواړه ورننوټل
محسن مدبر ته وويل: ((زما
په ټولگي کې يو هونجا هلک
شده د هغه د پلار کيسه واوره؟))
پلار کيسه دې څنگه ده؟
زما پلار پوه کوچنی هغې
در لوده او په خپل کار کې يې
ماهر وو. پوه وېږ دده او او
د مانې څښتن غوښت ورسېده.
د مانې څښتن هر څه چې
ژرې کومېښي او لوبې، زما
پلار ته راوړي تر څو هغه جو-
ړي کسې. د مانې څښتن
خدمتگارانو دوه ورځې هغې
ته ژرې کونښي راوړلې داسې
چې زما پلار د هغې په منځ کې
لوب شو، بېرته نورې دکان
کې لمانې نه وو. د مدبر لور څخه
له لمانه تکرور او بيا يې وويل:
پاتې په (۸۲) منځ کې

ابراهیم در کام آتش و دود فرو رفت و شعله های خورشان از هر سو او را فرا گرفت و غمرو آتش صدای او را فریاد میزد. اکنون بسوی من آتش بیا ابراهیم چه کردی؟ آتش نهاد و منند های ابراهیم را بسوخت و بگداخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرود گذاشت و او آن را بر او سرد و سلامت ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بیازید عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سر هار را بزمین افکندند و ستواری و متفرق شدند.

ابراهیم و سرود

این سرود است حیرت افزا و معجزه عظمی و سرود را جز طغیان و دوان نمیفرود زیرا ابراهیم را دشمن دستکامیاجیل و هادم بنیان جبروت خود میدید و از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت و گفت: این چه فتنه است که برانگیزد ای وایمن چه آتش است که افروز خفته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکنی؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغیر از من معبودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کیست که در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف شد بهر اهورنیش و ابرام قضایا در دست من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم چشم بر حکم و گوشت بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدای من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتفاق و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنهائشان را در هم شکسته ای؟ هرورد کاری که سوئی و دعوت میکنی کدام است؟ و خدای که خلق را بعبادتش میخواند کیست؟

ابراهیم با اعضای آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب سرود گفت: هرورد گار من آتش است که جان من بخشد و جان میستاند و تنها اوست که خلقت را ایجاد میکند و نابود میسازد و توالم بشمار میآورد و آن را تا پایان عمر منسیر و اجن معد و زبیر میآورد. در اینجا سند احتجاج نوربند ابراهیم در نندان او هام سرود را در هم شکست و ولی سرود از سر فرورد و جبروت راه منبره و مجادله پیش گرفت و از روی مخالطه با آئین سفسطه گفت:

منهم هرکه را بخواهم پس از آنکه در زمانم را با او نمودم در پرتو خویش

زنده میدارم و همچنین هرکه را بخواهم فرمان خویش بچنگال مرگ میسپارم و جان از گالندش بدر میآورم.

سرود بدینگونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص انشاء حیات و بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده سفسطه و مخالطه بپوشید و دست بدامن حیل و تزویر زد و ولی آن مشرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و مهول حجت ابراهیم پایداری کند؟

پراگند ساخت تا مردم را از سروری ابراهیم بر خرد سازند و از اطرافش بپراگند و - ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمود بسوزنوش همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه بر او تنگ شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بوی برکت که در بر این نسیم تو خندگلی بر شاخسار و رش نشکفت بازگرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

ابراهیم در حران

قحطی و خشکالی فرارسید و اسعار بطور بی سابقه ای بالا رفت و کارزنده کی در شام دشوار شد. پس ابراهیم ناچار



شکست ابراهیم را که

آهنکه مصر کرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصری یکی از پادشاهان عرب عملی بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خیره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان و داستان او و زیبایی فوق العاده اش را بشاه خریداد و او را شفته جمال ساره ساخت و بگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او با ساره جو یا شد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند و تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری دردین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدین شوهر است. پس فرمان داد

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را - فرمان داد که بیان و اظهاراتش را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظیر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتنائی نکرد و در دستگاه جلال شاه را به چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و متوجه نشدند. شکر گشته نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال حزن و تپه اش را دید و نوشید تا غم و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت راستین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شدیدی احساس کرد که ناچار از ساره روی برتافت و با او چون آهنگ ساز مکرر دستخوش همان پرهشانی و - اضطراب خاطر گشت. از اینرو و بسختی

شکست ابراهیم

از ساره بهر اسید و او از شدت پرهشانی در رستخورد بپارمید و چون بخواب رفت در عالم رویه یابر حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او نشود و او را بحال بیرون بگذارد و چشم بدو را ننگرد. چون شاه از خواب برخاست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد. پس هاجر را بحتوان خود - متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

اسماعیل

ابراهیم با همسرش ساره و هاجر - دهه همسرش را زمر بسوی فلسطین رهسپار شد و او با او و موافق فرار از خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان آوردند مسکن گزید.

ساره سترن بود و از آن جهت که میدید شوهر با وفا یزد و آرزوی فرزند ی بسر میرد غمگون میشد و روزگار ساره

بحد می رسید بود که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا با کهنتر بنا جگر کنی باها و گرامی و فرمایند برادر بود همبستر شود و تا مگر از او فرزند ی بوجود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم - افزای خانه ایشان را در هم شکند.

ابراهیم از روی او سروری کرد و دیدی - نکذشت که پسری پاکیزه از هاجر ولادت یافت که او را اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لبریز از شادی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غیرت در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و تپه اش را فرار گرفت و با ز خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و کارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل عمل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت.

در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهمگین که زنده گانی ساره را از هر سو فرا گرفته بود و جز در ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نمیدید از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بدهد و برترین نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صدا و خبری از ایشان نشنود و از شکسته دیدار در امان بماند.

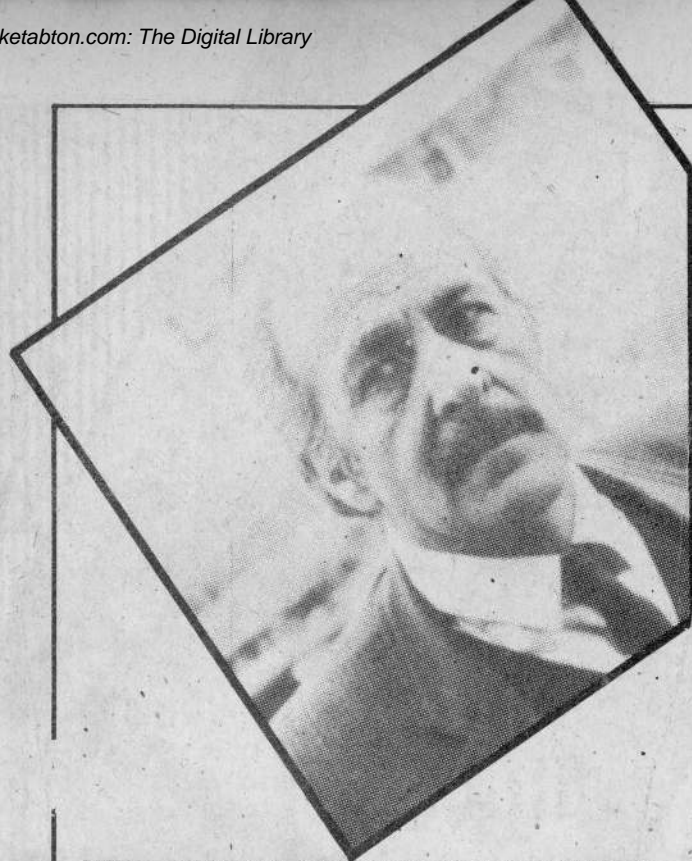
ابراهیم بفرمان الهی خواهش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر نهریون شد و بر اهنشانی خدا تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میبرد تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و - اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکت و با سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لبریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت. ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آهنک بازگشتن و بدانش آویخت و نشان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم و بچکا سروری؟ و سارا درین بیابان سهمگین بنه میسپاری؟ هل جبر باینومله میخواست عواطف ابراهیم را تهییج کند و دلش را برقت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز هم کرده و او را واسطه قرار داده باشد و از بوس بر سنگی و تشنگی کشفده هزاری باشد: اکنون که مرا باین طفل بگناه در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شریاب حفظ میکند؟ و ما با کدام نیرو میتوانیم در تاثیر آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرم ساری

این بیابان مقاومت کنیم؟ آنگاه سمل اشک را در روی ناله و تضرع خود پیش پای ابراهیم روان کرد و تا مگر بحال او - طفل عزیزتر رحمت آورد و ولی ابراهیم آنهمه تضرع و زاری را بچشم نشنود و سا کمال قدرت و صراحت گفت: این فرمان خداست (هاجر چون این بشنید بجای خود بازگشت و در برابر اراده و حکم الهی تسلیم شد و بر حرم و لطف او تنه زد و گفت: اگر اینکار بفرمان اوست پس تردید ندارم که او هرگز ما را خوار و زار نخواهد گذاشت. ابراهیم از آن تپه سر از پیرشد در حالی که از بسو تری و دلواپسی گامهایش را - سست میساخت و از دیگر سوی بیابان و طغیان بخشد او را به پیش میراند. جای تردید نیست که ابراهیم در این لحظه و از فرقی پاره جگر و فرزند یگانه اثر که بهنگام پیری مایه دلگرمی و چشم روشنتر شده بود. در آتش حسرت میسوخت و ناله های موزناک از دل بر میآورد و سلاب سرشکش روان بود. ابراهیم با چنین تاسف و تپه اش در دل خود را در آن بیابان پهلوی فرزند عزیز تر گذاشت و در حالیکه خدا را بر جایست و نهایت در پاره او میخواند بوطن بازگشت

چشمه لطمه

هاجر در برابر قضای الهی تسلیم شد و صبر جمیل پیشه ساخت و از طعام و آبی که همراه داشت صرف میکرد و تا توشه اش پایان یافت و گرسنه و تشنه ماند و او شهر درستانش بخشید و دیگر نه غذایی برای طفل خود داشت که گرسنگی را تسکین دهد و نه شربت آبی که سوز تشنگش را فرو نشاند و طفل از شدت گرسنگی و سوز تشنگی سخت بگریست و فریاد و ناله - سرداد و مادر بیخود بر برابر آن منظره همچون سوند بر آتش بفرار و پرهشانی میدود و سهل اشش بدامن مهر پخت و آرزو میکرد که کافر میتوانست از شیر جان و خون دل و اشک چشم خود برای جگر کوفتی اثر آب و غذایی فراهم سازد و ولی هیبت

هاجر جد و جهد و کوشش بسیار کرد تا مگر از آن گرفتاری و پرهشانی راه فرار و نجاتی بیابد و چیزی که از همه بیشتر او را مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزتر بود تصدق بخود می پیچید و پیش چشم مادر نزدیک جان دادن بود. از اینرو ناچار کودت را بجای خود گذاشت و سرگشته و سراسیمه و دیوانه وار بهر سو میدوید و اگر چه گریه طفل و شومین فریادش را مانند مقلاتوس او را بسوی خود میکشید و مجال در روشن باو نمیداد. ادامه دارد

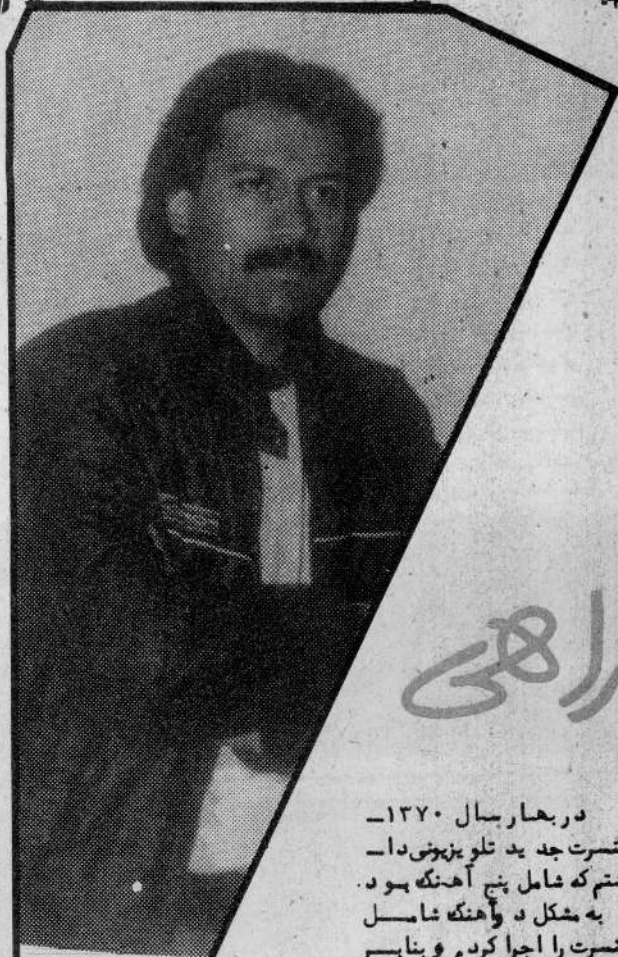


جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش
درام های رادیویی و اجرای -
پارچه های تئلی رادیویی و
تلویزیونی - روفیت برجسته ام
در اوایل بهار امسال نوشتن
سناریوی فیلم تلویزیونی «ندای
مادر وطن» بود که تمام کردم
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله
هدف روی سن خواهد آمد .

چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنند بزرگه هاجر



راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -
کسرت جدید تلویزیونی داد -
شتم که شامل پنج آهنگه بود .
به شکل د و آهنگه شامل
کسرت را اجرا کردم و بنا بر
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو
تلویزیون کشور یک کمیسیون
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بسا
وسایل موسیقی را ایجاد نماید
تا آواز خوانان مابدون سخته کی
کارهای هنرمیشان راد نبال
نمایند .

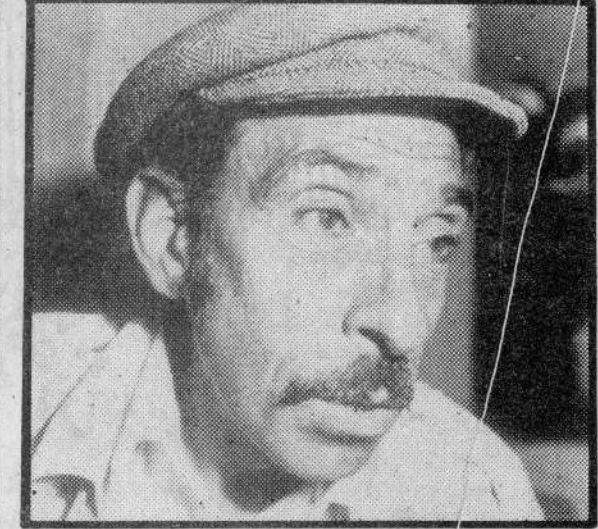


یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

در طی چهارماه اول سال در
تئاتر آدک هانقش مرکزی رادا -
شتم که خوشبختانه در تئلیوآل
تئاتری در سطح کشور جایزه -
اول را گرفت ه افزون بر آن در
همین گذشته هانفلم کوتا مسیما -
بی سایه به کارگردانی نصیر -
القاس به پایان رسید و به نما -
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول
اجرای نقشی در تئاتر تلویز -
یونی عبرت استم .

همه استعدای:
در جریان چهارماه گذشته
مصرف بازی در فیلم سینمایی
خاکستر بودم که کار آن به این
گذشته های نزدیک به پاهان
رسید و من در آن نقش مرکزی
را داشته ه همبندان درین روز
ها در فیلم تلویزیونی سکوت و
تئاتر خواستگاری مشغول شو -
تنگه و تهرین استم که به
این زودی ها به نمایش خواهد
آمد .

بازی در خاکستر

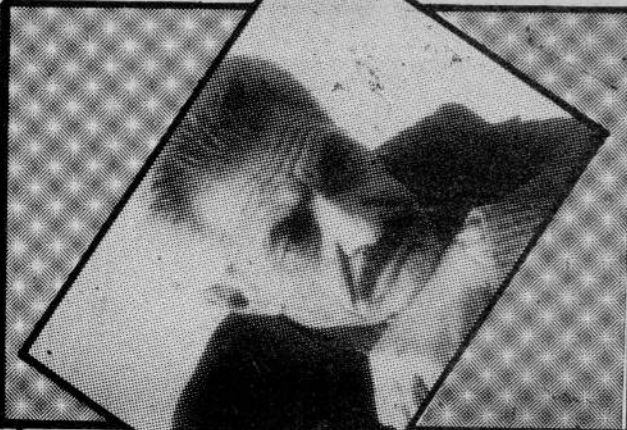


هدف

«سختن بی عمل» نمیتواند

داشته باشم که نظر به محدود -
دیت های سفرم به تعویق
انداخته شد ه کارهای کوچک
و رادیویی ام را آن قدر قابل
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان
هنرم و خواننده گان مجلسه
«سختن بی عمل» داشته باشم
شم ه من در اوایل سال تصمیم
گرفتم سفری به مزار شریف



ف. فضلی:

توکی بی خپله هم ډول او بوم
د نوي کال او اخترونو په مناسب
مي دراديو له پاره اوس تشلی
پارچي جوړي کړي اودغه راز په
همدغو مناسبو نومونو د تلویزی
په پاره هم پنځه پارچي
جوړي کړي چې په دوو کې سې
پورته عم در لوره ، دغه راز
د پانوکړه په تیاتر کې هم
ډول اجرا کړ او د کونکورې او
کجره په فلمونو کې هم ښکاره
که د البردي نو وروپایست؟

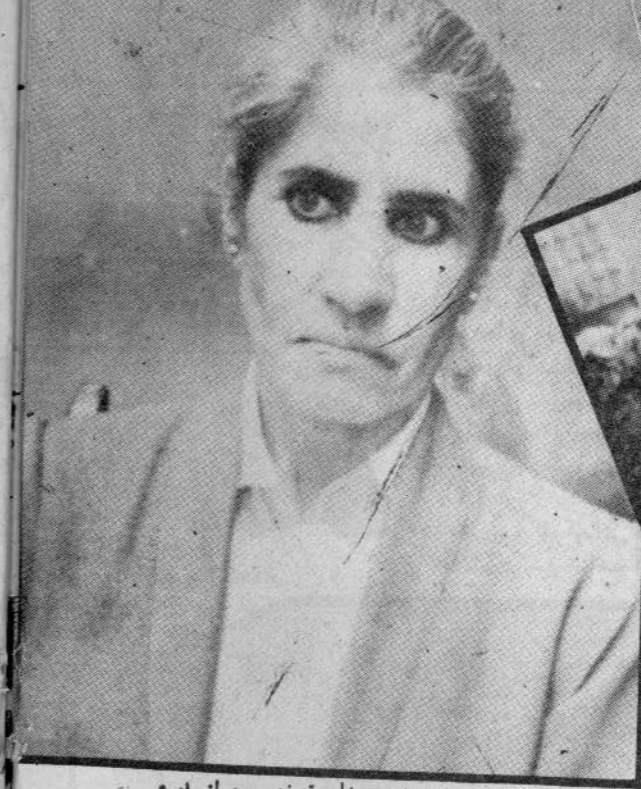
د البردي ... که

زما کار ته په ختم ډول
ډول دي ، راديو د رامونه
او داستانونه زړي کې اوپه



مشغل شريار: پيچلي تداشتهلم؟

پيرسيد جقدر فعالیت -
نکرده ام ، در راديو درامها
وداستانهاي دنيا له دار هم
نقش داشته ام وهم زده کرده ام
در سهال دکونکورې نقيش
داشته ، ودر فلم خاکسپرنهيز
په ډول را د ب کرده ، بزنامه
ترانه جاز انتخاب را به صورت
شما چي پيچلي تداشتهلم؟
شما دغه پيکار مياوانم ، در
تياتر او ميوزيک (ادمکها) نقش
داشته و په حيث معاون داپرکړ
کړې دېم .
پارچه کوناه راديو
سعيد اسحق داپرکړ کرده -
ونقش عم دران داشته حال
شما چي پيچلي تداشتهلم؟



په خيږ ...

تو په مناسبو نومونو په لند و
تشلې پارچو کې هم برخه
در لوده . داله ماشومانو سره
زيات مينه لري ، لکه نو د
ما شومانو په پروگرامونو کې تل
کله وایس اودنه راز د وځوالو
د يو مو لويه ، ااري په تعليمي
نريش سيانو نو کې هم برخه
اخيستې ده ، د نوي د په خيږ
پورته راځي شپه کور

د اخځوري د پښتو تشلی
د نريش په لو باري چې اوس په
سفر کې ده دراديو په درامونو
او داستانونو کې يې غوراوبان
په برخه اخيستی ده .
د پانوکړه په نمایشنامې کې نښه
وخلپه او د نوي کال او اخترونو



نسل کې ما وولس نوي سندري
په راديو او تلويزونو کې
پروگرامونو کې اجرا کړي
اوددغه شان مود شاه محمد او
موند سره د خوشحال د نريش
ټولنې هنري وله جوړه کړه او
لو مزي پروگرام مودگل او غزل
په ناه د پښتو سندرونو سینه -
والوته وړاندي کړ

د گل او غزل په ناه

سوکال ماتي نو د کونکورې
فعاليت وکړه ، د کال په لومړي

د حاجي محمد کامران الوتنه



د سرواړون کار په دي
موه کې زما د (ادمکها) په تياتر
کې ووه دغه نمایشنامه چې په
تلویزیون کې هم نشر شو د -
افغانستان د هنر مندانونو اتحاد
په لخوا په جوړشوي فستیوال
کې يې لومړي مقام او جایزه وکړله
د دغه نمایشنامې لکنه د دقير
چرمانين و . اوداستاد لکندله
خوا داپرکړ شوي و . نورخو
په نوي کال او اخترونو کې يې
لندي تشلی پارچي اجرا کړي
او وروستۍ کار يې په انتقا دي
پارچه و چې له هغې سره ما
هم الوتنه وکړه .

آيا چي داستايد؟

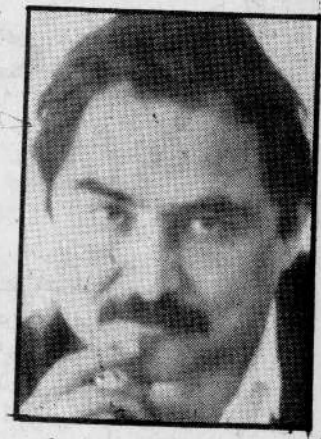
دین محمد هیل من دی

و په ډیره مينه او شوق کار
کړ . د سترې خدمت په پای ته
رسولو د موسی ریاست ته را -
فلم تراوسه مې په هنري برخه کې
ډیر کار دی کړي و خو تېرې
په هره مهال کې مې یوه نوي
سندرونه ویلی ده . هیل من مې
د نوي ماموریت سره زمانوې
سندري عم زياتش



جوان شير عیاری و کنار

در طول چهار ماه اول سال
سفری داشته به کشور تاجکستان
ناظم مشترک افغانی و تاجکی
را زیر نام گلناره کارگردانی نمایم
این فلم با پرسونل فنی سونایی
هر دو جانب رنگسینما سکوب
تهیه خواهد شد و هنرپیشه
گان هر دو کشور در آن نقش
های خواهند داشت کار فلم
پرداری و شونتکه آن به زودی
آغاز خواهد شد .





ترجمه: آماسی

مصاحبه

سوئیا گاندی با ارسال نامه احساسات را در پیش ریاست حزب انا ووزید

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایا گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگرس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم گنجانده شد.

مگر حرف عیده برای حزب کانگرس "اندر" همانا انتخاب رییس بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سوئیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگرس در عقب درها نشسته مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چنین جوارو جنگال بعد از انشعاب سال ۱۹۹۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آر. کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سوئیا را به پیش کشید تا رییس حزب کانگرس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رییس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهمانند که راجیو گاندی باید به جای مادر نریه حیث صدر اعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تاپلر و غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را باهم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت باهم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سوئیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان روز باهم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رییس حزب کانگرس در ایالت مدیا پرادیش آقای ارجون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگرس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سوئیا در اسرار قرار گیرد. پس بیاید که همه از سوئیا تقاضا به عمل آوریم تا مسئولیت را بپذیرد." مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد قرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سوئیا پرسید:

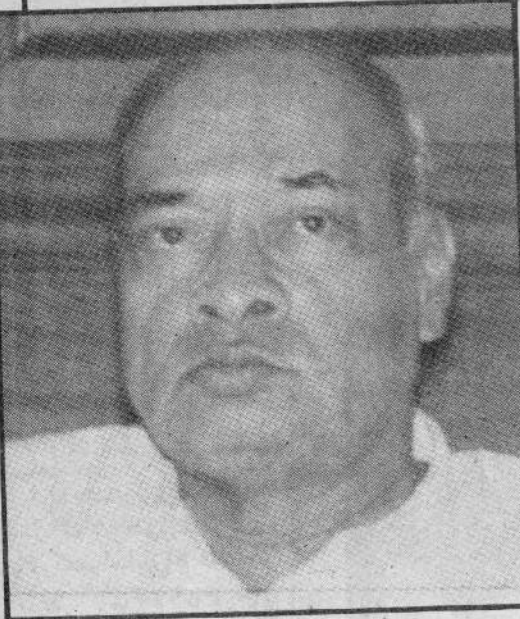
"چرا در انتخاب رییس حزب عجله داشتید؟ باید که بالا ای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سردن آن را به تصویق بیاوریم."

درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رییس جدید انتخاب کنیم و گاندی بعد مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و همدستان نشن گوشه کردند تا با حاشیه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیماراو گذاشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات بات میدید. او آقای راو را به عوض خانم سوئیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مفکوره انتخاب سوئیا به حیث رییس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگرس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگرس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدر اعظم ایالتی او تر پرادیش را نادیده بگیرند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

گفتگو

بعد از جوارو جنگال با آقای ناراسیماء را به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



به گونه ای عادی توسط رهبران و یا در غیبت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سوئیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیم را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سوئیا به حیث رییس حزب کانگرس استقبال گردد. اما برای انجمن حزبی سوئیا درد سر شده بود که چرا ریاست رانسی پذیرد. هنوز "عملیات داوان" به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگرس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه رانسانا سوئیا را سرپرستی میکرد و همه بی مکرر تر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کاروناکاران پیشنهاد کرد که تا مساله رهبری حل نگردد و هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد، جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگرس بیابنر تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سوئیا و اشخاص از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدید فشار آوردند. در این

خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگرس يك چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواد گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از "عملیات داوان" پشتیبانی کردند.

مگر بازنده ساعت تمام بر سوئیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و بولسی او از پذیرش آن ایا ووزید. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آیمتا به چین او را مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

ناید تشنه گان قدرت از سوئیا به خاطر به دست آوردن رهبری استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سوئیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رییس موقت جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد گردید.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد، متخیر خواهد شد.

سوئیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا ووزید که بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگرس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

میان آقای وسنت سوئی به پشتیبانی آقای ناراسیماراو سخن زد و از آقای د نیش سنگ تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگرس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیماراو پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تهورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ارجون چون سنگ نیز از ناراسیماراو پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیماء را و شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیماراو به مثابه گاندی سازش سر بلند کرد. موصوف کرکتر طبیعی داوان و کسی از اوید گویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جوارو جنگالها يك مساله واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

آقای پاور اظهار داشت که کمیته سراسری کانگرس هند ضرورتاً صدر اعظم باشد که این مساله يك قدم عالی به پیش است. مگر به نوبه خود يك تلاش میخواهد. مخصوصاً برای يك حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به پست

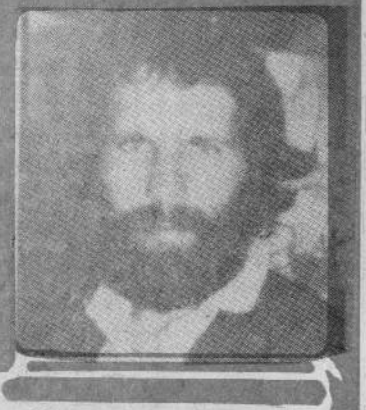
بقیه در صفحه (۸۵)

بیاورد • به گفته دانشمندان
 این رشته • مریض همواره از
 کمال یک دوره مکمل تسدای
 دو باره صاحب قوه دید
 دوره جوانی میگردد و در صورت
 اینکه مریض مومنی بوده و بودا
 پیش سعید شده باشد ۸۵ درصد
 موهایی آن دو باره سبب میگردد
 و قوه جسمی آن هم با حالت
 جوانی بر میگردد •

مریض شما تا حال چقدر
 روزه گرفته ؟
 - مریض من ۵ از مدت (۲۰) -
 روز یکدینسو جز آب هیچ چیزی
 نخورده است و حالام کاملا
 سر حال است •
 - هینو تیزم چطور بالای -
 افراد تا نهر میکند ؟
 - هینو تیزم بالای ۸۵ درصد
 اشخاص تا نهر در ماه مخصوص
 ها زود تر و برخی ها دیرتر
 به خواب مقاططی میروند •
 بالایی اطفال پنج الی پانزده -
 ساله زودتر از پانزده الی سی
 بیس ساله بعضی زودتر برخی
 دیرتر و اشخاص بالاتر از سی
 سی به بالا دیرتر به خواب
 میروند •
 شما میدانید که انسانها به گفته
 روانشناس مشهور آریستو
 میگویند فریبند دارای دو ضمیر
 اند ضمیر خود آگاه و ضمیر
 ناخود آگاه
 در حالت عادی ضمیر آگاه
 برنده و ضمیغه (۶۵)



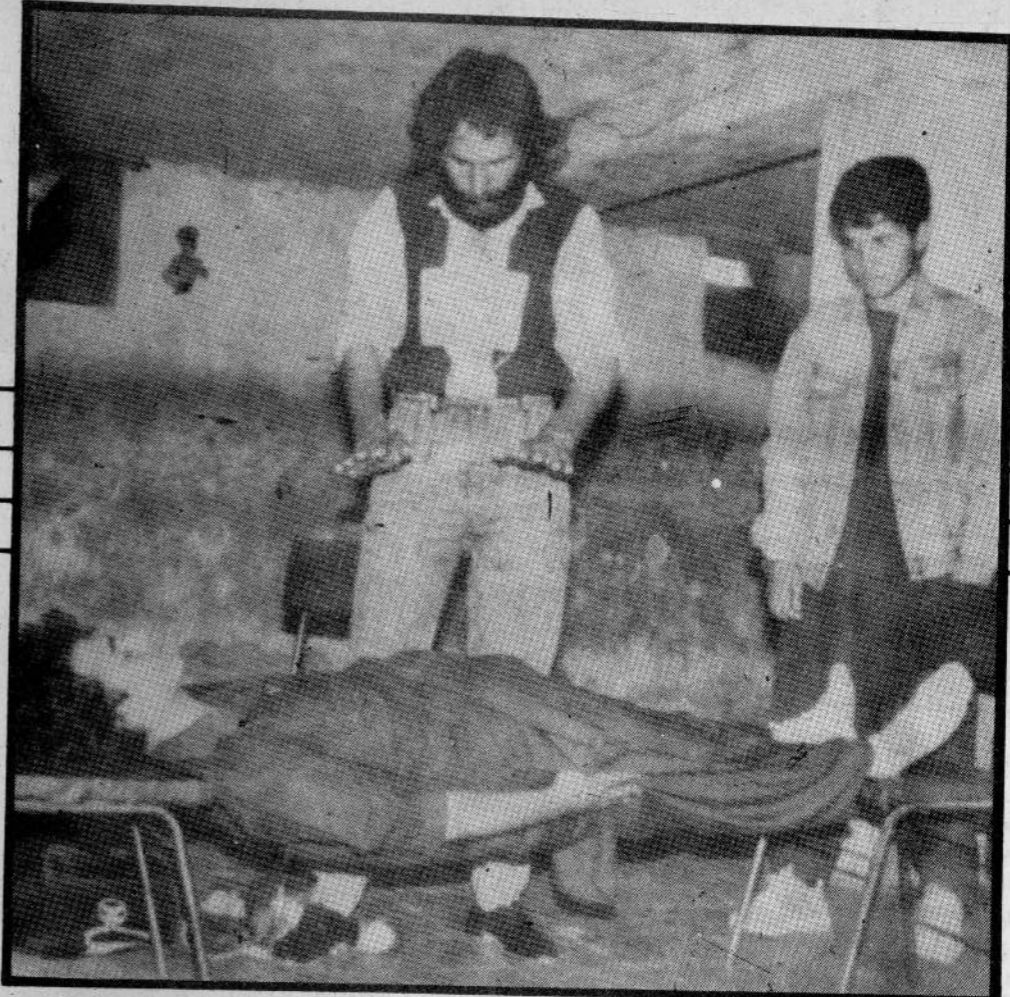
عبد الرحیم یوسفی
 با استفاده از سنو تیزم
 مریضان صعب العلاج را
 تداوی میکنند



توصیه کردن چهل روز گرسنگی
 کمال به مریض یکی از شیوه صحای
 تداوی عبد الرحیم یوسفی میباشد •

در مگر تزد چند تن و تداوی
 یک خانم ۳۵ ساله که از مدت
 سه سال بدینسو از نفس تنگی
 شدید شکایت داشته و تداوی
 طبیب برایش موثر واقع نشده بود
 و همین طور نزد چند نفر
 دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت
 تداوی کننده را بدست آورده ام •
 - جالب است ه لطفاً در -
 مورد این مریضتان معلومات
 بیشتر را بفرمایید •
 - این مریض که هنوز هم -
 تحت تداوی قرار دارد و فقط
 یک ماه از معالجه اش میگذرد
 نتایج بسیار قناعت بخش را به
 دست آورده است •
 من این خانم را هفته یک
 بار تحت تداوی نهر خواب مقاططی -
 طبیبی قرار داده و در هر میان
 حالت برایش هدایت میدهم •
 این خانم که هر روز با خود
 دو داشت و بدین آن بسک -
 ساعت هم زنده گی کرده نیس -
 توانست و حتی در هفته چند -
 بار به شفاخانه های زفت
 و اکسجین میگرفت فقط بعد از
 دوین تجربه ه تمام دواهای
 خود را قطع کرد و فعلاً هیچ
 نهای به اکسجین هم ندارد •
 من کاملاً اطمینان دارم که
 این خانم بعد از چند تجربه دیگر
 صد درصد شفا یاب میگردد و به
 زنده گی عادی خود دوام -
 میدهد •
 - شیوه تداوی و عیانت چگونه
 است ؟
 - من از شیوه (چار) یعنی
 (چهل روز آب ه روزه) -
 استفاده می کنم •
 در این شیوه مریض در مدت -
 چهل شبانه روزه روزه میگیرد
 ه جز از آب چیزی نیس خورد
 نه شب و نه روز •
 - آیا مریض در این مدت -
 احساس گرسنگی نیس کند و
 انرژی خود را از دست نمیدهد ؟
 - احساس گرسنگی را توسط
 هینو تیزم در وجود مریض از -
 بین میبریم و انرژی را که مریض
 از زخیره گاه های عضویت مصرف
 میکند بعد از اتمام این دوره
 چند برابر آنرا دوباره بدست

توانسته ام به چنین حالتی
 دست یابم • پس بجایست
 که کاتب خورش را به چنین نامی
 بسازم و در پهلوی آن افتخار
 را عاقل را بنام کشور خود ثبت
 نامیم •
 - آیا تنها ورزشکارانگه
 میتوانند به این نهر و مخصوصاً نهر
 ویر روانی دست یابند و نیس ؟
 - نه خیره نهری هینو تیزم
 انسان که فعلاً متذکره دیسم
 در تمام افراد وجود دارد که
 استثناء در بعضی انسانها
 فعال میباشد ولی بقیه انسانها
 میتوانند آن را بصورت کمسی
 با قبول ریاضت ها در وجود
 خود هینو فعال سازند • که ورزش
 کاتنگو بنا بر ریاضت زیادگی که
 به کار دارد این نهرها را هینو
 باقی با تقویت فیزیکی فعال میسازد •
 - آیا شما نهری هینو تیزم را
 با استفاده از این ورزش در -
 یافته اید ؟
 - کاملاً •
 - چه وقت متوجه موجودیت
 این نهر و در وجود خود شدید ؟
 - دو سال قبل به تیرنات
 آن شروع نمودم •
 - از آن وقت تا حال از این
 نهر در چه موازید استفاده کرده
 اید ؟
 - فعلاً از قوه مقاططی در -
 تقویت ورزش خورش و اجسرای
 عملیه های هینو تیزم و تسدای
 مریضان استفاده میکنم •
 - در مورد تداوی مریضان
 تان لطف نموده معلومات دهید •
 - در تداوی مریضان من از
 روش "هینو تیزم و چسار" -
 استفاده میکنم • قابل یادآور -
 است که در ابتدا این شیوه
 توسط یکی از دانشمندان روانی
 نی شوروی بنام بوری سوزنوف
 اساس گذاشته شد و بعداً یکی
 از استادان روانی ایرانی بنام
 استاد کاپوک آنرا عملی نمود •
 فعلاً کتابان بدسترس
 من قرار گرفته که با آزمایش
 نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
 و قناعت بخش بدست آورده ام •
 که توسط هینو تیزم در ترک نموم



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

عبد الرحیم یوسفی جوان ۲۹
 ساله ه محصل صنف چارم بود -
 هنر • طب معالجوی استغوت
 طب کابل و بنیانگذار ورزش
 کاتنگو در افغانستان اخیراً
 متوجه موجودیت نهری پنچانیس
 در وجود خود گردیده و فعلاً
 بنا بر گفته مومنی و وف هینو
 انسان دا را ی پنج قوه در -
 نی میباشد که عبارت از :
 نهری ایسان ه نهری فکری
 نهری اراده ه نهری عیال
 و قوه مقاططی است • که
 هینو تیزم جز از قوه مقاططی
 میباشد •
 او با داشتن چار عید در -
 سال ۱۳۶۲ کلب کاتنگو تروا
 را در کشور اساس گذاشت و از
 آن روز تا حال هزاران جوان
 را با تکمیل هینو و تکمیل های
 این ورزش ثقیل آشنا ساخته
 اکنون بصورت تیرن دادن -
 دو هزار تن در پنج کلب
 میباشد •
 او که ورزش کاتنگو را اختراع
 ورزش اندان ساز میداند در
 تلاش است تا به مراحل عالیتر
 این ورزش دست یابد که در
 راه موفقیت های هم داشته
 است •

سنو تیزم

در طبایف افغانی

آنروز که با او مصاحبه داشتیم
 هکیت رهبری کلب های او از
 تمام گوشه های کابل دور هم
 جمع شده بودند تا بپرامون چند
 موضوع با هم مشوره نمایند ه که
 یکی از مسائل مورد بحث تقویت
 نام کلب کاتنگوه " فرهنگستان"
 تن و روان افغانستان بود
 که با تأیید همه مورد قبول
 قرار گرفت و مع سوالت هم را
 با این سوال الهام کردم که :
 - چرا نام کلب تانرا "فر -
 هنگستان تن و روان" گذاشتند ؟
 - یک کاتنگو کار و تنی به مراحل
 بهرفته تر وارد میشود نهری
 جسمی روانی او او قوی می
 گردد و قوا روانی پنج گانه
 که فو قه متذکره هم اگر در
 وجود کسی فعال شود کار
 های غایب الماده انجام داده
 میتواند که خود پختانه من

در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . روان
ایالات متحده و اتحاد شوروی با هم نشستند
و بعد از گفتگو های پیمان (ستارت) با
پیمان کاهش سلاح استراتژیک را امضا
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید
در منطقه البروج دیپلماتیک تسمیری
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای
رونالد ریگان سیوکه اش را از کلکتهای کر—
ملین بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر
اتحاد شوروی را به نام (امپراتوری شیطان)
پاد نمی کند و به این ترتیب جنگ سرد
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—
ش به مسکو ، تسمیراتی در موقعیت
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل
سهاستمداران فعال که در عمل بر مساهل
میوم با هم کار میکنند ، نشان دادند . به
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد
آقای گریچف پیمان کاهش سلاح سترا—
ژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان
مذکور می نمود از سلاح هسته ای تولید
شده در زرادخانه های هر دو کشور کاهش
داده میشود . آقای گریچف در مراسم
امضای پیمان مذکور اظهار داشت
که : امضای پیمان برای همه جهان
با ارزش بوده قدم بزرگی در راه خلع
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب
زدیم . ()

چنان می نماید که برای نخستین بار
ایر قدرتهای نظامی در صد دینقیص و کاهش
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .
() پیمان مذکور بی انداز پیچیده
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—
ژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .
()
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید
ملتن از ژورنالستان پرسش به عمل آورد که
چرا هر دو جانب همه بی راکه های هسته ای
رانابود نمیکنند در تاریخ به این پرسش
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند
که موضوع عملی نیست و نمیتوانند که زرادخانه
های شان را یکسره ببندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که
دارای سلاح هسته ای اند . آقای بوشر
تکرانی بخصوصش را در مورد اسلحه
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد
که خطر شوروی را برود شود .
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از قضا
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی
به امضا رسید . عهد نامه موثف چهار
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا
نات کاهش مجدد (اسلحه) بدون ضرورت
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر
میگردد . با اینست یادآوری کرد که کاهش
مجدد اسلحه نازلان و ضروریست ، زیرا
بر مبنای (ستارت) اگر سر و تیغ در صد
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانابود
خواهد کرد که ایالات متحده به ناپسودی
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مساهل
سده منطقه ای و بین المللی با هم به گفتگو
شستند .
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پرا بله های
حل نشده منطقه ای ، که باری در مرکز
رقابتهای آنها قرار داشت
کدام اعلامیه بیختر نکردند و خاموش
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مساهل
مذکور را نوعی تلقی کرده ، در
حالی که مساهل مع همانا تعمیق همکاریهای
دوجانبه آنهاست .

آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موثف
در جمهوری اوکراین ملاتنا های رانجام داد
د . او بهانه بی دربارمان آن جمهوری
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های
بلکه بر مبنای اصول استوار است .
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای
بوشر در قیاسه با آقای گریچف ناچیز بود ؛
بقیه در صفحه (۸۹)

سلاح استراتژیک



د سید صاحبزادې نجلۍ لیک

پښتون سندرې اوډلي همه هنر دي چې د کليود خوښو اوښاديو څخه يې سرچاپورته کړي او په نني بڼه عصر ته راوتلي ، خو اصلې ټاټوبي يې هماغه کلي دي چې د گورونو اولښتو وادونو او څټونو ، مښي ، بيلتون ، وطن او سراني په هکله دلته يوه سروکي گڼه جوړه چارمنو ، لوبو ، غونډو او تنهنو سندرې په اوږدو سندرې د داستان ، تلونو ، خوا او الجس ، نيمکو ، کتپو په ډول ويل شوي دي اوچې ترننه رسېدلې بيا تودغزل ښکلي دنيا ته ورگڼي شوي ، خو خپل سوچه والي يې نه دي هر کړي ، کليوالي پيښلي او صلوات د سندرې په ولسي کيسې داسې لاس لري چې نه يې وايي په سندرې ويلو کې بري لښک او اخيستې دي ، بيا چې کوم بود دغو پيښلو او بدلېدو په منځ کې ښه وديليزي نو هغه بيا نه يوازې په پيل کې ، بلکه په نورو کليو کې هم د خلکو خوښ شې او د وڼو او خوښو ته يې رابولي او خپلې ښادې د هغه په غزاوڼو سندرې نوري هم نهاتي اوښکلي کوي .

د څو ست دچيني په کسر کې دود دنداوو ، پيښلو نجونو به په وډونو کې سندرې ويلې اوچې يې غزلې اوکله به چې بل کلي ته وډونونه تللي

نوپه يې يو کوچنی هلک هم له نامه سره پيوه دغه هلک چې د نجونو په کار کې راتنه خوره نجان بيل گان ، هم دچمي سره مينه پيدا کړه اوږدوږدو ده هم لاس بري گرځاوه ترڅو دچمي پرغزلو کې ماهر شو اوښانه به يې چمبه غږوله ، نورنورې پرتو جوان شوي هم وواوښتولوله نانسه سره نه پيوه ، دا د دغه هلک د سر ډور يوه هارونه له ښاره راوره او دواړه وروته به ښه شوق دهغي په زده کولو او غزلو بوخت شول ترڅو چې دواړو خپل استعداد ، ښه وازوبه او د سندرې په ويلو يې هم بيل وکړ ، دلته دود دواړو د سندرې ويلو اوچې غزلو انگاري په ټولسو نژدې اولږو کليو کې خپري شوي او په هرواړه کې د دوي گون سرور شمېرل کيده ، ان تردې چې په کورې پښتون واکي هم د دوي د سندرې ليوال کسان زيات شول او تل به يې دوي کسرتونونه راپيل ، دا هغه وخت وو چې کوچنی هلک په گلزمان اوښتې وو او ټولو به د گلزمان سندرې دچمي اوښه آواز ته غونډه کول ، گلزمان اتلس کلن سوان و و خورده دښه هنر په وجه په ورو ، زړو گران او دهغو ي زړونو ته نژدې ووه په دغو و کليو کې راديو اوراديو يې سندرې کليو ته هم لاره پرانستې

واوډ گلزمان کليوالو او اولس غوښتل چې دې نورهم د شهرت پورې ونه رسوي ، اوښه هيله يې دا وه چې دده له سندرې نه نورښتانه هم خوندي راخلي او د دغه غښتلاو کورې ؛ بلکه ترې له ده نه هيله وکړه چې راديو ته ورشي ، ده هم داغوښتل او زړه يې تلوه ورته درلوده ؛ خويلاره يې نهه پيښود ، هم له دې کبله چې ويل به يې راديو د سري غز خرابوي او بل هم داچې راديو ورته ښه نه پيښيده ، خو کله چې يې پلار سره تورو خاورو کې کښود نو ده هم نوره کلي کې گام ټنگه نه کړي شو او د پکتيا ولايت والسي ترينه هيله وکړه او روسي مکتوب يې په لاس ورکړ چې راديو ته مراجعه وکړي .

گلزمان راديو ته راغسې او امتحان ته کښاست ، نصرالله حافظ چې هغه وخت د پښتو موسيقۍ مشر و و وایي :

(ما ته يې وويل چې راسه د گلزمان په نامه نوموان په پښتو سندرې کې امتحان ورکوي کله چې زما غلموس ليدل چې درې وروته دي او گلزمان داسې ښايسته غزلې اوښې سندرې وايي چې د سري زړه غواړي سلغونه ورته کښې او وايي وري په دې توگه ۱۳۴۳ کال کې د (بي بي شمعې) نري کلي) سندرې دراديو ته خپرو کې بهر ته دخواست دچيني کلي ته ولاړه او کليوالو ترې خوندي اخيست او بري بهارل يې .

بلکه يې (زانگې ليلو ، ستا په سپينه غاړه د لوزنگو امله يوه ليلو) په همدغه کال دده لخوا په راديو کې اجرا شوه ، نورښو گلزمان يوازې دچيني کليوال نه وو ، بلکه په هرښتانه کلي کې کليوال گرځيدلي وو او د بېرولو ولايتونو څخه به خلک کاښل ته په گلزمان يې راتلل او دې به يې وډونو ته د سندرې ويلو په خاطر پيوه .

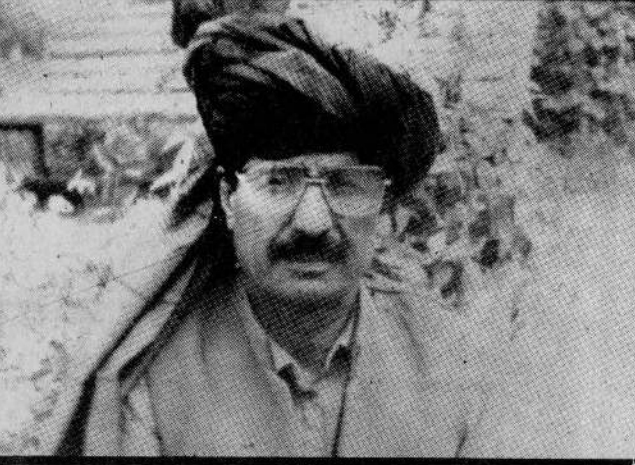
په هرکليوالي واده کسې

به چې گلزمان سندرې ويلې نو پيښلي به له هرې کړکيسې او دروازي څخه راښتانه تر و د (غوندي مندي داتري زلفي جوړې کړه په ټډي) د سندرې وپونکې سوان وويښي .

گلزمان په دې پوهيده چې دده همدغه سندرې د خلکو خوښي نو په دې بڼه يې سندرې ويلو ته دوام ورکړه او دوه لومړني بهر لښتوب وو چې د خلکو زړونو ته لاره پيدا کړې وه .

دده سره مينه نه يوازې د ده د هنر خوښوونکو درلود ، بلکه نورو سندرغاړو ته هم دده استعداد معلوم وو او دده په زيار او کاسې ايمان درلود ، نو ځکه دده نه دا هيله هم پيل شوه چې نورو سندرغاړو ته سندرې

استعداد يوازې دمان له پاره نه ساته بلکه نورې هم ترې بهرمن کړل او سوانو هنرمندانو دده نه داستادي هيله وکړه ، لومړي ورته په تازيس گورې کښوده ، چا وړه د پښتو سندرې ايشان موند ، غلام محمد تره ، باغي او نورو سوانانو څخه يې کورې پښتونخوا کې شوانو سندرغاړو ته د شاگرد ي گوره کښوده او گلزمان په دېره مينه دوي ته زده کړه پيښل کړه ، گلزمان ته يوازې په افغانستان ، بلکه په هندوستان ، ايران ، بنگلور ، کومب ، مغلستان او د شوروي اتحاد په اتسو مهمو ټوټو کې کسرتونه اجرا کړل او چمبه يې وپيژوله ، پوځ ته په تاجکستان کې د کسرت ورکولو په جهان کې تاجکسې هنرمندان دده دواړې غزلو



ته حيران شول ؛ بلکه دې په دايرو کې په ښي لاس (بېم) آواز او په کښ لاس (نېر) آواز پاس ، دوي به راديو حيران نوونکې او زړه پورې و . په رښتيا هم چې د گلزمان دايرو هغومو چې مشهوره ده هغومو يې ساري ، او ښکلي هم ده ، دده په شان دايرو تر اوسه هېڅوک نشي غږولای ، دې په دايرو کې خپل محلي تکورونه او محلي تنگري غزلې چې دادنه يوه اهمه ښانگه ښاده ، گلزمان سره پردي ، چې خپل محلي سازه ؛ لکه ، ډهل ، ساپ پاتې په (۸۹) مخ کې

جوړې کړې ، ده دا هيله په دېري خوښي ونه استاد اولمعه يې !

خو محفل ښي ساتي نوې چاونه منځ احمد ظاهر ته يې د (او) نه راسي جانانه زيا) گلزار پيکس ته يې د (راشه آشنا ستا ديدن لپاره نري سترگې نورو ، نلس سندرې) اوږلا ناهيد ، رخشانې ، سرمن پرون ، منگل ، غمښ ، او بيا ن شامحمد ، دين محمد هماغو نورو يې ښکلي سندرې جوړې کړې چې شمېر يې حتی ده ته هم نه دي معلوم په دې توگه گلزمان خپل

گلزمان د سازونو او آوازونو غوږپيژندگي



نام

شهاب
 از زلفی تنهایی خویش می آیم
 سپلند
 گردن افراخته
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین
 چه صلح ه چه دشواری
 شهاب به تماشانشستم
 عاشقان محتاج
 در رگشاد ه تپش روزها و شبان
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد هی از کا و چهرای پائیز
 به گدایی میروند

در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام
 آموخته ام دل به دریا ها را کتم
 تخران دلی از من به وام گرفته است
 تا بر ماسه های گریه گریه غلطان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرو دند انبایش لحظه ها
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است
 و اینک ه تو ه که میخواستی با مرکه خونگی
 دگرگون کنی به فریاد ترسیده
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است
 در تعلق جان برگد عشق
 با مضری ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه منک
 به عشقی نه ه که میخواستم وبه دست نمی آید
 به جانی ه که می بوسم و از دست می گریزد

لطیف پدram



دوبنموهار

راخوڙي دي جي به خ زلفي تار تار شي
 به کي چو کي و کورنه د بهار شي
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي
 جي دجا ترخاري ستا دوزموهار شي
 که به لاردي دونا گاهو نه کي دي
 داس لاري توه زما به هم به لار شي
 دوصال به تورو مشغلي رگي نيه دي
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پنگار شي
 که تپور به ((سمع)) بيا به خير رافلسي
 ستا که مخي به گلزار تول ((چپهارا)) شي

سمع الله سمع

دشيدو جام

باوڙل چس ستا
 د اوڙل و شنبوله اوڙل دو لارو به
 د سپور من کلي ته
 د مين اوڙده لاره وهم
 اوڙه دي خيال من
 ستا پلو لپرتي کي ته و
 چس من د هيلو مخته
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان
 د شهد و جام کي
 له مارا نوسره ولسپدل
 اوڙ ما د مين لاره
 لنگره ته شوه
 لاپس اوڙ ده پورته }

۱۳۲۰ - ۲۲

کابل

کمال الدين مستان

غزل

مئي د اثناله چس اسري وينم
 خبر دي جي خوري او که ترخي وينم
 تو د تورو زلفو مار چچلس ميم
 بلس به وجود من سري لبس وينم
 که جي به تاز سره موسکي شي مار
 نو کله کي نگو نه ناتسري وينم
 پر پشه لاله کي د صبا پر خه
 ماويل جي ديار د صبح عولس وينم
 که به بيزا به از غوضغ شي
 نکه مي پنجه به وينو سري وينم
 پر بيزه جي به درکي شي مچون ته
 آخر خوبه سره سکر کي دلنيس وينم
 د اوصال زيري دي واحده نسبي
 تله کي چس من رنگي و زمي وينم

عبدالواحد پشان

کیتان سینما:

دنیای سینما را تغییر داد



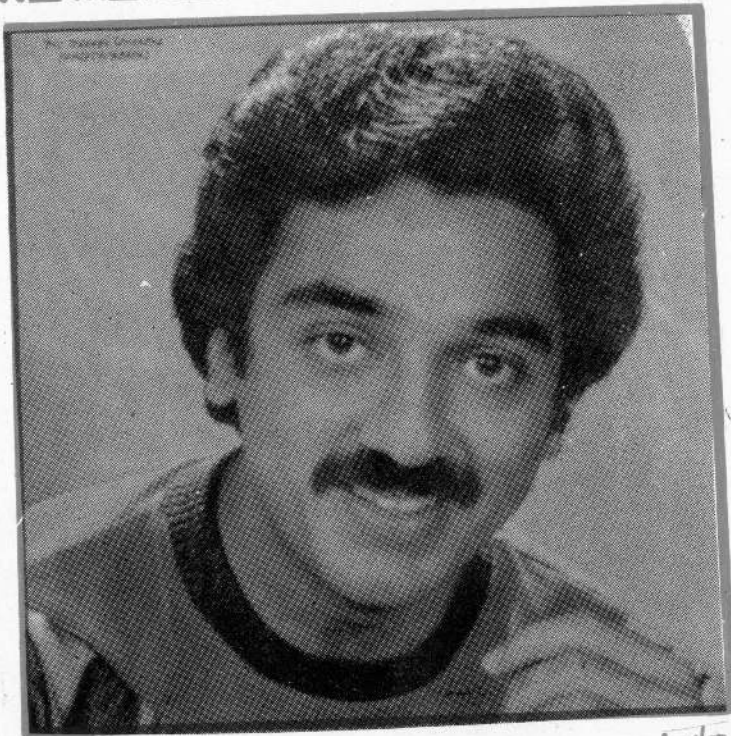
فلسفای رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمای موزی تعریف کردند • در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد • شاید کار برداژه کشتن برای او نادرست باشد ، مگر میتوان گفت که مرگی به سواغش آمد • ممکن از دیها- لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست ت به دفاع در برابر آن بپردازد • بانا سف که امروز سینمای مارا بیشتر ضد و نقیضها فرا گرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند •

انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند • وقتی که سینما از دنیا رفت چنان نبود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است • به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت ت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد • بیشتر از چهار سال میشود که او از دنیا رفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم • توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند • من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم • او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند • با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمای دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت • کترین کمندی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند •

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر فریبنده است • او هم بی دوران





کمل هاسن

سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد اینست که اینجایه کس سینمای ساخت بیسی را به باد انتقاد بیست و میگرد از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها و موزیسین ها و تئاترگران و اما کارها همانگونه که است، جهان دارد. مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت: کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از سبیل بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد. "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود - آهانام تیل - شریک هنرمندی به خاطر این هیروی لاغر بودن است؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد! من بانا سف میگویم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به همین شیوه از دست داد: چاق شدن!

اصل شخصی نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان ما را تشکیل بدهد. اگر ما به سوی چنین آینده ای مهوریم، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از دست و آوازی به نام هنر فرستگها فاصله خواهیم گرفت.

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جلوانی کمل هاسن با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هند است.)

نقدانم، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع گفته، جانب فلستان بیسی آمدم.

در سینمای جنوب یک اصل پذیرفته شده وجود دارد، تقدم هنر بر جرمشده. در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود.

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد، به خاطر اینکه نهایی چهره و ملامت است و امانت عمر کوتاه دارد. آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر ببری قرار میگیرد، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میبرد امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خود در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلماهای جنوب خودم مقایسه میکنم، سخت احساس ناراضی می کنم.

چقدر فاصله است از کیمت و آرا تا ایک دو جن کی لئی.

آن مانند گذشته نیست.

سمتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد، زمانیکه باشام بنگال، گووندنهالانی، سباجیت رای خودم و دیگران کار میکرد، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت. با آنکه کوتاه زنده گی کرد، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود. کمره او را دوست میداشت و برای او کمره زنده گییش بود.

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد. سمتا نصرالدین شاه، ام پوری، موهن گوپل و نیامین جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند. علی الرغم آن در لملمه باهم یکجا بودیم، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت. مردم در فلسم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند. باری ما تلاش کردیم تا آن را دور کنیم. به این منظور شوتهنگ را از سریلان ساختیم. سه روز تمام سمتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند. وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست، گفت که واقعا از فلماهای بزرگ است. امروز فلم مذکور از فلماهای خوب و دست آورد بزرگی برای ما محسوب میشود.

بعد از آن فلم هولی را ساختیم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند. او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست. در همان وقت پندار فلسم هیچ وصاله به وجود آمد. او واقعا مهوریمین فلم مذکور بود. او در فلسم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد.

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تاس بگیرم؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید. فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمتا خود را وقت آن ساخته است. به همین گونه از اجارنا نام میگویم و در هنگامیکه به بازیگری خود فضا میبخشید، خیلی دقیق معلوم میشد. و این بود سمتا، سمتای که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد. او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد، دوستی باشد و به آنها بیخورد و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد.



خبر ما شیرین هفت رنگه محبوب
ماجک تان در کنار مقبره
احمد ظاهر هفت رنگه افتخانی

گلناره و ستاره دو هنرمند
ماجک تان که در کابل ستاره
هنری داشتند .



خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سیه‌دی
حقیقت زنده کی پردرخشش و فرزان‌ش شفا -
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا
او بی‌وسه و خسته‌گی نشناس (به امید سیه‌ده)
گام بر میداشت و قلم میزد .

♦ ♦

عبدالحسین توفیق شاعر ارسته ، پرک - ار
و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -
ه برداشت و برخوردار با اشیا پدیده ها -
ورونده‌های جاری محیط پیرامون رخشنده -
کی و تلالوی توفیق ورستگاری صمیمی -
سرانجام به گفته خودش ، ((بار امانت -
پنهاده بردوش)) حیات رابه منزلگاه رسا -
نهد و نقطه پایان تلاش‌های سازنده و پسر

درین دیرینه دیردیر بنیاد
زمانه داستان‌ها می‌دهد باد
بیانات در یکدیگر بدانیم
که تنها ایست مرگ آن می‌زاد

♦ ♦

بارش را نقطه تمام گذاشت .

او با کمربندهاد و پاک سرشتی بود از سلا -
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق
برگردانی بهار و پاییز بود .
سه سال داشت که توسط خانواده اش
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد
هنر پرور و تاریخی به معرفت‌های شعرا رف
و سفرهایی به جانب سواحل رموز و کشفوز
دقایق برتر دست یابد .
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان‌نا -
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیه - م
در دستجو بود و به پیش‌میرفت .
در سفرهای به سوی سرزمین معنویست
فقط از خداوند توفیق می‌خواست و کلا -
الحی رایگانه و اولین چراغ رغبت‌های پرس -
شاهراه زنده گمش میدانست .



توفیق در برتونهایات و با انکساره به ترجمه
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -
تحریر کشف المطالب (آیات مبارکات -
قرآن کریم) را از روی قرآن مجید چاپ
سلطانی همت نمود .
توفیق در طول عمر بیاری پراختیار و ش
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای
لحظه بی رهان کرد . شور پر شور و عشق برد ل
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندمین
اثر دیگر بر مبنای اندیشه‌های عقیدتی
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،
الهدیر (مجموعه بی در حال جذبه)
قرآن کریم که نظم گردیده ، برگردشع قرآن
(چیده های منظوم از تفسیر مشهور
ملاحسین واعظ کاشفی هروی) کلمه اللهم
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور
دیگر از جمله کتاب النور (چیده گلعلی
از گلستان قرآن کریم) را نام برد .

جامی

کتابخانه

تفاسیر قرآنی

برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته * دانشمند فرزانه امروزگار
محتوم نمک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین
کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن
مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان
نمایش آرزو میکرد که چنین شد *

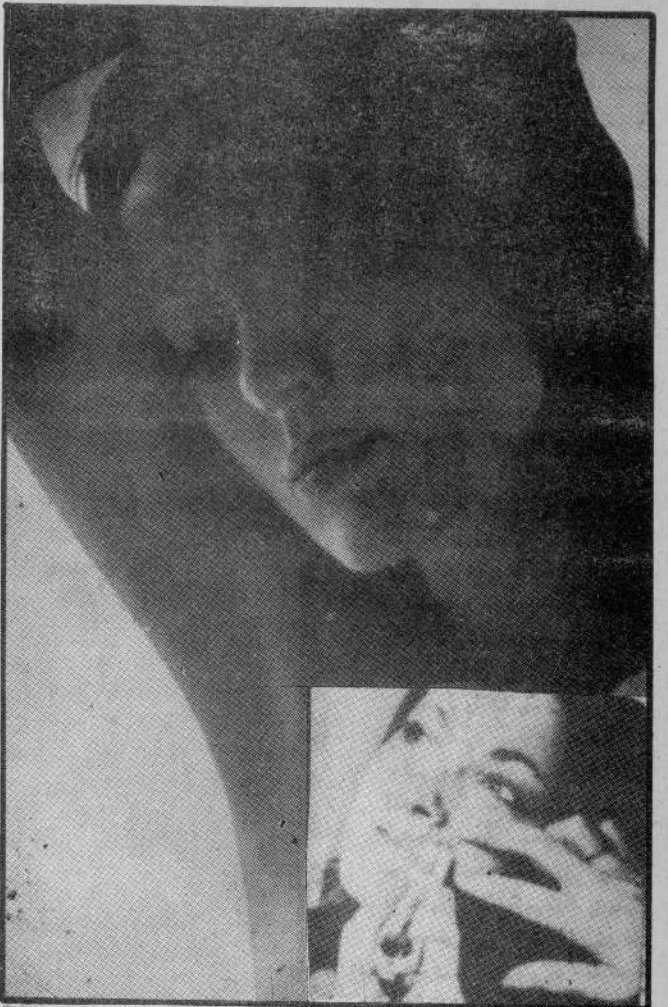
میردالحسن توفیق از محضر استاد
حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند
به قول اکثرت، علامه * زمان خود به شمار
میرفت همواره می‌نموده و از هموزبان عربی
بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را
آموخت * سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی
و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت * و در جوانی
به انجمن ادبی هرات راه یافت * و به کار
های قلمی اش شوق بیشتر بخشید.
اشعار آزاده این شاعر آزاد اندیش
که به گفته منتقدی نبض زمان در آنجا می‌تپید
درجیده* (وطن) چاپ شده و به همه
گان قوت قلب و ایمان داد *
استاد توفیق اکثرت نبضه هایش را
در ولایت هرات به اسم مستعار * جامی * بیشتر

دروازه * اتفاق اسلام چاپ می‌کرد. انگار
جام ، آینه حقایق و صفت های جامعه -
بی بود که شاعر در آن می‌نموده جام
در سروده هایش که به شصت و چهار
هزار می‌رسد * بیشتر آینه دار فرمان بوده
است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی
اجتماعی ، عشقی و تاریخی را نیز می‌نموده *
شعری پوشانیده است عشق و جوانی
نوازی دل ، گلهای توفیق ، قطرات اشک
فریادها ، سایه روشن ، جام ، طنین های -
دل انگیز ، آهنگ صرا ، جهان ما
پندار ، نقش تاریخ ، جرعه ها ، توانم
ها ، سوخته گان ، به فرزندان من ، روشن گران
شگفتی ها ، هرات ، اندوخته ها ، جویبار
جای پا ، آسمانی ، فانوس خیالی

نجات بیشتر ، سایه دیواره اسپند
به امید سپیده ها ، بهر زار رفته گان
رملیات ، جامی و دیار جامی و چندین
تای دیگر که تعداد مجموعی آنها
به دویست و سی و یک می‌رسد * بخشی از
آهنگ های قلمی او در رشته های دیگر
است .
با اندوه بی پایان باید گفت که این
جام هنر و ادب از دست اجل بروی سنگر
شده ای تقدیر افتاد . روح ایمن انسان
بزرگوار را شاد می‌خواهم .
سپهرین

جلدی و خمر با هم آورد -
 ۲- نباید موهار را برخلاف
 سمت و میلان رویشان تراشید،
 (مثلا از پایین به سوی شقیقه)
 جهت تراش باید مطابق موازین
 میلان رویشان موی باشد .
 ۳- ده دقیقه قبل از تراش
 نشین موهار را با کرم های مرطوب
 طوب سازنده و ملایم ساخته
 و پس از پنج دقیقه نخست
 ساحه را با شامپوی خفیه اطفال
 شسته و موهار را ترنگهدارند .
 ۴- خاصیت چسبندگی
 در مقابل تیغ فیزی همواره سد
 نسر باشد و جلد حساس
 نه باید از آن استفاده کنند
 همراستفاده از ریز تراش
 شی های بیرونی بدون هدایت
 دانشر قطعا مجاز نیست .
 ب : برتندن :
 کشیدن موه . جمله مویها
 سر در تراخی کویت مورد
 استعمال دارد که موهانست
 قوی بوده و با بریدن از سبب
 خودکند شوند . موثریت این
 سبوه از بین رفتن دایس موهای
 انسانی و بر آن دردتنا
 بودن میباشد . به خاطر
 بسیاری که
 استفاده از برتندن
 مورد حاجت بزرگتر و ریح تر
 بدن و زیانناست و امراض
 جلد را حسب میشود .
 ۲- بین خریار برتندن
 موی باید حد اقل پنج الی شش
 ساعت وقف زمانی و بود داشته
 باشد .
 ۳- اگر از برتندن موی
 آن برکنده شده است ، بهترین
 از دو بار با زخم موی تازه موی
 د بر ازادانه این سبوه صرفی
 نضر نماید . زیرا در قدم اول
 خطرات آنات معمولی و در مراحل
 پیشرفته تر سرطان های
 جلد وجود دارد .
 ۴- در میان نگهداشتن
 ساحه ای که موی آن برکنده
 شده است به خاطر مگرین
 نشدن حد اعلا احتیاط به
 کار است .
 ۵- برای اینکه برکنده
 موی به سهولت و بدون درد
 بقیه در صقه (۸۸)

من آورد ، لذا درست تر آنست
 که پیش از استعمال اول در
 ساحه به اندازه یت حکمیکار
 آز موده شود .
 دمای تهیه شده را با لای
 یک ناحیه کوچک بدن تطبیق
 نموده و برای پوست دقیقه
 انتعار بکنید . در صورت
 نداشتن عکس العمل پیشگفته
 میتوان از آن وسیعاً استفاده
 نمود ، اما یاد داشت های
 زیرین باید به خاطر سپرده
 شوند :
 ۱- استعمال مداوم ادویه
 سپید سازی برای جلد ناحیه
 آسیب مبرساند .
 ۲- بهتر است ، دواها
 به فواصل حد اقل شش روز
 استعمال شوند .
 ۳- مایعات سپید سازی
 شعر تراش پودرها و پاکریم های
 آنست و آنرا میتوان در خانه
 نیز تهیه نمود . به هر حال
 در حدود شش تا هشت گرم
 صابون ورقه ورقه تراش شده را در
 پوست سی سی خالی درون پیر
 اوکساید حل نموده بالای آن
 نخست سه قطره امونیا و پس از
 دو دقیقه دو قطره کلیرین
 علاوه نماید . مواد قوی را تا
 به سه آمونیا و برای (۲۰) دقیقه
 انتظار رسید . ترکیب ناصله
 برای استفاده مناسب است .
 ۴- تب از استعمال دوا
 حرارت ناموسای مورد نضر
 پاکریم ریز (مردانه) ناموس
 ۵- امید است ، مخلولات
 معتدل مستشو و ملایم سازنده
 نرم ساخته شوند .
 ب : تراشیدن :
 تراشیدن سریعتر و
 آمانترین سبوه دفع غیر
 است ، اما نتیجه آن موقت
 است . زیرا پیاز آن سالم
 ند ، اما اینکه مویها
 تازه نه پس از تراشیدن مویها
 قوی تر و خشن تر میباشند ،
 حقیقت ندارد . البته تراشیدن
 لطافت جلد را از بین مبرد .
 مراعات نکات آن در این سبوه
 لازم است :
 ۱- هرگز نباید مویها خشن
 تراشیده شوند . زیرا آفات
 تسخیر عین آن میباشد . بنا
 از بین رفتن سبب اصلی پوستخوان
 پیشرفت آن جلوگیری نمود ، اما
 در سایر موهای اضافی مویها
 میشود سایر مختلف زمین نشا
 کتون نشا خوب داده اند .
 الف : سپید سازی :
 سپید سازی اصطلاح پذیر
 شده شده برای مرمت ساختن
 مویهاست . جلد است که بهتر
 بود آنرا زرد نارنجی ساختن
 مویها بودند . زیرا با استفاده
 از رنگها بدون تلفات و
 سهولت میتوان تنها در صورت
 سوزن را از بین برد ، نه خود
 موهار . از آنجاییکه ادویه
 مخصوص سپید سازی در
 بسیاری از رنگها و یا دختران
 در جات بلند حساسیت
 (خارش ، پندیده ، نرسوز
 شدن و لکه شدن) را بار



مساختند . و برای رویدن
 آن فواعم تر میسازد ، بلکه
 هر سوزن را به وجود آورد و آنرا
 تسخیر می نماید .
 ۸- عوارض جانبی یک
 عده دواهایی که طی شوره های
 منظم صورتی تداوره استعمال
 میشوند . دواهایی که عوارض
 جانبی آنها انشرا سبب رویدن
 مویهاست عبارتند از :
 - مشتقات کروکوتیزون
 قرصها بد خامه کی ،
 دنیازون ، دیلاندامون و دیلان
 نتین .
 ۹- استعمال زیاد لوازم
 آرایه تیز در رنگهای توناگون
 عسریات و رنگها آرایشی بدون
 هدایت و مشورت دانشر ناگهانی
 سبب هر سوزن شده میتواند .
 سبوه سایر از بین برکن
 هر سوزن در قدم اول مرطوب

قدوات خارش در دوران بلوغ
 به طور ناگهانی همراه با تشو-
 شات و ناپهنجا رهای عادت
 ماهوار یک رنگ خطر برای
 پیدایش هر سوزن بوده می
 تواند .
 ۳- شماری از آفات و -
 امراض جلدی (به ویژه در -
 ماتیت ها) سرعاً سبب
 هر سوزن میشوند . باید گفت
 که یت تعداد دیگر باعث ریز:
 آن می شوند ، میتواند .
 ۴- تقریباً تمام امراض
 اندوکراین (آفات قدوات) -
 دارای افزایش داخلی و تشوشات
 و تغییرات وظیفوی هورمونها
 مخصوصاً در زمان انقطاع -
 طبت (پائینگی) یاد و راز
 پایان یافتن خصلت جنسی -
 زنانه در سنین پیشرفته ، بسا -
 عت هر سوزن مگردد .
 ۵- امراض نظیر پلاستیک
 توموری و آفات همیشه نیز مستقیم
 و یا غیر مستقیم (از سیرت بر -
 سم زدن تعداد هورمونها -
 سوزن را بار می آورد .
 ۶- امراض کمستیک ما -
 نند پوست عاری تخمدان ،
 امراض غده فوق الکلیه و سایر
 قدوات مترشحه مانند نخامیه
 و در قیه نیز سبب رویدن مو
 های اضافی مرسوند .
 ۷- فشارهای عصبی ،
 منیجات و تالیف پیشرفته
 روانی ، اندوه طولانی (مخصو
 عاً رنج بردن از پیدایش
 موی اضافی) نه تنها زمونه

برای برخی از مردها مویها
 جهات خود شایند و لذت بخش
 نیز تصریف شده است .
 پیش از اینکه در باره شیوه
 ها و روشهای کوناگون از بین
 بردن مویها سخن گفتند
 می گفته شود ، بهتر است بدانیم
 مویها چیست و چه گونه
 وجود می آید .
 مویها (پایه اصطلاح
 علمی هر سوزن) عبارتست از
 موجودیت موهای غیر طبیعی و
 انسانی در قسمت های غیرشده
 بدن به ویژه در روی (اشتداد
 پایینی شقیقه ها ، زنج ، پشت
 لب) و قسمت فوقانی ابتدا
 دو جانبه گردن در زن ها و
 دختران .
 اسباب :
 ۱- اساسی ترین سبب
 پیدایش هر سوزن مویها
 ارثیت (از جانب مادر) که
 بیشتر به پند نسل و یا تراش
 خا ارتباط میگیرد ، دختران
 کندیگون و یا سبزه که دارای
 موهای تیره سیاه و یا خرمایی
 باشند ، بیشتر از دیگران
 این آفت مبتلا میشوند .
 ۲- قرط فعالیت و پرکاری
 به از حد یت تعداد از -

موی برای زنان و -
 دختران نیست به خاطر
 اینکه فیصدی زیادی از
 مردها در برابر موی
 جنس مخالف به صورت نرس
 آوری حساسیت نشان میدهند .
 در این کشورها نظر بجرخی
 از معمارهای غنچه می رفر -
 هنگی ، موی از جمله بد -
 بختی های یک زن تلقی میشود ،
 زیرا در میان مردم پر موی
 با تخولات غیر علمی مانند
 نقص جنسیت داشتن ، نیمه
 مونث بودن ، عقامت های
 احتمالی و خشونت طبع ، کج -
 خلقی و غرور و غرور توأم
 میباشد . حال آنکه غالباً این
 نیست .
 در کشورهای دارای سطح
 زندگی بلند و کلتور
 متفاوت از شرق ، موی
 زنان اصلاً پدید آمده
 توجه نه تنها برای جامعه
 بلکه حتی برای
 خود زنها و دختران میباشد .

بدون شک بارزترین و شاید
 یگانه نشانه تمیز کننده
 لطافت جلدی باشد . زنها
 چهره از نگاه ساختن اناتو
 با نداشتن جلد لطیف صرف
 میتوانند برای یک لحظه
 (آنهم از دور) خوشایند
 نه برای خیره شدن و تماشا
 طرح و اداه این بحث از
 نقطه نظر تفاوت و درنگ
 بیشتر میخواهد :
 تابستان موسمی که
 به خاطر پوشیدن لباس
 زک و کثرت میتوان قسمت
 زیادی از جلد بدن را
 بدون پوشش نگه داشت
 به عبارتی دیگر تابستان
 وقت مناسب برای نمایش
 جلوه های زیباییست
 اما این امر در شرق
 و غرب از هم
 چه قدر تفاوت
 دارد ؟
 در کشور
 های شرقی
 هیچ آفت
 جلدی به
 جز سرطان
 نماند
 کتده
 سر
 از

از موی اضافی که جلالتی که برایتان آزار میدهد خلاص شوید

نوشته دکتر کورس آندو با همکاری
 نوحه و س منگیا

میگوید: من به خاطر اعتراضی
نزد شما آمده ام. از سبب بهترین
و تلخترین لحظات زنده گیم
به شما جنایت میکنم و رازی را
برایتان فاش میسازم
بعد انگشتان خود را در جیب
های پیراهنم فرو میبرم. سرم
زده سویم میبندم. نگاهم در
نگاهش من نشیند. چشمها -
پیش فرزندم میبندند. مانند آه
است که همه زنده گی او در
چشمهایش جمع گردیده است.
در چشمهایش درد است
خزان زنده گیت هیرسادی
آرزو هاست. در چشمهایش
قصه نوره زار هاست. رازش
مردن است و راز سوختن و -
ساختن است.

و حقیقت آنست که نمیدانم
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که
مبادا نام او را بر زمین مجله
بنویسم و یا شاید هم ندارد.
وقت میگذرد و من قلم به دست
چشم به دهانش دوخته ام.
اندکی در جایش جا به جا
میشود. و بعد میگوید: بگذشته
من هر لحظه مانند فلم سینما
از مقابل چشمهایم میگذرد و سرا
به سختی می آزارد. درین قلم
دختری را می بینم که همه سر -
ماهی هفت و شرافت خود را به
پادشاه داده است.
دختری که فقط فاصله بین
خانه و مکتب را میدانست. به
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست
داشت و استادش را احترام
میکرد. بگذرد از این فلسف
لمنتی که هر لحظه از مقابل
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -
بمسجد تادرس باشد برای -
دختران جوانی که چشم و گوش
بسته به منجلا ببدنامی سرو
موروند. لطفاً به خط درشت
به همه مادرها بنویسد که
مراقب جگر گوشه هایشان باشند
و نگذارند دختران معصوم
شان به سر نوشت من مبتلا
شوند.

ببینید حال من چه استم یک
درس عبرت. یک لکه تنگه یک
زهر تلخ. من یک زخم همک
زخم ناسور. من هر لحظه رنج
مهرم دردم میکنم. رنجی
که نمیتوان آن را انداز گرفت.
درد من تقسیم کردنی نیست
اما گفتمی است.

من در اگر دستف ۱۱ یکی از
لیسه ها بودم. در اگر خوب
و لایق صنف خود بودم. با و ر
کمند خیلی خوشبخت بودم.
خانواده ما یک خانواده نمونه
بود. آینده ام را از در چینه
خوشبختی نظاره میکردم. همین
داشتم که گل سعادت و خود
شبخشی در زنده گیم میشکند.
آن وقت همه وجودم بهار میشد.
پراز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به
خانه بخت را داشت و لب
اقنوس که دستهای گل خوش
شبخشی ام را بر پر کرد. خانه
بختم ویران شد. دستهایم
بهار و خزان کرد. امسند
در رگهایم مرد و من امروز یک
کشتزار سوخته ام. یک زمین
نور زده.

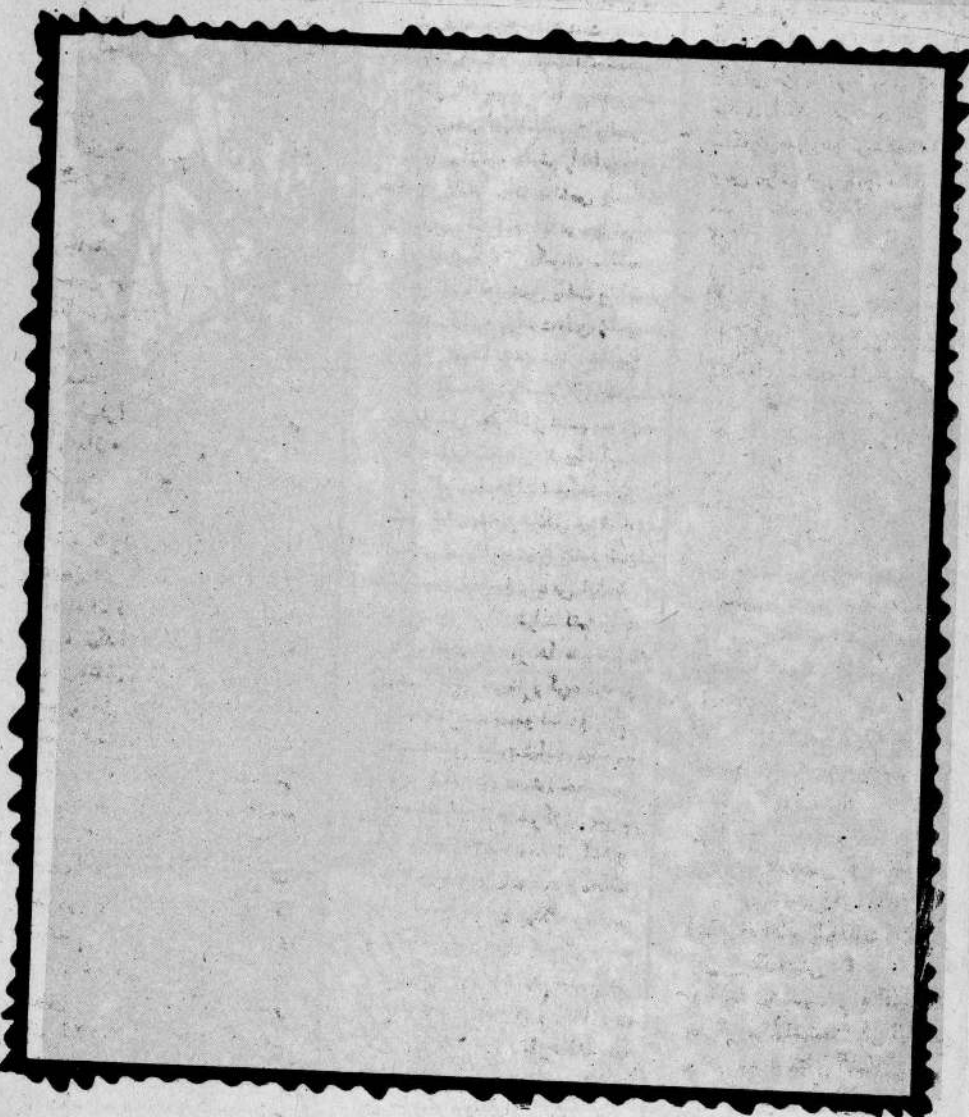
این همه یک سال قبل اتفاق
افتاد. استادان حالان را پیش
رو داشتیم و - ال تعلیمی به
فرجامش نزدیک میشد. ماری
صمیم ترین دوست من بود.
ما گاهی به خانه همدیگر میر -
فتیم و در درسها همدیگر
را کمک میکردیم. آن روز که
فرمایشاتحان الجبر داشتیم
ماری از من خواست تا به خانه
اش بروم پذیرفتم. خوب به
پادشاه بودم. ما یکی دو ساعت
الجبر کار کردیم. در خلال
همین دو ساعت ماری هر
لحظه اتاق را ترک میکرد و سرا
تنها میگذاشت. بار آخر که
ماری اتاق را ترک کرد و من
سرگرم حل معادله می بودم
کسی هسته ادهسته از عقب
به من نزدیک شد تا خواستم
روم را به آن سو دور بدهم
دفعته. دستان قوی و نیرو -
مندی که بدون شک دستهای
یک مرد بود پادشاهی بینی و
دهنم را محکم گرفت. بیوی
تندی شبیه بوی درای خشک
بینی و دهنم را پر کرد. هر
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم
را نجات بدهم. بعد از یک
کشکش خسته کننده تصور
کردم تم سبک میشود و من در
بحری فرق می شوم. معلوم
نیست چه مدتی بین نیمه بس
هوش قرار داشته اما در تمام
این مدت حس میکردم جسم
سنگینی مرا در خود میفشارد و
بوم تم در قالب دستهای -
کسی شکل میگیرد. کسی با
درنده خوبی تن صحت مرا
در بازویان خود میفشرد. وقتی
به هوش آمدم در یافتم که کسی
و یا کسانی به من تجاوز کرده
اند. ماری را ندیدم. با
آبروی بر باد رفته و چشمهای

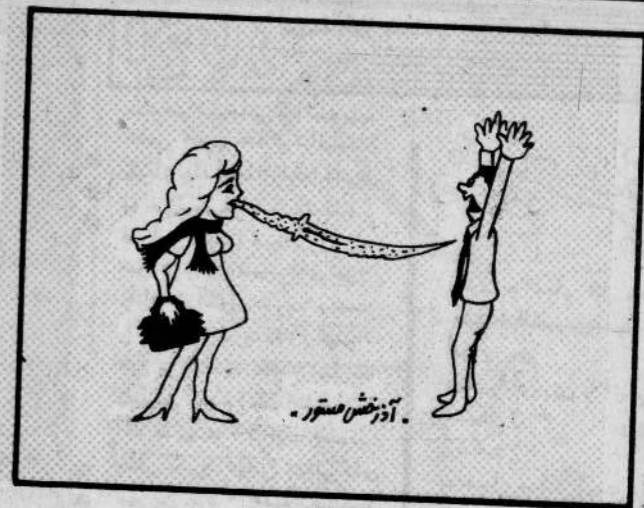
اشکیبارا و تن لرزان راه خانه
را در پیش گرفتم. همین که
وارد اتاق خود گردیدم و درس
را بهانه قرار داده دروازه را
ببرم بستم. همه وجودم میسو -
خت مشقیقه هالم از شدت درد
شهر میکنم. نمیدانستم
چه کنم؟ به یاد ندا رف که چه
کردم چقدر گریه کردم. ولسی
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش
کند. ولکه سیاه بدنامی را از
دامن من بپوشد. دقیقه هفت
از پی دقیقه ها میگذاشتند
اما زمان پایانی نمی یافت و شب
به صبح نمی پیوست. آن شب
نا قوس بدنامی در گوشهایم
صدای برداشت. از آن شب
شکجه روح من آغاز شد و من
زندانی زندان بی دیوار گرد -
دیدم از آن روز زنده گی من
ملو از رنگها و بی رنگی هافند
و من ساهی و زشتی زنده گی
را لمس کردم. در باقی اطفال -
نات نتوانستم اشتراک کنم. به
بهانه مریضی روزها دروازه
اتاق را بروم بستم و گریه کردم
از یک سال بدینوشب و روزم
در یک کابوس وحشتناک میگذاشت
رد ماری آن مار خوش خط و
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.
نمیدانم چه تعداد دختر کاش
معصوم را به بهانه حل معا -
دلات الجبری به پرتگاه بد -
نامی افکنده باشد؟

چندین بار خواستم بخواب
کف می گم ولی یک فکر و یک اند -
یشه مرا ازین عمل باز داشت.
تکر انتقام از دوستی که در حق
خوشبختی و سعادت من بود
دوستی که راه نشاط را بر من
بست و خنده را بر لبهایم -
خشکاند. انتقام از مردی که
هرگز چهره اش را به خاطر
ندا رف. تم ملو از نفرت است.
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم
قبری پیش چشمهایم در من باز
کرده است. خواستگارها همه
وقت به خانه ما می آیند ولسی
جواب من همیشه منفی است.
بچه ها مادرم چه زن خس -
بوست ز یاد میگوشت از من
جواب مثبت بشنود ولی چه گونه
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.
به عوض پیراهن سپید عروس
اورا کفن بیوشان زهرا که بخت
دخترت را از تو دیده اند حالا از
هر چه مرد است بهزارم. از همه
آن ها نفرت دارم. دستهای کتشف
جوانی من یا دستهای کتشف
مردی مانند ظرف چینی بروی
سنگش هوا و هوای شکسته است
و من برای هر پارچه آن تسا
سرحد خسته گی گریه ام.
گریه دخترت را مجال صحبت
کردن نمیدهد. کلوش پسر
میشود. از چشمهای زیبایت
که در نظر من از آسمان خدا
پاکتر اند قطرات اشک چون -
دانه های مروارید من هم بر
رخساره های رنگین دیده اثر فرو
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم
بزرگترین بحره ناپیش روی هم
سریزه کرده است.

دخترت اشکهایش را با
بخت دست پاک میکند و میگوید
"بین حال من یک آدم تنها
استم. به آدم تنها بازنده کسی
تیمی و بچ. به با آینده نا
معلوم. برای مادرها بنویس
بسیار که شمارا به خدا متوجه
دختران تان باشد. به آنها
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه
دوست و همسفری راند همد.
من پرسم وقتی آن حادثه
اتفاق افتاد چه را والدینت را در
جریان نگذاشتی؟
از آنها میترسیدم. آنها
حقاً مرا میکشند. ولی ایگاش
میگفتم با دستانت آنها از رنج
مرگ تدریجی رهایی می یافتم.
بعد میخواهد برود با اجبار
قدم بر میدارد. من از عقب او
را مینگرم که لرزان پس تما دل
آهسته آهسته چون سایه
بی از روی زمین برچیده میشود
و لحظه بعد چون ستاره ای
که افق زنده گیش را کمر کرده بس
شد ناپدید میگردد.
حالا که این سطور را می نویسم
چهره معصوم و چشمهای گریه
آلود او پیش نظر من می آید و شاید
تا در هر هاتاشنیدن من راز دیگر
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته -
دیگر نقش خاطر می باشد.





کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه
 باساکره نه پخوانده هخچس
 کله مور بارته کده راوکره ه نو
 دغه لو به موم په کور را ننوته
 ورم کال مې نیکه چس عمر چس
 په نوی کلو نوښه اړولې او د
 آزادی په جگړه کې یې لاس پورته
 په چپه تاوول ه دکاندی په
 کور کې دده دو پروکې زوی کا
 لیزی ته تللی و . کله چس کورته
 راغی نووا رمی زما پلارته منځ
 وړ وای او ه
 بچو! په رښتیا چس مور
 خوشی عمر تره کره نه موخپله کا
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په
 خوند پوه شو .
 پلار مې له واره لخوا ب ورکره
 باباجانه هته زره
 خوره ه په نیت کې مې ده چس
 ستاد کور مې کالیزه ونس .
 نیکه مې د پلار زخیره په
 خوله کې ورښه کړه :
 ته دکور سوغم په کوه
 اوس زمانه دکور سوډه ه کا
 لیزی هم ددویدی ؟ خوتسه
 زمانم خوره چس خدای ناخوا
 سېته یې کالیزی درختی مړینه
 شم .
 دنیکه لمدی خبری سره
 مې پلار مجبور شو چس بله ورځ
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

مې اناد کالیزی په کوه کی پنځا
 شمسی و تو مېلی اوتیرتال مې له
 پلار سره دکالیزی شوو پېدا
 شو . پلار مې دکوه له پاسه
 پنځه دیرتر شمسی ولگولی اوبغا
 مې مړی کړی ه مور مې دکالیزی
 په ورځ له پوی خوانی پنځلس
 کلنی پېغلی خنجه هم زیاته سره
 او سپینه پوقیده ه خنجه چس
 پنځه ویشت کلنی یې ثابت شوه
 او هغه په دی چس خان زمانه
 پلار خنجه لس کاله کشر بولی .
 خوتر توله په زړه پوری دا ده
 چس همدا سز کال خووړ خس
 د مخه مور راته وویل :
 " زویه ! ستا په کالیزه کسې
 به کله و خاندو " .
 له دی خبری سره یومشبهه
 په چرت کی شوم ه خنجه چس
 د مور کشر زوی وم ه که خه هم
 دند لری له مخی خلو د پسر ش
 کلن مې ه خود عمر پتو لو پسر
 خه کی مې دخپلی کور سړه
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته
 وویل :

مورجانی ! زه تراوسه
 پوری لا زېږېدلې نه مې هکله چس
 وزېږېدم بېاد کالیزی خبره کوه .
 مور مې له خنده راته وویل :
 " وې بچمه ! داته خس وایم ه
 نن سهاد لسوخاوند کسېری
 او بېاد خبره کوی ؟ "
 زه لېر موی شوم او خواب مې
 ورکره .
 ښه وایم ه که ته رښتیا هم
 پنځه ویشت کلن مې ه نوداس
 یې پوه له چس زه لاتراوسه نه
 مې زېږېدلې .
 مور مې چس خپلی اشتباه
 ته متوجه شوی وه له خا په
 پاخېده او یوازی دو مړه یې وویل
 " رښتیا مې زمانه خرابه شوی
 دده ه که نو زوی خنجه مور ته
 دا خبره کوی . "

مړینت

براتی وروسته دد وه دری
 مياشتوپه یونور خبرات پېښ شو
 د واره ئې خان کوچ ته کسې
 ترخو دری نفری غوری په یوازی
 سره ووهی ه همغی چس وایم
 پېس پېرسو راخی د طالع
 پسر طالع راخی ه خنجه د براتر
 د لاس د م د خیرات آشیز راخوت
 نود ستر کویه ستر گرکیدو سره
 د فورس د غوښو د ن قاب پسر
 غوری اسانه شو ه براتی هم
 خوراک تمداسی دوام ورکره چس
 ته به وایم دخوړو لو په کوهسه
 مسا بقه کی یې گدون کړی و ی
 او د پلو همنځ دیوست مې
 ردنه کر همپشه و چس په دستر
 خوان باندي او رد اوړد و غزید
 او په لسوتوبی په زښل کې وا
 چا وه اود شفاخانې به لوری یې



دینار کی پوهی
 هسې مال : باغچون
 په کور کې هم د ماشومانو د
 مور له لاسه پرتاوچ را بانندی
 توره شهه ده . هر سهار چس
 دهند اری ترنخ د پیری خربلو
 لپاره د پېر ه نو په تر سوسو
 تند ی اوله گواښ نه پک غز راته
 وایم :
 بېاد چاله پاره رېزه خبری ؟
 ضرور له بل چاسه تارغو لسی
 یې ه که دغه ماشین مې در
 لخنس په لنکری کې ونه تکاوه ه
 دیوکللی لور به نه مې .
 که سپینه یې ووايم اوله تا
 سویی پته نه لیم نو دا پنځ شپږم
 ماشین دی چس دچ مریکسی
 غوندي زمور دکور په لنکر کسې
 تکړی .

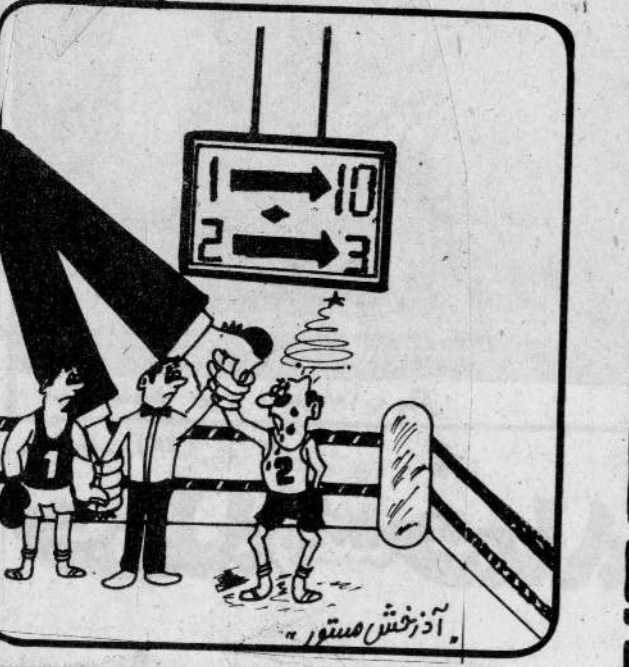
نوی ستوری

د یاتو توگی

غوره شوی معلومه

تېت قد په کتارونه لسوړ
 پری .
 په شرو مهوکه چاغېدای ه
 غوړکه به چاغ شوی وه .
 د ایمان زوال دروغ دی
 د تو تو زوال دروغ دی .
 گناه په خپله کړی ه لعنت
 په شیطان وایم .
 غله ته هر بوتی مسی
 دی .
 په خپله خرته لری د پل
 په آرمپوری خاندی .
 خره ښکر گېل غوړونه
 یې بایدل .
 پتوی اوبیان اوخی تېت
 تېت .
 اوزه له لپوه تختیده ه
 د قصاب کره یې شهه شوه .
 پېشو چس خوب ونسی ه
 چوموزک په خوب بکی ونسی .
 اول مژه به نوسه هاو
 جسی نوس یې نوتېنگه یې نوسه

د فېل په غورکی وید ه پشی
 تن سپاسی واسطه ه پېغیه
 او خپلوی ولری ه نوور کسری
 یې خوره .
 مگر تمخود ایو هم نه لری ه نو
 بېاداله کومه شول .
 ساد ه خانه ! یو با جه مې
 په میخا براتوکی غت سړی دی ا
 بل په ښاروالی کی وښهغه لری
 کاکا خسر مې د پېښنا په
 ریاست کی باشی دی اود او پو
 رسو لو په ریاست کی مې دوخته
 همصنغیان کار کوی .
 اود کور د پاره دی خه
 سرشته نهولی ده ؟
 سرشتی مې خوشکې درته
 وویل چس تولی خلاصی دی .
 د دغا سناد و په در لو د لسو
 سره ښاروالی مجبوره ده چس پوه
 نومره خنکه راته را کړی ه خنکه
 چس تلهفون ه پېښنا ه تل او د
 صفای کتابچه مې کوره نه وی
 " د دیالوگ په پای کی دی
 د لوستنو نکو له خواد قهرگلی دغه
 سند ره وویل مې چس وایم :
 " رانخه چس پوه جوړه کړچو
 نکره په خنکل کی ه خود یاد
 ولو وړده چس په خنکل کی دی
 په کابل کی وویل شی . "



تازه های دانش

چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاق در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به واسطه احتیاط از اجتناب از تبلیغات تجاری تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاکی

حمله و فتل حمله

بقیه از صفحه (۲۸) - ۲

تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجاری اخیراً جای های دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های خوشی خود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به واسطه احتیاط از اجتناب از تبلیغات تجاری تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است.

را از طرف فدراسیون ورزشی کشور ایران نصب شد. پرسیدم و تکواندوی پیوسته با تکواندوی هیوانگ چه تفاوتی به هم می رسانند گفت: پیوسته کله کوریا پیوسته که پیوسته عمل و سه سرعت را میگویند یعنی سه عمل در تمامی حرکات و حرکات پیشرفته حمله و ضد حمله یعنی دفاع بدون دفاع و حمله بدون حمله که شامل ضربات بلند بالایی و چرخشی و چکشی و کوشی پرشی و حرکات انفجاری دست و نقاط حساس بدن از خصوصیات این سبک است که مبارزه اساس این ورزش را تشکیل میدهد. عبدالناصر به دنبال سخنان خوبش به این نکات نیز اشاره کرد: تکواندوی پیوسته و ورزش

حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در اثبات این ادعا مستدکی نوشیدن چای در سلاطین انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چای آن به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تخم تره هیزیت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع تره هیزیت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریا پیوسته که سابقه چندین هزار ساله دارد و قد را همون جهانی آن در کشور کوریا و جنوبی در شهری به نام "کوکی وین" است و این سبک یک کماله مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کمتر به چشم میخورد مگر سبک تکواندوی هیوانگ که قد را همون بهمن الملی آن در کشور کانا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن بهشترازا کاراته الهام گرفته است در موج تکواندو و درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرگز صرفاً از کمیته ملی المپیک متقاضی است تا بخاطر منجم ساختن کامل

گلگون روی رانندگی و تکلیف

باد ریان صحیح کلودرد (تیز) رقی یک پنی سو لین (مناخ بروز) عارضه قلبی است. این استن تو کوکی یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در رصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصل دیگر است. عامل این بیماری "استرپتوکوک بتاهمو لیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر میشود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و

رهران این رشته که حدود ۱۰۰۰ نفر در کلپ همین اکنون ترین این ورزش را میگویند قد را همون را ایجاد نماید هیزرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در روانیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود. لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد داد و ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

به پنی سلین از تزریق آن خود داری کنند زیرا بر اثر عدم تزریق پنی سلین تجویز شده توسط دکتر فرزند آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردد که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکر است. چنانچه اگر کودک مبتلا به تب روماتیسمی باشد به تب روماتیسمی ناشی از آن مبتلا گردد. برای پیشگیری از تب روماتیسمی از تزریق ماهانه پنی سلین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر همین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پنجاه ساله حساسیت نسبت به پنی سلین بسیار کم است. لذا میتوان به مشوره دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تب روماتیسمی نیست. جلدی نمیشد.

آرزوی تان چیست؟ آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا خورش را تدا وی نام لکجه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحبت روانی تمنا دارم از کسانی که به هیئت منجم دست یافته اند در تدا وی میباشند. شان طلب همکاری نمایند. آيا شما حاضر هستید در صورت تقاضای ریاست صحبت روانی با آنها همکاری کنید؟ پلیس - آخرین گفتی تان چیست؟ - آخرین گفتی می آیند که زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.

سفر به آمریکا و شوری

دانشمندان آمیکانی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی ژنیتی بر روی کوه میخ ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط آمیکانی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همگی در شوری بودند. هزینه این برنامه بر روی هشتی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰ دانشجو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار است یک دستگاه مدار جلد بد ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلیارد دلار است. از زمان کشف لنوز در سال ۱۹۶۰ توسط (امپاین) دان نشمند آمیکانی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را سرعت یافته و طی می سالی اخیر لنوز از اتاقهای ازنا پیشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

مردم شده است. یکی از زمینه های جدید لنوز طراحان دقیق قطعات صنعتی با روشی شبهه بیستی نوعی فتوکپی به بعدی است. این روش که با پیوند رشته انفورماتیک (۰۰) پلیمرها و لنوز در صنعت جوشکاری و برش قطعات ضخیم فلزی نیز استفاده می شود. در ضمن حال هم اکنون لنوز هائی با قدرتی بیشتر بهمن ده تا پانزده کیلووات در از مایشگاه های مورد استفاده قرار می گیرد و آخرین تحول در این زمینه برنامه نصب یک لنوز ۲۰ کیلوواتی در مرکز فنون تملیحاتی در آرکی فراست است که توسط آن بالغ بر ۱۲ میلیون دلار است.

تخصصی ورزشکار

فرجام عالی و پیشگام عالی

حالا پدرم یک دایم الحس است و مادرم دیوانه و بیستیمان

امروز کسی در من فریاد -
 میزند . یک نیروی جدا از من
 مرا به نوشتن وامیدارد .
 میخواهم در مورد سوزن
 و حشرات بی جایی سوید
 مادرم بنویسم . زیرا این مساله
 خانواده ما را به باد فتنه داد .
 آرامش زنده گی ما را بر حمانه
 به هم زد . حالا شب و روز من
 در گریه يك كابوس است . از همه
 زنان و شوهران از همه
 مادران و پدران میخواهم تافسه
 خانه ما را به دقت بخوانند زیرا
 در آن درس بزرگی نهفته است .
 مادر بزرگ حسودی نبود .
 همیشه بالای کپه کترین چپزی
 بهمانه میگرفت . همه وقت مرا -
 قب حرکات و رفتار پدرم بود
 اندک ترین تخمیری که در حرکات
 پدرم میدید بالای پیش ایستاد
 میگرفت همین که در مهمانی
 ها و موسی ها پدرم رامیدید
 که باد و مستش و با خانم دوستش
 صحبت میکند فوراً عنکبوت -
 حشرات و سوزن در دلش
 تار می تنید . وقتی به خانه می
 آمدند سهل بر مشها و پر خاش
 هانتار پدرم میشد . بچه ها -
 پدرم در چنین حالات خاموش
 میماند . زیرا مادر را زهاد
 دوست میداشت . اما مادر -

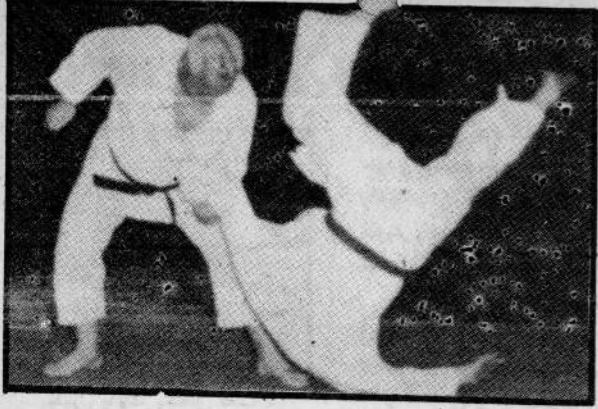
ندانسته توشه به ریشه سعادت
 خود و همه مامزد . در فرجام
 بهمانه صبر و حوصله پدرم تپس
 شد . روش غیر انسانی مادرم با -
 عت گردید که پدرم به مشروب -
 پناه ببرد . بیاد دارم آن شب
 هرد و از عروس برگشته بودند .
 پدرم نشاء بود . به مشکل
 تعادلش را حفظ میکرد . به -
 مجردی که داخل اتاق شدند
 باز مادرم شروع کرد : " بگو آن
 دختر کی بود که چند بار در چوکی
 مقابلش شستی و کتک کتک
 زدی و خنده کدی . پدرم که
 سرش را به پشتی چوکی تکیه
 داد بود چند لحظه سوی -
 مادرم دید و بعد از جایش
 برخاسته از الماری يك بوتل -
 مشروب برداشت . آنگاه مرا
 صدا زد او گلاس میخواست .
 من از ترس ماندم بود مهربانم .
 گلاس را با قهر از دستم گرفت .
 آن را پر کرد . دوس و سوسو
 راهم بایک نفس سر کشید . من
 دوباره به اتاق آمدم در سننم
 افتادم خواب به چشمهایم نمی
 آمد رفتم چسبیده به کلکیسن
 ایستادم . باز صدای مادرم بلند
 شد که میگفت : " او شرابی خود
 مهربانی و عشق دخترک ده -
 سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با -
 شدت تمام سوی مادرم پرتاب
 کرد . بوتل به دیوار اصابت کرد
 پارچه پارچه شد . چهره پدرم
 از قهر و غضب زیاد کبود شده بود
 بی حال روی چوکی افتاد .
 چشمهایش مانند دو کاسه خون
 بود . نمیدانم . مادرم آهسته
 آهسته چه میگفت که يك بساز
 پدرم غضبناک روی چوکی نهم
 خیزید . و با شدت تمام بر مادر
 فریاد زد : " او زن روی خدا ره
 بیمن . زنده گی ره سر خود و سه
 د و زنج نگیردان . " من عقیب
 شیشه کلکین گریه میکردم . آبی
 آنها من برادر را اصلاً به -
 حساب هم نمی آوردم . بمسد
 مادرم خیلی بی اعتنا از جایش
 برخاسته زهوراتش را بالای . موز
 آرایش گذاشت و با بی اعتنایی
 روی تخت خوابید . و من به امید
 آن که دیگر مشاجر آنها به پایان
 رسیده . به بستر رفتم . تانیه
 های شب خواب به چشمهایم
 نمی آمد . اشکها با لاشتم را -
 نرم میکردند .
 صبح به امید این که مشله
 چه آن ها خاتمه یافته از بستر
 خاستم . اما بعد از نوشتن
 چای بگو مگوی آنها دو بساره
 آغاز شد . مادرم میگفت

و در میان عشقش گریه
 میگفت : " اکه بوتل به سرم -
 میخورد ؟ " بعد مشاجر
 تندتر شد تا آن جاکه یکبار پدرم
 فریاد زد : " بس از ده زن -
 هر چه حد و اندازه داره . " -
 مادرم بی اعتنا به فریادهای
 پدرم و چهره های رنگ پریده
 و تن لرزان من و برادرم گفت :
 " دکه نمیتوانم کت تو زنده گی
 کنم ، طلاقه بی . " -
 این دفعه مشاجر آنها
 دو سه روز ادامه داشت . گریه ما
 و مدخله قوم و خویش همیش
 نرفتاد . بعد آن دوباره محکم
 رفتند و خیلی آسان از هم جدا
 شدند . من برادرم با هم
 ماندیم . مادرم نزد پدرم مادر
 خود رفت . برادرم ۸ سال
 داشت . از وقتی که مادر ما را
 ترک کرد . در بدین درمانی بنه
 جان برادرم افتاد . همیشه در
 آنتر تب مسمومت مریض او
 ۴ ماه ادامه داشت و يك روز
 هیچ که لحاف را از رویش
 برداشتم دیدم که چشمهایش
 به سقف اتاق مانده اند . شاید
 او تاب جدایی مادرم را نداندا
 شد .
 وقتی بار آخر چهره او را از
 لای کفن دیدم ، يك چشم او
 نیمه باز بود . زنها میگفتند :

او دیده به راه مادران . -
 بچه طغلك دل انداخت
 وقتی جنازه را میبردند مادرم
 آمد . مانند دیوانه ها بود .
 خواست خود را بالای جنازه
 برادرم بیندازد مگر پدرم -
 برایش اجازه نداد . با خشونت
 او را از خانه کشید و نگذاشت
 که روی پسرش را ببیند . از آن
 حادثه یسسال میگذرد . و من -
 تک و تنها بدون هیچ خوشی
 ماندم يك سایه لرزان . -
 بدون امید زنده گی میتم . در
 حالیکه دختری به سن و سال -
 من به محبت والدین چنان -
 ضرورت دارد . مانند گل به -
 آب امان از محبت هرد و
 محروم . همیشه با خود میگویم
 چنین است فرجام سعادت و -
 سوزن که کانون خانواده کی
 ما را بر باد ساخت . ما آواره
 شدیم خندیدن و خوش بودن
 را فراموش کردیم .
 حالا پدرم يك دایم الحس
 است و مادرم پشیمان و من بسا
 چنین پدری زنده گی میتم
 و با چنین زنده گی میازم و -
 مسوزم .

مغلوب ساختنی بدون...



جودو کاهلی را ازین برد .
 و ذوق جودو بهدار کنند .
 ای نیروی کار در نهاد
 ادبی است .
 باید متذکر شوم که در جودو
 اشخاص قوی و کم قوت شانس
 مساوی دارند . و برای
 خانها يك وسیله تدافعی
 بسیار خوبی است . این
 ورزش نخستین مرتبه از کشور
 چین نشأت نموده و در -
 جاپان انکشاف یافته است .
 مفهوم جودو اصلاً از کلمه
 "جو جو سو" مشتق گردید .
 و در پهلوی جودو و شعبات
 دیگری نیز از آن جدا شده
 است .
 قابل یادآوری میدانم
 اینکه :
 موفقیت در جو جو سو بهایه
 کار بردن زور ، قوت و خشونت
 ممکن نبوده . بل با مهارت
 زهره گی هنرمی و ملاحظه
 میباشد که جودو بعد هابسه
 صفت يك ورزش بی خطر
 از جو جو و سو مجزا گردید .
 س : چه نانی که تعمیم شد
 جودو از جمله ورزشهای رزمی
 به حساب میروند تکنیک و
 تخنیک آن با سایر ورزشهای
 رزمی چه تفاوتی به هم
 میسراند ؟
 ج : انگاهیکه جودو از
 جو جو سو جدا گردید به شکل
 يك سهورت مستقل سهورتگامیل
 خود را پیوسته از شعبات
 دیگری چون کاراته اکیدو و
 تکواندو و کبوتو و کتدو و کاسا
 نودو و هایوسامی هاگیناتا
 و کوزاری نانا که همه با تخنیک

های رزمی انکشاف یافتند
 و شامل بازهای المپایی
 گردیدند . مشکل میباشد .
 زیرا جودو و عاری از هرگونه
 ضربات و جراحتات
 صدمه ها و خطرات بوده
 مانند کشتی چنگکی سمست
 شمال کشور يك بازی بی خطر
 و خوشایند میباشد .
 از انبیه گفته آمدیم احتیاط
 می گردید که جودو يك سهورت
 رزمی نبوده و تخنیک های آن
 شامل پرتاب ها و محکم گرفتن
 خفه و تاب دادن مفاصل است
 که همیشه کدام برای ورزشکاران
 در اجرای مسابقه خطری را
 دارانست . تخنیک های این
 سهورت به طور کلی دو مسابقه
 عملی می شود اما از سایر
 شاخه های این ورزش که
 احتمال خطر در آن محسوس
 است بطور کامل عملی نمیشود .
 ویژه گهای عالی این
 سهورت در این است که زن و
 مرد در اجرا و بهیچر دان -
 سهیم شده میتوانند تفاوتی
 به هم ندارند .
 س : چند نوع تخنیک در
 این سهورت وجود دارد تحت
 کدام نامها ؟
 ج : جودو در یک
 کودوگان که اولین استنوتوت
 تحصیلی جودو در جهان
 است و در توکو مرکز جاپان
 فعالیت دارد متشکل میباشد
 از :
 تخنیک پرتاب ها ، به زمین
 زدن و تخنیک محکم گرفتن
 و ضربه



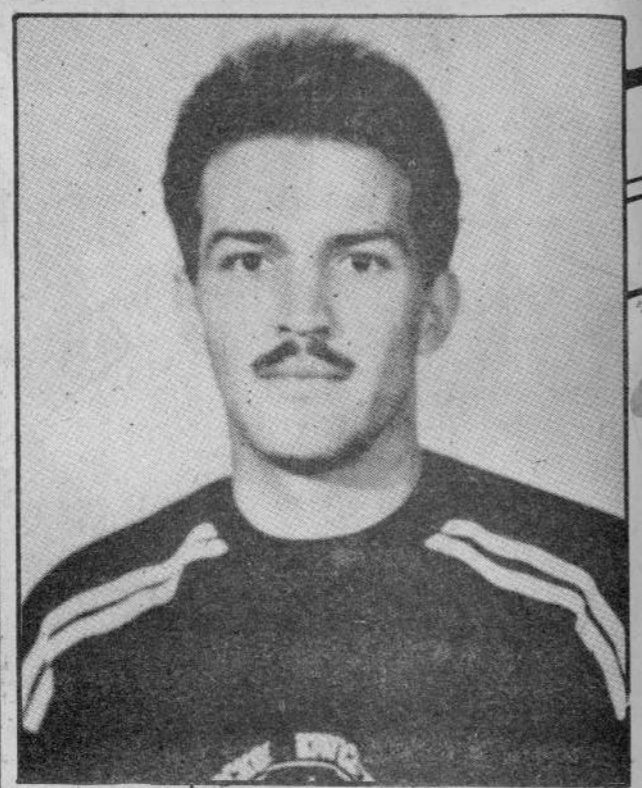
آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که بود انهای ورزشی کشور میزبان ختران ورزشکار نبودند است با وسد آینه سالها قبل تصهای دختران ورزشکار در سطح کشور غوغای رابریا نموده بودند اما به یکباره گسی دامنه آن چنان پیده شد که نشانی از آن باقی نماند و خود شبخفته در این روزها در کالبد بی روح ورزشی دختران روح دمدمو زنده گشته است به هموسن منسو ر پای صحبت یی از قهرمانان بد منتون محترم میا میرو ورزشی در انستیتوت پولی تخنیت کابل غنوتیمهای ملی بد منتون وپوسنت پانک منشیعیم میخوانیم که در مورد خورد ورزش چیسی گفتنی دارد

مناجان اگر موافق باشید پرسشهایم را طرح میثم

باکامان مول خیر آن بهتری را که در دستم دارم برای شما باز دو مینایم بعدا با شوخی عریغی میگویم نشود که سوال غنای منش را از من صرح نمایند

بقیه در صفحه (۸۲)



است اما در کشور خودمان آنطور که میبایست در این عمره کار شود نشده است و نیز نداشتن امکانات وسیع جهت ارتقای سطح این ورزش تا شهر ناگوار خود را در ساحه ورزشی جا میکند که مسن سعی نموده ام تا صرفا از اندرخته ها و تجارب ورزشکاران خارجی استفاده اعظمی نماع که میتوانم این دستاوردهای ورزشی ام را برای شما به شمارم هشت مدال طلا و نهمین در پیلوم ورزشی لقب ماحترم سپورت در سال ۱۳۶۶ به سفت بهترین گولزن از جانب فدراسیون فوتبال کشور به من داده شد



فوتبال را دوست دارید یا نه؟

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشی است که در ایران در مورد دستاورد های ورزشی تان به عزیز خواننده این صفحه معلومات بدهید

اگر در فین گفته باشم تقریبا هشت مرتبه به خارج از کشور سفرهای ورزشی داشته ام که نتایج همه بی آن ها بر ایسم قناعت بختر بوده است

سطح ورزش کشور با ورزش سایر کشورها چگونه یاقتمید؟

طبعا سطح ورزش سایر کشورها نسبت به کشور خودمان بلند تر است زیرا تجهیزات ورزشی و امکانات و زمینه های مساعد جهت تمرینات در اختیار آنها قرار دارد که فالت عملا به موقعیت و پیشگامی همین موسسات

فوتبال ورزشیست یکی بر تخیلیها و تکنیکهای زیبای هجومی و حمله ای که این ویژه گیهایش موجب گردیده تا عدد و بشمارای از جوانان خوش ذوق ورزشکار را در دامن خود بچرواند از جمع جوانان ورزشکار و با فبالیست ممتاز صمیمی و علاقه مند سر سخت فوتبال غلام رسول رحیمی مواجه شدم که مصاحبت را با من پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ ارایه کرد:

چرا از میان سایر ورزشها فوتبال را برگزیده اید؟

آزادی که فقط یک تماشاچی بودم در ذوق زده بی این ورزش شدم به مرور زمان در وجودم علاقه بی نهایت نسبت به این ورزش به وجود آمد به همین سبب بعد از تمرین متواتر و پشت کار خودم از هفت سال به اینطرف به عضویت تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته شدم همین اکنون در خط مهاجم تیم ملی مسروف بازی میباشم

مشخصات یک فبالیست خوب در جرمیان سابقه چیست؟

در گام نخست یک فبالیست باید آراسته باد حیلین عالی

مغلوب نمودن بدون اسلحه

این نجیب زاده ها صنعت جود را بعد ها به طرز بهتر و اصلا حتر به هموطنان خویش و جهانپان پیشکش نمود

جهت آشنایی بیشتر ارجمند خواننده بی این صفحه مصاحبه بی را با محترم نظرمند نیکزاد ترینر تیم ملی جود و انجام داده ام که دران میخوانیم:

س: جود و به نوع ورزش بوده و در جهان چه سابقه بی دارد؟

ج: جود یکی از بهترین ورزشهای بدنی و یک واسطه انکشاف فکر و سرعت در عکس العمل و تمرین وجود و اخذ قدرت عالی جسمی بوده که سابقه در صفحه (۶۷)

بنابر روایت بعضی کتب در اوایل سال ۱۶۵۰ پکتفر تاجر چینیایی موسوم به "نصرت گمین" در یکی از نواحی توکیو بنام اکوزای صنعتی را به سه نفر از نجیب زاده های جاپان آموخت که با استفاده از آن می توانستند دیگران را بدون استفاده از اسلحه مغلوب سازند

یوگورو کانویکی از شاگردان

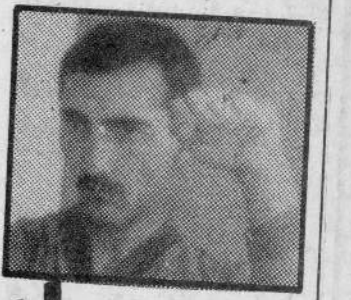


دان دو و ترینر تیم ملی توانندی پو سه کلب هدایت میباید بهتر خواهد بود تا در مورد گفته منای خود ترا با هم بخوانیم:

از سال ۱۳۶۲ که مدت دو سال از تمریناتم در ورزش بوکس سپری شده بود نظریه محاسبه همه جانبه از استعداد و توانایی فیزیکی وجودم به نگو اند و رو آوردم و بعد از سپری شدن یکتیم سال موفق بعدر یافت کمربند سرخ شدم

باید بگویم که این رشته را بطور مکن و منظم در کشور ایران فرا گرفته ام ابتدا به کاراته شو توکان که یک سبک جاپانی است و متعابا به کانفو تو و در آخرین مرحله به تکواندو پیوسته علاقمند شدم که همین اکنون این رشته را با علاقمندی دنبال میباشم در جرمیان آموزش در کشور ایران مسابقات را با ورزشکاران ایرانی اجرا نموده ام نتایج همه بی آنها برایم قابل محاسبه میباشد زیرا در اثر موفقیت من در مسابقات کمربند سیاه و ان دو

بقیه در صفحه (۶۵)



حمله ضد حمله

کلام شهبایی دارد و بهان فصیح و او را از نزدیک دیدم فنون تکواندو و آیین ورزش معاصر را به قدر توان و استعداد خویش در ذهن متمرکز ساخته است

این جوان آراسته پانوری و پراتین ورزشی و عبدالناصر هوشنگ دارند که کمربند سیاه

معلمان و معلمان

گزارشگر: مهنا آذر

سیمای صمیمی یکی از معلمان شهر خوارگاه کودکتان دوستی - چنین گفت: بسیاری مادران کودک بیمار را به کودکتان میآورند که این کار نه تنها برای کودک خود اثر زنجیر دهنده است بلکه سبب انبساط و آزار دیگر کودکان نیز میگردد.

بعد از آن به طرف صنف بالا تر این کودکان که در آنجا کودکانی از سن سه تا پنج ساله صرفاً درس خواندن و کارهای عملی قصه گوئی میباشند رفتیم.



معلمان میگویند: کودکانی که مادران تخصصی کرده دارند...

نخست از همه سوزی زدیم به کودکان دوستی با داخل شدن به محوطه این مهد پرورش اطفال، توجه ما را نظافت، سلیقه و کارهایی استادان و آفرین این کودکان جلب نمود. پس از معرفی همراه معاون کودکستان دو ستن راه صنفهای مختلف آنهارا پیش گرفتیم.

اولتراز همه داخل شهر خوارگاه این کودکان شدیم معلم ها هم صرفاً ارام نشستن و تمهید نبودن کودکان بودند. در آنجا کودکی میگریست، دیگران میخندیدند. شاید آن یکی گریه بود که نهاد نموده، معلمان پس هم به جانب کودکان میدویدند آنجا اگر مادری بود او حالت معلمان را میدید دیگر هم حرفها برایشان حل شده میبود و شاید هم نمیگفت که کودک در کودکتان هر روز گریه میکند راستی هم چقدر دشوار است. ما دوری از داشتن یک کودک شهرخوار چقدر مینالد، از ناراستی اثر شکایت مینماید اما دیگر برای معلمان کودکتان حزن وجود نداشت که کودکان نا ارام باشند کودک میگریست و...

با دیدن ما کودکان به رسم احترام همه از جا برخاستند پس از آن که همه شان به جا های خود جاها جاشدند به درس خود که از طرف معلمشان تدریس میگردد ادامه دادند.

با اندکی تاخیر از نفیسه همدردی معلمان این صنف در مورد این که چرا بعضی کودکان به مجرد جدا شدن از مادر یا پدر جانب کسودگی کنان به گریه میافتند؟ پرسیدیم او در پاسخ چنین گفت:

بقیه در صفحه (۸۷)

کودک

گزارشگر کودکتان خوارگاه



مادر این کودک در نامه ای که در این شماره نوشت، از دشواریهایی که در کودکتان احساس میکند، میگوید. او میگوید که در کودکتان، کودکانی که مادران آنها را از خود جدا کرده اند، با مشکلاتی مواجه میشوند. این مشکلات شامل اضطراب، گریه و عدم تمرکز است. او میگوید که معلمان کودکتان باید بتوانند این مشکلات را تشخیص دهند و با آنها برخورد کنند. او میگوید که مادران باید بدانند که کودکانی که از مادر جدا شده اند، نیاز به حمایت بیشتری دارند. او میگوید که معلمان باید بتوانند این کودکان را در محیطی امن و حمایتگر قرار دهند.

مادر این کودک میگوید که در کودکتان، کودکانی که مادران آنها را از خود جدا کرده اند، با مشکلاتی مواجه میشوند. این مشکلات شامل اضطراب، گریه و عدم تمرکز است. او میگوید که معلمان کودکتان باید بتوانند این مشکلات را تشخیص دهند و با آنها برخورد کنند. او میگوید که مادران باید بدانند که کودکانی که از مادر جدا شده اند، نیاز به حمایت بیشتری دارند. او میگوید که معلمان باید بتوانند این کودکان را در محیطی امن و حمایتگر قرار دهند.

نخست از همه سوزی زدیم به کودکان دوستی با داخل شدن به محوطه این مهد پرورش اطفال، توجه ما را نظافت، سلیقه و کارهایی استادان و آفرین این کودکان جلب نمود. پس از معرفی همراه معاون کودکستان دو ستن راه صنفهای مختلف آنهارا پیش گرفتیم.

اولتراز همه داخل شهر خوارگاه این کودکان شدیم معلم ها هم صرفاً ارام نشستن و تمهید نبودن کودکان بودند. در آنجا کودکی میگریست، دیگران میخندیدند. شاید آن یکی گریه بود که نهاد نموده، معلمان پس هم به جانب کودکان میدویدند آنجا اگر مادری بود او حالت معلمان را میدید دیگر هم حرفها برایشان حل شده میبود و شاید هم نمیگفت که کودک در کودکتان هر روز گریه میکند راستی هم چقدر دشوار است. ما دوری از داشتن یک کودک شهرخوار چقدر مینالد، از ناراستی اثر شکایت مینماید اما دیگر برای معلمان کودکتان حزن وجود نداشت که کودکان نا ارام باشند کودک میگریست و...

تواریخ بر سرستان

صدای موزنم • آنان خروشهیدند و گفتند :
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصبر کب " صد افغانی " دیگر جرم بدی •
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر نداشت پرسید :
 - غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟
 گفت :
 خودش میخورد •
 آه چی آدم بی بند و باری •••
 بهادارشه را نداشت به اویدی با تواریخ گفت :
 - نخبر ••• چی خیال کردی •••
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پرفکتات می شوم •
 انهن ••• جای او خراب نیست؟
 نزدیک بود بگویم که در طول میخوابد اما از ترس جرمه گفتم :
 اتاقش پاک و عفاست • در رز -
 مستان بخاری برقی و در تاسا -
 بستان برایش کولر میگذارم •
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟
 - همین آب معمولی است پس که خود ما هم می نوشیم • اویدید بطرفم دیده گفتم :
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟ •••
 وارخطا شدیم و گفتم :
 - بسیار معذرت میخواهم نمی فهمیدم که این حیوان چای هم میخورد •
 - جای لازم نیست •
 - طرف هایش چگونه است ؟
 نزدیک بود بگویم گویا است اما

مورا گفت :
 - شمشه بی •••
 اما فکر باغچه که حتماً نا -
 شکن باشد •
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟
 از ترس جرمه شدن گفتم :
 - یک راد پوکست برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو -
 یز یون هم میخرم •
 او سوش را تکان داد و گفت :
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتوس فکر باشد که بعضی بر نامه های تلو یزوتی بسیار خسته کن و -
 تکراری است • گفتم : اگر -
 میگوید فرض بویام کرده ویدیو میخرم • گفتند :
 - لازم نیست ••• دیدن زها د به طرف تلو یز یون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهر -
 بانی به سرو روی مرکب دست میکشیدند •
 وترتر باز توصیه کرد :
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :
 - اگر فکر میکنی دستهای من کثیف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش -
 میدهم •
 فقیر جان اهی کشید و گفت :
 - دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانتم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانید
 میزند • نوریه ظهرا از آنکه
 محمد نسیم به بلای راسر
 سر آورد نواست • در یک کج
 دکان آرام میگرد • محمد کریم
 مالک دکان محمد نسیم را از -
 گوئی موسی و اف میسازد
 به اتفاق هم
 این زن گریه را از دستش می کشد
 بالاخره زن را صبح رها می
 سازند • نوریه بعد از پرسن
 و جویان • به رهنمایی بی زن
 راه خانه اش را در پیش میگرد اما
 به خانه شوهرش نمیرود پس به -
 منزل کانا شوهرش پناه میبرد •
 بعد از جستجوی شوهر زن -
 دستگیر می شود اعتراض می
 کند • ونکه دخترایکه شوهرش
 ویران شده به سرفه هشتاد هزار
 افغانی نموده است که نوریه آن
 را در بریان تحویل خود رد
 کرد راست • اما اینکه اصل
 قضیه چه خواهد بود و به خوا -
 هد شد ؟ به مسوولین میازره
 با جرایم جنایی ولایت کابل
 ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس
 از دواغ و پاشوازان طفلان کند
 شمره بی این پیوند مقدس میسا
 شد در میان است • زنی بنام -
 نوریه که یکسان جمل با نسیمی
 به نام نسیم در صفره مقدسی
 نشیند و سوخته پایداری را بر
 دستان میاورد نسیمه دلایل
 بر اساس و ویرا خوسیر دو بار
 مورد لت و توب قرار داده -
 است راه فرار از منزل شوهر را
 راغب در قریه کلخانه ناعیه
 نسیم در پی میگرد و به عرف
 شهر میباید • نوریه که حسنی
 عاصفه مادری این را زیر پناه
 و طفل بار ماهه را بر او منزل
 رسان کرده مدت چار شبانه روز
 را در منزل اشغال مختلف و -
 ناشناس سپری میسازد بالاخره
 در یکی از روزها باید سرساز
 به نام محمد کریم رو برو میشو د
 محمد کریم زمیانه -
 زن را به پنهان آنکه به منزل
 شوهرش در دوباره میسازد راه -
 تایید را میدهد میگرد و در -
 یک از دکانهای رنگرزی

اوراخواهر خواهد داشت بدفشارکند

پشته و پوستون صبح میزند •
 زمانه این سلسله را حل افرا
 طس خریتر را میباید قایلتر
 از بوضوح باخبر می شوند بعد
 از جستجوی مسوولین کشف
 جنایی شقیقه دستگیر
 و در نظارت خانه انا -
 تبه و دیت کابل تحت نظارت
 فرار میگرد • مسوولین کشف
 جرایم جنایی در پی کشف و -
 تعقیب عاملین قضیه افتادند
 اند که الی ترمجهل مرنوست
 همه بی آنها در ترازوی عدالت
 افتاده تحویلشان می شود •

بهبانه آنکه زهینه خوب زندگی
 برای شقیقه موزنست و پرا پیه
 منزل خود • در مکرور بان میبرد
 دخترش روز به بهانه اینکه به
 دیدن مادرش میبرد از خانه
 کاکایر بیرون می شود به -
 رهنمایی خواهر خوانده از
 این سرویس به آن سرویس یا
 در پوران و نگرانان این های
 مختلف شهری معرفی می شوند
 به حدی که شب بخارا با دیو -
 ران و نگرانان سرویس های کلون

هوس را بر خود کش ترجیح داد

تبع سیر معمولی به و جفته
 میروند و سمره منزل می آیند •
 بدون اندکترین توجه نسبت
 به زن و فرزند خویش که این امر
 باعث بروز فاکوارترین نواقص
 و مضافتده کی بعضی شوهر
 نزد مردم می شود • یا م این
 قضیه را با همه موسم قضیه

گو به بارشانا کید بر این
 نقطه شده است تا شوهران
 نسبت به خانمهایشان راه -
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این
 طریق بتوانند به رازها و اموال
 درونی زنان بی برسد • اما
 میبایست تمهادهای از مردان را که

اقترا • متوجه شده و دیده
 اینکه در پوران پس های شهری
 با نصب دستکارت های رنگارنگ
 و پوشش ستاره های طلوع و شبنم
 کت های موسیقی از با م
 تا شام عده بین را مجذوب و -
 عده بی ران را ضعیف میسازند و -
 مجذوبین آنها همان جوانست
 های کوتاه اندیش میباشند •
 بهایید این قضیه را که دختر
 یازده ساله بی بنام شقیقه
 با شنیده ناعیه یازدهم شهر -
 کابل مرتکب گردیده است با هم
 کاکایر به موسوع بی بود به

درد هلیزهای معاکم چی خبر است

بیوهی که بیوه نبود

زن طرف به این عزیزان
 بیوه وانمود میسازد بالاخره
 از هر کج تقاضا میکند تا با هم
 یکجا زندگی کند زیرا هیچ
 کمزوری ندارد آنها یک خویشی
 را به کرایه میگردند و مدت شش
 ماه را در آنجا مشترک سپری
 میکند بالاخره بالای موسیقی
 بنا میسازد شان بر هم خورده و -
 کثرتی که های میان شان به
 وجود می آید • در یکی از روزها
 سگینه با استفاده از غایت پر
 یکل دخترش آینه را که درازده
 سال دارد از خانه فرار میبرد
 و مدت یکسال سگینه از هلسان
 بنظره لا دورت میشود به اشرف
 جستجوی مسوولین کشف جرایم
 جنایی سگینه دستگیر می شود
 اما از انعطاف دخترت -
 در رازده ساله خویش را بیسی
 خبر وانمود میسازد و موضوع
 خالب اینکه سگینه زن بیوه نشه
 بل زن شوهر دار است که شوهر
 هرگز در کوال متقاعد قوای -
 مسلح میباشند سگینه تا اکنون -
 به جرمش اعتراف نکرده است اما
 شواهد گواهی میدهد که جواز
 اختطاف کننده آینه دختر هر کج
 سگینه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه همد است
 عدس از زنان جوان مانعست
 به شهادت رسیدن شوهران
 شان بی سرپرست شده اند
 و آنها مجبور اند تا برای فرار
 هم آوری همیشه فرزند دان
 يتم شان در پی جستجوی کار
 بگردند • اما دیدم شده است
 که یکعده از زنان با وصف آنکه
 شوهران شان حیات اند بخاطریه
 یک ترجم مردم را نسبت بسینه
 خویش برانگیخته باشند خویش
 را بیوه بی کن معرفی میاورند
 با هم این چال و فریبک بی زن
 را میخوانم :
 دو سال قبل از امروز -
 هر کج زن بیوه بی که با خود
 چند طفل قدرتم داشت
 پلخمی را به قصد دریافت کار
 به طرف کابل ترک میکند و در -
 دستگاه ساختن هلسان به
 صفت کارگر اشغال وظیفه
 میسازد زنان بخورند چینه
 طفل يتم خود را از راه حلال
 به دست میاورد • در یکی از روز
 ها با زنی به نام سگینه رو برو
 می شود بعد از مباحثت و -
 گفتگو با هم معرفی می شوند

مصاحبه از نگین

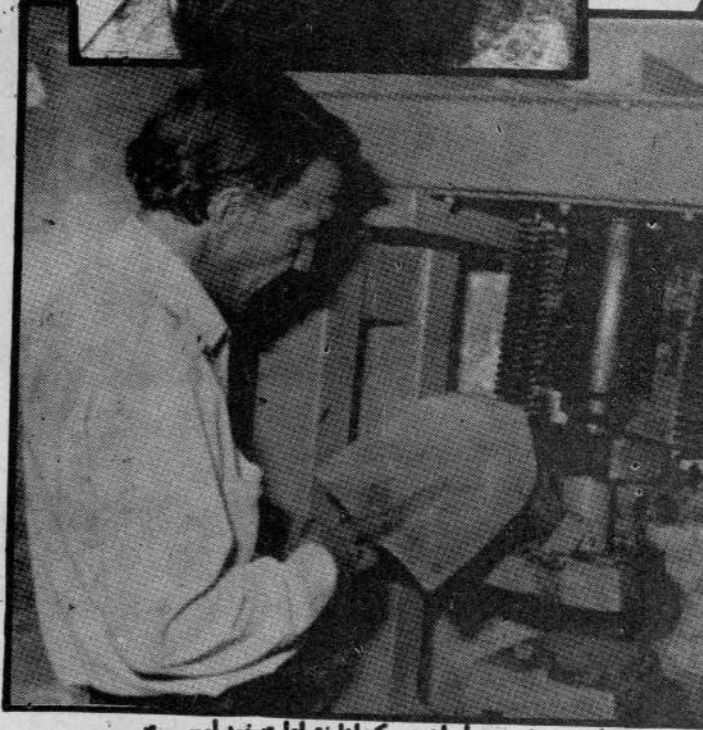
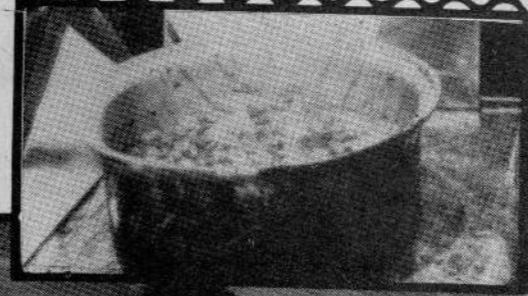


صدیق مخترع و اختر اعانت جدیدتی کتاب در چند ثانیه



صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زاویه مخصوص اتمه کتاب

تنگ مخصوص که صدیق با زاویه مخصوص کتاب در طرف



صدیق صرف بیساختن پیل توسط ماشینی که از اختراعات خود اوست

گفتی، پرازانیه که صدیق از آن به
جای کوکورد با سکره لایق استفاده
میکنند.

چندی پیش صدیق مخترع
به اداره 'مجله' سیاهین آمده
و خواست تا در مورد اختراعاتش
چیزهایی را به نشر رسانم.
اداره 'مجله' سیاهین این
که توانسته باشد با بی کفایتی
را انجام دهد روزنامه 'ع' جرد
بد واد بود و تلویزیون را در جهان
گذاشت که اینت مصاحبه آنرا
با خبرنگار 'مجله' سیاهین می
خوانید:

باشد و هموطنان ما بتوانند
برای سهولت کارشان از آن ها
مستفید گردند.
بعد با هم به طرف چاپخانه
لوازشر رفتیم که آنجا بود راهسی
شدیم.
صدیق قبلاً همه وسایل را
مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده
تجربه باشند نورناهیستان همه
دور از حلقه زدند.
بعد صدیق مخترع شروع
نمود به کار.
ابتدا یک مقدار گوشتی را که
برای کباب و پختن شویا آورده
بود توتی نموده بعد در بسین
دیگ، گوشت را با مواد لازم اندا
خته و سر صندوق شیشه می
را که از هر چار طرف با آهن
احاطه بود بست و برای یک
ساعت به زاویه معین مقابل
آفتاب گذاشت.
بعد ۹ خیمه را که خود
آورده بود در دیگ نان پختی
قرار داد که برای پختن نان
و دیگ خیمه را نیز در یک صندوق
که بالای آن شیشه و چهار اطراف
نشر از آهن بود گذاشت. نسا
گفته نمائید که بالای هر دو صندوق
یک یک آینه بقدنمانیز قرار داشت
صدیق سیخ پوز گوشت را
بالای تشت آهنی که روی آن -
از نزدیک پو شانیده شده بود
به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب
قرار داد. پس از لحظه کوتاهی

همه متوجه شدیم که از گوشه
دو دیگ بلند میشود، اما تا گران
همه در حیرت فرورفته و لبخند
میزدند زیرا در مدت پنج ساعت
هفت دقیقه کباب پخت شد.
ایا این اختراعات را برای دیگران
هم می آموزند؟
در حالیکه سرورهای را از عرق
پاک میکرد گفت: بلی کورسی
را برای علاقه مندان اختراعات
و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد
گیری آن داشتند ایجاد نمود
ام که هشتاد نفر به آن مراجعه
نموده اند.
X دهن کورس چه چیزهایی
را شاکردان می آموزند؟
دهن کورس اختراعاتی همچو
گرم نمودن آب در حمامها پخت
و پز غذا که گرم نمودن آنها
با در نظر گرفتن زاویه آفتاب تولید
آب از آفتاب. نوب نمودن هر
نوع فلز به درجات مختلف با لونی
که میتوانند توسط آفتاب چند
کیلوپتر فاصله را طی کنند.
X آیا حکومت برای ایجاد این
کورس با شما مساعدت ها می را
انجام داده است؟ در حالیکه
زهر خندگونی می از چهره او
نمایان بود گفت: بالاخره پیسه
ناظر بشیرد این کورس شده عدد
نظم و ده جلد کتابچه برای تدوین
این کورس هر ما مساعدت گردید
در حالیکه من همیشه خواستار
ام تا زمته خوبتر کار برآیم

ساعت کرد زیرا هدم خدمت
برای اجتماعتنه برای خودم
چنانچه چندی قبل به
منظور ایجاد یک ورکشاپ به
یکی از مراجع ذمه لاج رو بردم
در آن جا نه تنها حرفهایم
شنیده نشد بلکه توهین هم کرد
مدم. پرسیدم آیا این گوشه
برخورد ها شمارا دلسرد از کار
نمی نماید؟
در حالیکه چشمانش از حده
برآمده بود گفت: باور کنید در
مقابل چنین برخورد ها ان قدر
دلسرد نشدم که دلم میخواهد
فهاد بترم و ان چه را که اختراع
نموده ام ازین بهر و نوب تمام
باری صدیق اتفاق گفته.
بود: (آنچه را که تاکنون اوب
خه ام از برکت نام صدیق
مخترعست یعنی زمانیکه نسا
جوانی به شرف و نام صدیق
مخترع را شنیدم همیشه ذهنم
مشغول اختراعات اوست و
آرزو میکردم روزی من هم بتوانم
از همین طریق خدمات شایسته
نی برای هموطنانم انجام دهم
که همانطور شد.
X آرزوهای شما کارهای
او ارتباط دارند؟
- خود را اختراع ساخته
که در صفحه (۸۵)



داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بسادوم
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه مادوم
 برحال من هیس خاندی زمانه او کسه تقدیر
 چی وئی بره مان نیاسی مینونه بسا دوم
 بیلنو ته ستاله لاسه دا جهان واره تورم شو
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بسا دوم
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه
 دغم د یاسه غم کی طوفانو لسه بسا دوم
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بسه زاری
 ((ژوی)) ستادنی گونی پر هرونه بسا دوم

دعمونو نو پوه چیو کی

زبه سپاه دنجونیه په لسه
 کی هغه بیخله ده چی لسه
 خلیرو و کلو نورایه دیکخوا
 کس لکی اوله دورو کلسو
 راهیسی شمروای
 زبه وایس چی پوره دولس
 کاله دناروی په بستو کس
 پوره و او خلیرو واری دمرگ
 شربولی تللی ده - هسی
 دپوی پو بستن په خواب کی
 داسی وویل:
 ((لکه دنورو نچو نویسه
 شان تری پره وخته پوری لسه
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا-
 من و زه زه کوره نی لپاره
 شمرویل نه کار نه ووه خو
 ماد لیکو او شمرویلو لمن
 پری نه بوده او دای او د
 غه کاره هخول کهنه
 دینشو شمرا نو په لسه
 کی د حافظ او ددی شعره
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو
 سوه خامه بینه لره
 زبه سیا غواری چی هپوته
 ورنه و نه دشعریه زه لسه
 نیل کوکل غصه زاوایس .

دراکبر اولاک

عبدالاکبر از سماها و تاناک
 شعر امروز جوانان است که
 تقریبا در راه و رسم ویژه هسی
 شعر میسراید و دارای نقطه
 نظرهای بسیار تازه نسبت به
 هنر میباشد - او سه سال
 بیشتر به شاعری پرداخته
 و اینک چهار مجلد «اماده
 ولی چاپ نشده دارد»
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر
 از مدت یک سال به انتظار
 به خاطر شعر دست به قلم
 نبرد است و وقتی درین مورد
 او او پرسیدم در پاسخ گفت:
 هنوز هم در ایستاد ایمن
 سکوت خایوشم
 در شعرهای وی که ظاهرا
 به وزن شاملی می باشد دیدیم
 وافق تازه و شگفتی نسبت به
 اشیا و پدیده ها و روند های
 جاری هستی به مشاهده میر-
 سد
 او میگوید در باره شعرهای
 چیزی گفته نمیتوان اما به
 الهام ناگهانی باور داریم بدون
 الهام یک مصراع نیز مزوده
 نمیتوانم
 شعری از عبدالاکبر به نام ماور-
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم
 که کلید در انتراد در دهان مار زهر ناکسی
 گذارد و بودند
 وان مار
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود
 و من از کنار خانه
 فریاد میزدیم

 با هم جنگیدیم
 مار



دختران - پسران

با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هبى است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم وهنر قرار میگردد، زیرا در این جایگاه مذ هبى آثار هنسى انواع هنر و صنعت و مین (مهندسى و سنگراسى و میناتورى - کاشیکارى خوشنویسى و گچپزى و ...) در بخشهای بمباند یافته اند .

آنچه بر عظمت و شکوه بیشتر آن مضاف است که علاقه مندان علم وهنر هر کدام شیکار بهها و طرافت های آنرا به رفته و به خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند .

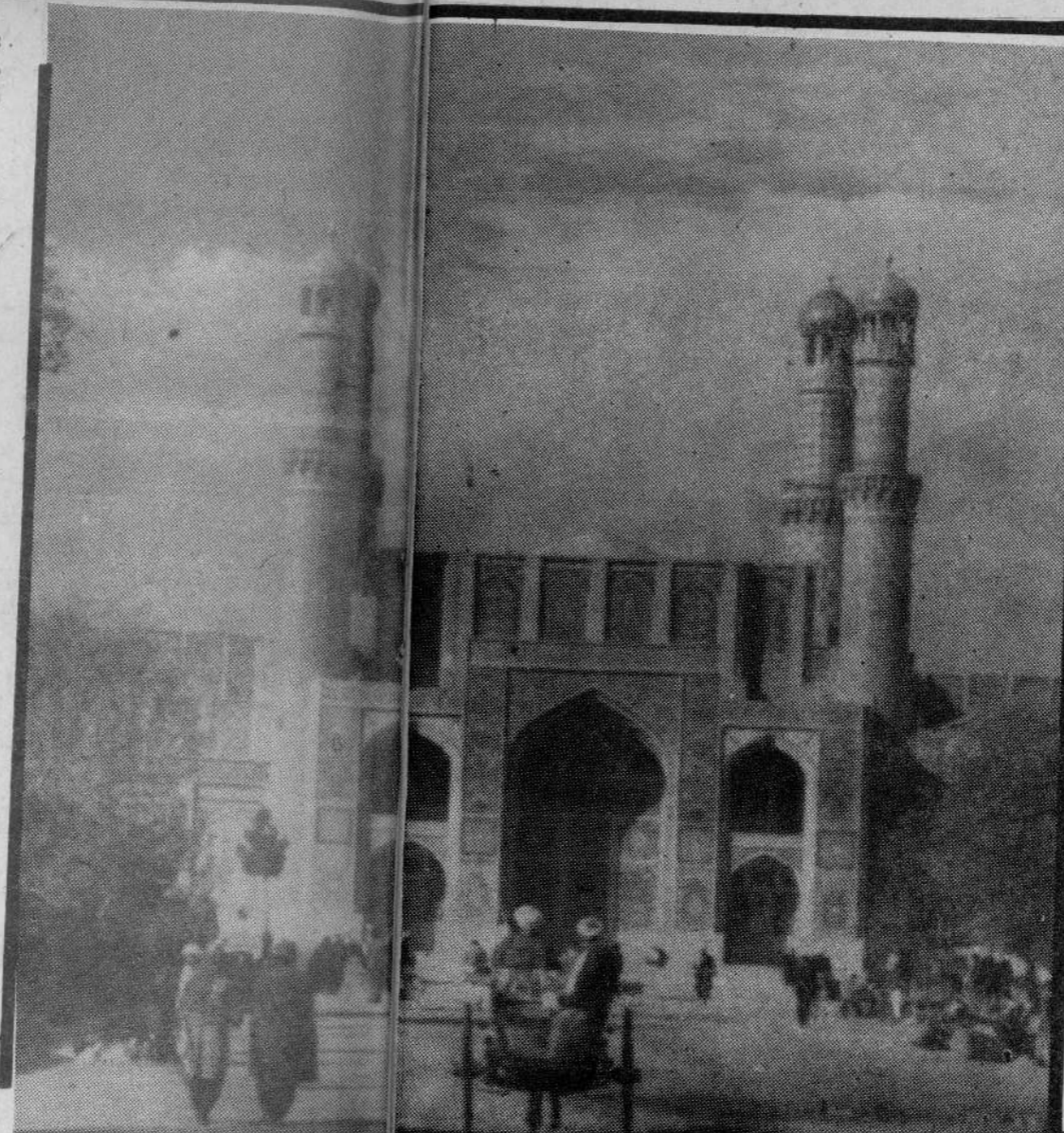
با اینکه نخست (جدا از مذ هبى بودن این جایگاه) - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسى و معماری است با بهره کبهای سبک مهندسى اسلامى (*Islamic Architecture*) این طرح بمنظوریکه ساخته شده است کاردهى (*Function*) کافی ولانم داشته و در آید و نیز خواهد داشت دور نیاها و نیاهاى دورى و بهر حال زیباى برجسته کسى بهر مین دارد . چنانکه دور - نای شهر هرات با مین مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و سهای شمسى مخصوص به آن داده است .

از سلیک بهره کبهای دیگر منحصرا به گردان اینست که هنرها و صنایع مهنومى نگار کارى سنگراسى و نقاشى گچپزى و الا غره جلوه های شمرداد ب پنجم خوب و خوش با طرح مهندسى آموزش یافته اند و با بگونه که همه اینها در میند با یکدیگر طرح میند - سى را مینبایت بهار ساخته اند . اینها همه بارنگها بیکه با سبک بکار میند از تناسب خوب - هماهنگى کافی و تکرار میند کانتراست (تفرق نمایان) لانم و تضاد مؤ چه که لازمه هراتر خوب هنرى میباشد بخورد اند .

یکی دیگر از برجسته کى - های آن موفقیت صنعت سا - ختمانى بحیث یک شیکار دیگر است که ظالبا با در نظر داشت مواد ساختمانى کار شده (سنگ) خست پخته و سارو) آن زمان واز نگاه محاسبات ستاتیکسى و امکانات موجود امار چنین واحه های بزرگ با ارتفاع ($20m$) عرض ($15m$) و عمق ($10m$) برای عملا بسیار دشوار بنظر میرسد . با آنکه گمان نمیرود که محاسبات ستاتیکسى بشهره معادل به امروز صورت گرفته باشد . در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانى آن با این شوه و مواد سنگنى انگیز هم است .

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف ویا انکشافات تاریخی و مهندسى این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته بخودش را دنبال میکند یا به بهراهنکی مینمزد ؟ پیداست که سهای کوشى آن - در گذشته های دور و نزدیک - چنین نموده است اما این نکته در تحقیق اینست که بعد هم پیش از امروز انکشاف تسمیر واز سازی این بنای تاریخی و مهندسى با الهام از سبک مهندسى بهین هماهنگ و متوازن با آن صورت میگرفته است . هر چند اندک - بنگانگى هائی از اثر درکارها رخ میداده مگر هرگز به بیابان دهه اخیر نموده است که - در نما تا کنون نیز ادامه دارد . اگرچه طرح های جدید و انکشافى باید متناسب با طرح گذشته و بهر مین آن وادامه دهند . بهر کبهای آن نیز باشد و از زمان پدید آى خود هم حکایتی داشته باشند .

این گوناگونکافات و طرح های بنگانه در آثار تاریخی - تنها اثر تاریخی بوداى کار میند بهتر نسازند بلکه از اهمیت تاریخی و هنرى بکاردهى آن بقدر کافی کاسته و آن را از لحاظ هنرى و مهندسى در یک سبک قیمت نامساعد بزاگنده و نا آشنا قرار میدهند .



این طرح های انکشافى بنگانه در دو بخش درونى و بیرونى مسجد جامع بدینگونه بکاررفته اند :
۱- بخش درونى :
 الف :- سنگرش جدید و نیمه کاره صحن و مسجد درونى مسجد بجای فرش خشتى قدیمى سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندى شده اما از رنگارنگ و تون سنگرش (سبک و سبک) اثر بخشى و هماهنگى لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا بوده نمیتواند . شاید استفاده و بکار برد نوع کاشى بارنگها بیکدیگر تزیین دیوارها و کلدسته ها - (صلی ها) بکار رفته در تری - کب آن مؤثر تر میباشد . و از سبک بعمد پنداشته میشود که تقابل و تفرق (*Contrast*) بتواند جای بهتری داشته باشد .

اگر از فراز نام مسجد جامع - در زمینه ژرف نگریسته شود ، این انگاره نادرست جلوه مى کند که تقابل و تفرق پدید آور زیباى سبزه پین شده با هند و باز با بودن دستگه بجهت کسا - شى سازی در مسجد جامع - مورد نیاز نمیتوانست به آسانى در دسترس قرار بگردد و به تسمیر از همه این صحن بزرگ که دو تا بستان بیشتر مورد استفا ده

قرار میگردد . داغ شدن - سنگرش کاردهى آن را مورد بهر شى جدی قرار میدهد .
 ب :- وضوخانه داراى دو قسمت درونى و بیرونى است بخش درونى از نورکافى طبیعى برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم فعلا مینور بالای آن یک طرح بنگانه از - مسجد است . بخش بیرونى حوضى دارد که در بنگانگى - مطلقا محیط خود قیاز - دارد . آب هردو بخش زهبر پوشش وضای نیمه با ز قرار دارد و در واقع کشتزار جانک ها و نباتات آبی اند . این مسئله عدم لزوم چنین شوه بکسار گهرى و وضوخانه های بویژه از لحاظ صحن مین میدارد . در شرایط معاصر اینگونه مسابیل با استفاده از امکانات جدید آبرسانى بهتر حل شده سنى تواند .

۲- بخش بیرونى :
 الف :- پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهرین شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادى نماز و دیگر مراسم و ارتباط است . چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره مشاهده اش میکنند . بحیث تفریحگاه نیز از آن استفا ده واز لند سبک (*Landscaping*) با تزیین ساحه ضعیف برخوردار -

داراست .
 چون این جایگاه راعاه - مردم احترام زیاد میکند ازنده و بهر مین بنیاد بوده که انکشاف و آبادى های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندى مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن (از هر چمن ستن) اخت . بجان اینکه داراى یک چشمه ل پلان انکشافى میند سى باشد . چون انکشاف مین بخش هم در بنگانگى مطلقا از سبک مهندسى مسجد شهر نموده - بنا میند . نا آشنا این قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد . در چند دهه اخیر در - دن این پارک کارهاى بهین انجام شده است .
 الف :- احاطه در دور حمله در مرحله اخیر کتاره و ادخال های قلزى ناموافق که احاطه یک مسجد و بهر حال این مسجد بوده سنى تواند بالای احاطه خشقى - بهین کار شده است .
 ب :- حوض های وضو گهرى داراى نل های بد شکل جانسی و بزرگتر ساختمانى بنگانه و دارنده جانک ها .
 ج :- اتاق واتی هم داراى بزرگتر صنعتى نیا .
 بقیه در صفحه (۸۴)

مسجد جامع هرات

نما و دورنما

هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سخت میسازد .

تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانزیر لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و ثابت نگه میدارد .

تبصره :

موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

تمرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با - شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)

یوگا

۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.
۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

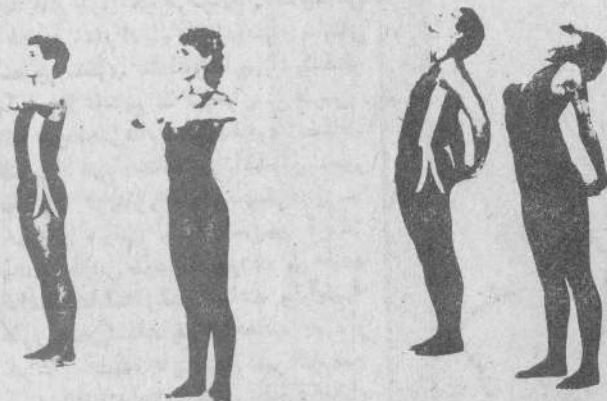
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تبصره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشننگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تبصره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزنها انکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف بوسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انچ پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد.

استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.

جنگی اصفهان

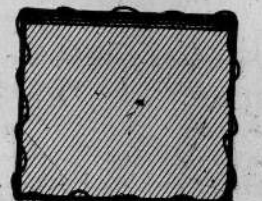
نوشته بود من اگر عطار و ابلیس فروش هم بودم
برای تو ابلیسوی فارس مرا که یگانه داروی -
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن
مرغی بمیری و نواده چنگیز در جهان وجود
نداشته باشد .
و صول نامه مزبور مرا خشک کن کرد و
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه
فارس مدتی است مغرور و خود پند و
نادان چون اگر نادان نبود در جواب -

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم
ترین شهر عراق است بپزها شنیده بودم
و میل داشتم که بروم و آن شهر را ببینم یکی از
علل حرکت من از خراسان در فصل
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای عزم
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به
اصفهان برسانم من نمودارم بعد از -
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهم کرد و
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان
منصور مظفری سلطان فارس را در کف
بگذارم (توضیح - در تواریخ فارسی
نام این شخص شاه منصور مظفری است -
مترجم) شرح اختلاف من با سلطان منصور
مظفری از این قرار است : در سفر دوم -
خراسان ، وقتی وارد آن سرزمین گرد -
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده
داشت که کسالت از کرم میباشد و اگر ابلیسوی
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در
خراسان ابلیسوی فارس پیدا نمیشد من
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه
که با کاروان - ریح السمره را با من برای تو
مقداری ابلیسوی بفرستد .



بیننده

بازگشت



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه
مزبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد
کسریان و فارس برساند .
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء
النهر براه افتادم و وارد خراسان شدم
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار
نفری تقسیم کردم و فرماندهی دو واحد
را بدو سپهر خود واگذار داشتم فرماندهی واحد
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به
راهی عزم بسوی ری نمودم و من آن راه را
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری می گردید آن شهر را مشروب می کرد
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم
در زمستان زلزله ای مهیب در هر بلوچه در
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته
بودند هنگام زلزله از شهر خارج
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می
کرد بدم قشون کشی من وضع جنگی پیدا
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول
دوم پنج فرسنگ و من طایفه دوم و قشون
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه
ها و همپسین عقب در اوان موظف بودند
طرفین را در راه تحت نظر بگیرند تا مسا
از جناحین غافلگیر نشوم از روزی که من

وارد ری شدم راه اصفهان را بستند و
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان -
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل
گیر کنم تا اینکه مجبور به توقف و توقف
اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میسر
آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم
و سزای سلطان منصور مظفری را در کتاف
بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون
نشی بفارس بگذرد گواهی ندیده بودم -
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی
آید ، زیرا علاوه بر (زاینده رود) که از -
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که

فمن تابستان و پائیز خریه داری می نمایند
بدین ترتیب که در اقل راد رفس تابستان
ابتیاع میکنند و خیزم راد رفس پائیز و خنک
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار
ری می نمایند لذا توانستارند اعتبار که
اصفهانها به بزودی از کرسنگی از یاد آیند
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز
خواهد شد .
من نمی توانستم یکصد و بیست هزار سرباز
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم
خیلی ماضی نبودم . من میدانستم که در -
خوزستان دشمنان سرسخت دارم که اگر -
بعین دسترس پیدا کنند مرا با سخت ترین
شکنجه ها بقتل خواهند رسانید و نیز اطلاع
داشتم که در آن ریایجان پادشاه نوریست

بازگشت

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال
و پادشاه آن ریایجان با هم متحد شوند می
توانند یک قشون نوریست علیه من بسجج -
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر
کار اصفهان را بپرستم . ولی صدای کلنگ
زدن ما تو جه اصفهانها را جلب میکرد و طول
نمیگذاشت که از بالای حصار مشعل هاشی که
بطناب آورخته بود نمایان میگردد و در سای
حصار را روشن می نمود و صد کلنگ
های گران ، سرسپازان مافروید میآمد .
من از جنگ اصفهان یک آزمایش دیگر
تصمیم کردم و آن ضرورت تر بود
شاهین بود . و طبقه من وارد اصفهان
شد پیشا هدیه کردم که روز ها ، دسته
ها می از کبوتران در آسمان شهر پرواز -
میکنند .
اهالی سده میکنند که اصفهانها
خیلی به نیتور علاقه دارند و از کودکی کبوتر
ان را تربیت و اهلی میکنند ولی من دانستم
که کبوتران مزبور سوله انتقال خبر از نقطه
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها
بوسیله کبوتران نیز پند شدن من بشهر -
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده

کردند و بعد نبودند بوسیله نیتور از
بلاد دیگر کبوتربخوانند . عادت کبوتر
این است که هر جا باند بسوی آنجا
پرواز می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی -
اصفهان رها نمایند ، بسوی شهر پرواز می
کند و وارد آسیان خود می شود . گاهی فکر
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدهم
وراء فارس را پیش بگیرم و جنگ پادشاه فارس
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود -
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید
راه مراجعت مرا قطع نمایند .
گاهی هم با خود میگویم بماوراء النهر
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور
من مانع از این بود که بدن کشودن شهر
اصفهان مراجعت نامم .

در بهار سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب -
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم
طول داشت و درای سصد برج بود و از -
پشت حصار اریه عبور میکرد . هیچکس
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده
بودند .
پیش نماز قصبه (سده) برای نقل -
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیمبر
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی
گفت که نوح پیمبر قبل از طوفان -
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه
افتاد . ویران کردن آن حصار حتی به
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای
اینکه خیلی غصاحت داشت . معذای برای
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم -
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی
از سپاهان خود را وارد شهر نمایم وقتی
سپاهان من وارد اصفهان شدند در تمام
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام
جانوران را از فرط گرسنگی خوردند بودند .
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند -
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در -
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . پامداد
آنروز آفتاب در دهن و حد آزان هواستور
از ابر گردید . و باظهور اولین باران -
پانجمی باریدن گرفت . و پیش باران ما را
از بیت میکرد لکن بجنگ ادامه میدادیم .
ادامه دارد

احیای کتید

هند اصلاً تا عهد اردبیل چسرا که میگویند بخاطر آرزای بودن قیمت آن تا حیران ادویه به کپنی هانر میسر میدهند که مثلاً اسپین ۵ ایتالیایی و کوئو امکا نول ۸ ایتالیایی تهیه کرده بفرستد اینکه مواد آنرا از چی می سازد مهم نیست در همین رابطه است که نزدیک است ادویه های تولید شرکت هونست فارمی ساخت وطن که خیلی موثر و مفید است از بازار بیافتد بجای چهل

تابلیت ویتامین یا مسکن هندی ده تابلیت از همین نوع ساخت وطن موثریت بیشتر دارد در حالیکه قیمت آن نیز می تواند اقتصادی تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنابر بلند بودن قیمت آن مردم ترجیح میدهند ادویه ارزان اما غیر مفید و آخریداری نمایند اغلباً هشتاد پان بیسواد مردم مانی که از اطراف می آیند ادویه تاریخ تهر شده را بدست میآورند که حتی سبب

مسجد جامع کرا

۱- مناره یادگاری (مونسو - منت) دارند و وجود غیر ضروری
 ۲- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت
 ۳- تشناب های عامه و چاه همیق جدید (دوراز خصوصیات ماحه)
 ۴- حوض های تزئینی با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هیچگاه زیست بخش و ظریف بوده نمیتواند و نام هیچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت

خدمات و عناصر بسیار شده بالای شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد باشد استفاده از امکانات تکنیکی و یا تفاوت ارتفاع (تفاوت بهشرا از ۲ متر در سطح) در زیر زمین بکار گرفته شوند تا هم سوا می مهندسی این بخش زیبا بهم نمیخورد و هم ناموس ترازان بدست میآید
 همه و همه اینها اهدای خوب و شریفانه می بوده اند که جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پیراسته ساختن این شاهکار جاودانی، از نگاه اهمیت تاری

مرگ بیمارشان میکردند
 رب پادشاهان رومی
 که از دستها به اینسو ماجرای دور دراز را از سرگذشتانده است هنوز در انواع قلبی خود وجود دارد به فروش میرسد
 در اکثر منازل بخاری ها و اشتوپ ها و در اکثر جاهها ماشین موزنه خراب شده اند چو که در تیل آب مخلوط میکردند و این آب آفت ماین الات است که چقدر ضرورت دارد خدا میداند؟ قلی روشن های که با کچالو پر می شستند همزکم نیست اگر بخواهی برای ساعت باراد بوی پاکدام و نسکه دیگر بگری بخری حافظت نمیشد بیوانی بخری امیل پیدا کنی و این امر انواع آن قلبی است و بهتر از چند روز کار میدهد
 و سرگام باین همه تبلیح باید کرد؟
 بهتر است ساختن
 مردم را از طریق اعلانات و تبلیغات

بلند پسر • شاروالی کابل
 از تادرنست ن راکترو
 کند باید جلو تقلب را بگیرد
 ترازوی که بی انصاف است
 ود وست وزن نمیکند ترازوی
 قصابی که پیش از گوشت انداخته
 شده چربو دارد باید مجازات
 شود • اجناس فروشنده گان
 باید در بازار چت شود آنچه
 تا این گذشته و غیر صحت است
 باید از بازار جمع آوری شود
 و نظایه هر مشغری ماست
 که هنگام خریداری نیاز مندان
 انسان را در انتخاب اشیا
 و اجناس مورد ضرورت شان از
 نظر درست بودن و صحت بودن
 کم کنند آنچه ندهند که بدی
 فروشنده های بی انصاف
 خان به چشم خریدار سباده
 و خوش بایر پیا شد
 • لطفاه به دوستان و نزدیکان
 همکاران و مسایران شود
 پیوسته که در مردم و در هر
 خرد محتاط باشند چرا که
 این بازار قلب جقدر رنگا
 رنگ شده

یخی، مذهبی، هنری و مهندسی مسجد درست و بجا بکار بسته نشده اند و حتی از ارج و بهای مهندسی و هنری آن کاسته اند هر کاه کسی به این بخش چشم بد و زد همای یک مو سه ساختمان فراروی او سبز میشود تا الحاقیه یک مسجد نگریستن به این واقعت آشکار می سازد که یا مهندسی مین مراجعه نشده و یا مهندسی روی بعضی موا مل مجال و امکانی برای طرح های موافق و موثر نداشته اند
 این گونه برخورد های شتابزده در برابر بنا ها و ساختمانهای دارای اهمیت تاریخی فرهنگی و مهندسی و موزیه در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ هرات فردایی نخواهد داشت چنین مسایل از چند نگاه مزایه برپاد شده می بالا زمان های اقتصادی زیاد رانیزه بار میآورد
 ۱- اعمار طرح های نا

موافق
 ۲- تخریب همین طرح های ناموافق در آینده روشن فرهنگی
 ۳- پیاده نمودن طرح های موافق دوباره در آینده روشن فرهنگی
 بمنظور جلوگیری از برهم زدن همای فرهنگی و مهندسی آثار تاریخی که در واقع بیانگر تاریخ و فرهنگ هر جامعه بگونه مادی آن اند و جلوگیری از زیان های فراوان اقتصادی ناشی از بی نظمی بر خورده ها ضروری و حتمی است تا صلاحیت طرح و دیزاین و اعمار انکشاف مهندسی آثار دارای ارزش های باستانی و هنری به اهل فن و مهندسی که به تاریخ و اثراتشان و علاقه دارند داده شود و باید هر اثر قابل ترمیم و انکشاف دارای جنرال پلان و یا دورنمای انکشافی باشد و این مسئله ای است که اندک توجه و دستوری به آن نبوده است

بیار و جتنجیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگرس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن در رد تابه راه هنوز هم بیشتر و خویتر رهبری شود.

شرح مختصر زنده گی ناراسیمارو :

پامو لاپتوری و ینکاتانارا سیماراهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشنیده و ژورنالوست و حقوق دان و معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی پی وی صدا میزنند و همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگریا لانت اندرا پرادیش دید. به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون های عثمانیه، بیثی و هنگ کونگ و دیرجه لوسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پگر شهرت و اعتبار او به ثابۀ انسانی که بنفدین زبان را میدانند سایبر استفاده ها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانیهای انگلیسی و هندی سانگریت و تیلوگو، کانادا، امراتی و قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ولی را از زبان مراتی به تیلوگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را نوشته

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راجع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسامبله اندرا پرادیش بود. در ضمن مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود راه اسامبله کندید کرد و چندین بار بازم از همانجا وارد اسامبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجیو ریوی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد. به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمارو احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع را به آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگرس مکن العمل مثبت نشان داد.

آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

کیا بی طرف ...

گفت: راه مدین افغان جدا و راه مدین مخرع جداست. کارهای ما می ارتبالی با هم ندارند. اثر مدین افغان مرا همکاری بر منهایی کند همکار را من پذیرم آن هم به خاطر خدمت به مردم و ملی رفته های ما از هم جداست. کسی که کسانی شمارا در قسمت کارهای تان مساعدت نموده اند؟

— من هرگز یک های استیفاء دان پوهنتون کابل را فراموش نخواهم کرد مخصوصاً کمیت استاد مانی را نمیتوانم بدست فراموشی سپارم و در کار آن ها دوتا ریه نامهای طاهر و حاسی حمعه آن در قسمت ن و دیزاین به مانی به سنی مساعدت بولی کرده اند. از این هسینه مشون با هم بود.

— آهای زینه آری بهتر از خارج

از کدیر و پیشبرد کارهای تان چه اد کرده است؟
— چندین سال قبل که امریکایی ها به وریا بودند به سنی تان ازین خواستند تا با امریکا تان را به انترناتم را در امریکا انعام نموده س چینه اد ان با را در نمود.

— تسبیح در مساحیه های تیلی تان خوانده ایم شما بیست مانی بیل سازی نیز اختراع نموده بودید که روزانه صد ها بیل تولید مینمودند در این مورد لایقاً روئین بیند ازین؟

— زمانیکه مانی بیل را اختراع نمودم فکر کردم که توانسته ام تسبیحات را برای دهاتین و دیگر هموطنانم مهیا نموده ام

اما یانا ست هیچ عکس العمل و تشویق را در مقابل ندیدم و آن ماشین را برای کسانیکه خواست خریداری آن را داشتند فروختیم.

بعد از ختم کلام متوجه شد که باید دیگها را از زمین دایر بگردن آورد قبل ازین که به بیخ لایقاً روئین ها بروند گفت: سنی چیزهایی را بیجان که مردم هموطنانم به آن ضرورت دارند.

یا تان به تان به لایقاً روئین رفتن زمانیکه روی دیگ را برد داشت و اتعاه جانب بسود دیگ شوریا محو میزد و بیجان دین ریخته شده بود که همه را متحجب ساخت.

بسیاری از اطفال ها اطفال
 نثارا قبل از این که به کو
 کستان بیاورند عادت داده
 اند تا به گونه ریشو بر سر ای
 شان از بازار مکتوب خوردنی
 بخرند تا طفل شان بارها به
 به طرف کود کستان بیایند
 اما اگر روزی همان کار صورت
 نگردد کودک یا طفل با راهی
 شدن به طرف کود کستان
 به گریه می افتد دیگر این که
 بسیاری از کودکان در روزهای
 اول که به کود کستان میایند
 نابلد میباشند از همان سبب
 با آمدن به طرف کود کستان
 ناراضی می شوند میشوند اطفال
 به نشان داده است که این
 گونه اطفال پس از مدتی بسا
 کود کستان چنان انزیم میگردند
 که حتی با آمدن به این طرف
 دیگر خدا حافظی را با والدین
 خود فراموش نمیکنند در لغیر
 از اطفال نورستانی مسلمان
 کود کستان دوستی در مسجده
 آن چه که اطفال در کود کستان
 میآورند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نیز
 برای مدتی رخصت گرفته است
 با ظاهره ظاهر مساوی
 کود کستان ستاره بعد از یک
 صحبت کوتاه به طرف منسوب
 کود کستان راهی شدیم
 معلوم میشد که
 معلمان همه با چندی بلندی
 اطفال سوگرت اند و غویایی
 آن دادگر برای شان خسته
 گشته نیست با بدین مایکی
 از معلم ها آمد از خاموش
 باشد ، برای معلمان سلام
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد
 یک صدای داد زدند سلام و هر
 کدام آمدند آمدند در سوار
 به جاهای شان نشستند من
 با ستاده از وضع پرسیدیم
 رابازگردد و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی
 را داراست ؟
 - ما خانه باید گفت که استند
 بسیاری از نواهران ما کسه
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب
 دارند ولی در برابر کودک شان
 برعکس عمل میکنند بعضی
 لباس طفل اتوباشند و کتیف
 میباشند و به شکل ستوان قبول
 کرد که طفل از او است سپس از
 ماله دوست معلم دیگر
 کود کستان ستاره پرسیدیم که
 هدف عمده کود کستان چیست
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟
 نخر غذا یک ضرورت است
 اما در کود کستان التین بر سر
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق
 نمودن اطفال به خواب ، سا
 مت تیری ، بازیهای حقلایه

نداشتند و اگر چند شاگردی
 هم گماستند همه در خواب اند
 مام سخنان او را گوش داده
 روز دیگر مراجعه نمودیم
 با داخل شدن به صحن
 کود کستان مگر میشد کسه
 کود کستان روز قبل نمیشد
 معلم ها و شاگردان با جدیت
 و نظم صرف کار بودند بسا
 استفاده از موقع در صنف های
 این کود کستان قدم گذاشتیم
 در صنفی که داخل شدیم معلمی
 به اسم حضرت نیاز مصروف
 صحبت با شاگردان بود بعد
 از معرفی بوالاثنی را با او مطرح
 نمودم که سخن ماله بسا
 پاسخ ما را ارائه نمود
 مثلا از حضرت نهایی خواستم
 تا در مورد بازیهای شان
 در کود کستان چیزهای بگویند
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله
 چنان پاسخ داد : نداشتن
 سامان بازی و مواد درسی یکی
 از بازیهای عمده است
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب
 ب کود کستان می نمایند ؟
 بازم ماله جان چنین گفت
 نقلی راه مادرش در راه باشد
 و بی سر باشد نسیم که شنیده ایم
 بعضی شاگردان مکتب را بسا
 اثر شناخته بواسطه های
 کود کستان پس از وقت مکتب
 جذب می نمایند شنا چند شاگرد
 یکی را بجز ب نموده اند ؟
 - ماله هیچ شاگرد مکتبی
 ندانم این حرف یکی غلط ط
 است در حالیکه ظاهره ظاهر
 معان کود کستان ستاره در مورد
 جذب اطفال مکتب به کود کستان
 ها چنین گفت :
 - ما تنها اطفال معلمین کود
 کستان را در مکتب میبریم که بسا
 موافق باست کود کستانها
 خصوصاً داده شده در کود کستان
 ستاره جاداده ام که هیچگونه
 مشکل را برای اطفال کود کستان
 ایجاد نمی نمایند در حالیکه
 صالحه میاندید کود کستان
 شعور قدم به قدم ما را حسرا
 می میکرد از او خدا حافظی نمودم

معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه (۲۱)

با پلا نهدی پاسخ داد :
 در کود کستان اطفال موسا
 یکبارهای مدتی و محاسبه
 سازی و سرش کاری خواندن
 زیورین شعور ، نزاع ، کتا
 برا گوی روش ادبیات با اطفال
 و بعضی معلومات آسانی بسا
 در نظر داشت من شان آشنا
 میشوند و با ناطقی که توانستم
 ام این امکانات را برای شان
 حسر ساخته ام
 بعد از ختم سخنان محترم
 ناطق نورستانی از پی تشکر
 نموده و پس از این ساعت
 کوتاه وارد کود کستان ستاره
 گردیدیم
 این کود کستان گریه
 ریخته میباشند تر نسبت به
 کود کستان درستی به نظر میآمد
 اما سلبه و نظارت درین جا هم
 کاملا برقرار شده به چشم
 میخورد ، با پیروان در بازیهای
 دور و دراز عقب در مساوی
 رسیده با تا تک باید گفت که
 در هر دو کود کستان آمین شان
 تشرف نداشتند یکی به خارج

ز اندم از جمله معلم صاحب
 ها یکی مسرور امام را تا به
 نمود دیگری سرخسور استند
 و آن دیگر نسیم نبود ناگروه
 هر معلم شیر خوار گناه
 کود کستان ستاره در پاسخ
 یکن از پرسیدیم گفت بعضی
 جار و جنجال های خانواده گن
 بر خاست مادر و پدر و از همین
 ثعل حالات تاثیر مستقیم
 بالای روان کودک دارد ، ما
 داشته ام از همین گونه
 اطفال که روح امیض بوده اند
 همان حالت پزیرنده کی طفل
 هم اطفال دیگر را نیز متاثر
 میازد ، این وظیفه معلم
 است تا چه گونه طفل را از تشویش
 های روانی ، خشکی و دلنگنی
 برهاند زیرا راجحان مسامح
 سازد که طفل همه تشویشات
 درونی را فراموش نماید تا گتسه
 نماید گذاشت که سلامت نمودن
 خلی خوب زنده کی بسیاری
 طفل در قدم نند و وظیفه
 با لطف اوست
 پرسیدیم تسلی مادرا ن

و نشان درسی این ها همه
 پلان هایست که باید بالای اطفال
 ل تطبیق شوند
 رحمه مشخص معلم دیگر
 کود کستان ستاره برای مادران
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه
 یک دختر مادر میشود باید
 بیشتر از همه متوجه صحت ، نظا
 لت و تکوین و بیماری طفل خود بسا
 شد در ضمن آن طفل کیویدهای
 راه در وجود خود احساس
 میاید همه تا تیرا صوفی نشی
 اند که آینده طفل راه خطر
 میاندازد در غم حرفهای
 معلمان کود کستان ستاره
 ره مان را به طرف کود کستان
 شعور و تمهین نمودیم ، سلامت
 دریم پس از آنکه بود و تن
 به امیض آنجا مراجعه نمودم
 با ماله میاندید آن کود کستان
 معرفی شد سخن ماله
 جان پس از معرفی و ختم
 سخنان ما از او خواست تا
 روز دیگر به آن جا بروم چه
 به گت خودش از طرف
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد

بقیه از صفحه (۶۱)

آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفتندم که در هر دو رشته قهرمان میباشم .
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟
 - بلکنی میکند و با جسم میگوید به تصور من سوال شما از این نکته منشاء میگردد که من یک دختر استم .
 - نخیر ، های-چنین حرفی در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .
 - خوب ، بشنوید]
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیت که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل میباشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران را تا حاکمیت عام تمام بالای میدا ن داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میا شد .
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمیتکم و اما در این زمینه از - تیمران خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدم دوم پشت کار و حاضر بودن خودم به شکل منظم در تمرینات بنات میباشد . مو صوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را حایز شدم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره و یک کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایت نماید .
 - یکماه قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با تیمهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتنتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فد را چون آن کشور برام داده شد .
 - در اخیر اگر پرسشی راطرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام رابه دست من سپردید با استفاده از فرصت میگویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی درلست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه دارم و اما اندکترین توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نشده است و - موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

د (۳۳) سخنی را اخذ و بفرماید ...

((داهلك لوتى دى . نيه به داري چى كوك بل شونمى تهنى ولبزو))
 هلك وويل :
 - ((و لوتى نه يم . راصه چى دهنه شتن سري ماهى نه ورشو او كوتى س وگورو نه به حتما وويى چى دهنه د كوتو شاو خواز نداد يلا رله غوتو جوشوي او ياشى چى دهنه دوه سترگى او پوزوه زوز د كوتو به تلى پوري نيشى وي))
 مدير وويل : ((و عقده لرم چى دا كوچنى لوتى دى...؟ محسن سواب وركر :
 ((دهنه لوتى نه دى . ما پخيله هم خو واري خپلى كوك نى دده يلا رله ووري دى ، خو دوروستى بل لپاره كلكه چى وولم ، مانه سى وويل چى م شوي دى))
 دهنه خنگه م شوي دى ؟ يو وى دهنه فونشل چى به سوه كوتنه كى مخ وويى . كلكه سى

چى كار پاكه ورخته وى ليدل چى خپل كوتى س تو - كلې دى . تا سو وگوري ، دهنه داسى محكم سندان وهلس وويى چى نژوي ووسندان سوري شى دهنه لاسره سندان پوري كلك نيشى ووي او تول دهنه خلك چى په لپاره تهنيدل ، مرسته سى ووسره ونگره ، هوگوى ، له ده سوه چى مرسته ونگره او دى په سندان پوري نيشى موشو ...
 مدير محسن نه چى دكوك چنى تر خنگه ولاړ ووي ، وگل . دهنه دواړه داسى پويول نيشى ووي ، چى تا به ويل دوا - ره سوه بو دى او مدير خپل - سر خو واري سى له دى چى وواى ، وپوزواوه . بيا بېرته وركوميد او په خپل بسه خوگى كيناست . دكلكه پانى سى دسزه سوه واخيستى او خو شپى وروسته به سى دسترگو له كوتنه محسن او كوچنى هلك نه وگل .

بقیه از صفحه (۵)

مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت بمشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار موصوف از کابل روزه عقد هار گردید در فزانه سران قبايل مختلف چون محمد آخان هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توری ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزای ، نور محمد شاه خان قزلباشی ، محمد اسلم خان بلوچ ، حاجی محمد یعقوب خان توخسی و یک عده دیگر از خوانین و علمای روحانیون تا شهر قندهار زهر شمار های اتحاد و همبستگی در صفوف مبارزین پیوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فقهی قومی و منطوقی چون مفت واحد علمیه در ضمن مبارزه پرداختند و به این ترتیب وحدت ملی مردم افغانستان که توسط رهبران ملی تبلیغ میشد تا - بانگر پیروزی تاریخی آنها علیه استعمارگران انگلیس بود . این اقدام پررسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد . لذا دیده می - از همه پیش در امر استقلال کشور روی احساسات پاک و وطنپرستی مردم خطاب میکردند که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .

صورت کبره و پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاکستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف زهر سندی بمالید .

۶- مالش دادن یک توتبه مکعب شکل پنج پاک قبل و بعد از برکنده موی علاوه بر جلوس گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنای کاهش میدهد .

ازموهائی که رنج...

بقیه از صفحه (۵۷)

در مراحل بعدی میتواند برای همیشه آنرا از بین ببرد . طرز استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد .

ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هموار نموده و اندکی انتظار بکشید تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل رو بیدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست .

شوره دوم آنست که سوم گذاخته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هموار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک شسته و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا بادا کتر جلدی تمام گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت - معماری بپایند بوده و بیشتر اهدت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پیشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساچه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نوزده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

هنگامه واکسینه :

بهترین موم نرتهن شوره نجات از پرمی مخصوصا برای پاهای با زوان زهر باروان - غلبه واکسینه است . که - رو بیدن موم از کم تا دو سه نامکن ساخته میتواند البته

دوم مخصوصه بانامهای گوناگون می و تجارتی به همین جهت تهیه شده است و اما شام نیز میتواند آن را به سهولت از ترکیب مواد ذیل تهیه بدارید .

گرم - بوره بودرشد . . .

آب یک گلاس .

جوهر لیموی ترش (بیشتر) یک اسید) یا قاشق چای خوری .

گلسهین نم قاشق .

آب را تا زمانی حرارت - دهید که بوره کاملا در آن -

تل شود . نمیه آن تبخیر خواهد شد . جوهر لیمو را با آن یکجا ساخته تا وقتی که به قوام موم برسند حرارت دهید . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق گلسهین به آن علاوه نمایید . دیگر واکس تهیه شده قابل استفاده میباشد . تست حساسیت مانند قبل - حتمست .

الکترولیز :

شوره مدون از بین بردن موی آنست که باید تحت نظارت متخصص و یادا کتر جلدی مجرب صورت پذیرد . زیرا - خالی از خطر نیست . الکترولیز به شش - هفت گزیده متفاوت از فرستادن تداوم جریان - برق به فولیکول موی و بسیار د بیاز موی قطع راه تغذی - مسدود ساختن مجاری ارتها - طی موی باغشویت و سوزاندن شاقه موی صورت میگردد . این راه از بین بردن د امی موی است و اما یک بار دیگر قابل هشدار است که باید با آن حد اعلا احتیاط و سواغات هدایات تخصص جلدی در - نظر گرفته شود .

به خاطر بسپارید که از بین بردن موهای اضافی به این شوره برای مصابین تکالیف قلبی د پایت (موی شکر) و دختران کنتراز سن شانزده مطلقا ممنوع است .

پس از بین بردن مو با شوره - الکترولیز باید تمام بدن را - حلقه ها کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولا به خاطر پوها - ندن بر موی ساعد از موهای زیاد استفاده میکنند که به دلیل ذیل باعث زیاد شدن موهای این ناحیه میشود :

عملت تحمیک پذیر - و متعدد رفد موهای ساعد در برابر تماس های مداوم با چوبها .

در سایه قرار گرفتن ناحیه - تفرق مداوم پوشش .

مواجهه شد . رفته رفته حلقه مخفی سیاسی به شکل علنی به فعالیت آغاز نمودند مشهور ترین این حلقات به گفته نویسنده افغانستان در مسیر تاریخ دو حلقه بود .

۱- حلقه که خود را "جوانان افغان" نامیده و سرام تند تر و دست چپ داشت و اعضای مهم آن عبدالرحمن - لودین ، تاج محمد خان - پغمانی ، فیز محمد خان ، باروت - ساز و میرغلام محمد غبار بود .

۲- حلقه سیاسی که از طرف میرمحمد قاسم خان رهبری میشد و در آن عبدالهادی - داوی ، فقیر احمد خان ، مهد غلام محمد رخان ، پای کتری غلام رضا خان و دیگران شامل بودند .

از جانب دیگر رکابنده اختلا - فات شده بدین مشروطه خواهان و مخالفین مشروطیت بروز کرد این اختلاف نظر ها عمده تا فضا بین محمد و طرزی وزیر خارجه به عنوان مشروطه خواه و عبدالقدوس خان اعتماد الدوله صدراعظم به عنوان مخالف نظام مشروطه در میگرفت در ذهن شاه چنین القای شد که این اختلافات برای د وام شاه مفید میباشد ، محاله تا انجا بالا گرفت که عبدالقدوس

گل

طبله ، هارمونی ، اوشیلیس غزولای ش به ماندولین - اکاردیون از موی همینه لاس گرمی او غزولای درخ - کوهی .

گلزمان ، دینتو موسیقی لوال اودغی موسیقی خد - متگاردی ، دی دینتو - اصلی موسیقی خوشبوکنسی او به او نیکی به بی دودی خوشبوکنی اولاری دی اوحتی دغری موسیقی تمام دستند و

بقیه از صفحه (۷)

نهیضت

خان صدراعظم طی نامه از شمس المشایخ و نورالمشایخ مجددی برادرش خواهان اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد .

چون اهداف برنامه مشروطه خواه با به قدرت رسیدن شاه امان الله پا در هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از پهلوی کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقاپرهت را به جای آنان گماشت و در پیبرفته اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود گرفت علاوه محمود بیگلر بگریزی از وزارت خارجه معزول شد ، محمدولی خان وزیرخبریه از پست فعال وزارت خبریه

به و نیغه تشریفات ، کیا شاه گماشته شد ، عبدالهادی - داوی وزیرتجارت از کابینه استعفا نمود و میرمحمد قاسم خان از امور مهم مملکت دور ساخته شد .

با این حال شاه در جرگه ها و گرد همائی باعکس العمل های روشنفکران رو برو میشد . غلام محی الدین خان آرتسی و کهل انتخابی کابل در لویه جرگه (۱۹۲۸) فریاد کشید : **گمشترت!**

مادامیکه این وزرای - مشهور با قضا دشما تا پای محاصرات در مملکت میکنند .

برای شاه موقعیت دشواری پیش آمد حکام و مامورین فرصت طلب که به عوض مشروطه خواهان کرسی ها را اشغال کرده بودند بدون هیچگونه احساس مسرولیت به چورو چپاول و مکیدن خون مردم مصرف بودند که پیا مد آن

زمان

به جورولو کی کارا خلی . گلزمان به نایتمستوالو - نوکی گدون کری دی دمنگستان به نیتوال کی بی افتخاری دیلیم ترلاسه کری . گلزمان اوسر به نیتوکی دغزل موسیقی دودی به خاطر نهاتن هشی کوهی ترخود پشندوخ برخه موسیقی هم خیل لهمان لور نمای به روسی دده دغه هشی بی گسی نه دی هما - فسی چی دده دینه استعداد له برکه دده شعرت او محبو بیت نهات دی نودده دکارله برکه به دینتو موسیقی و له هم مکه هی .

نارضایتی مردم از شاه بود . شمارهی غریب که شاه از اروپا با خود آورد ، بودیا - واقمیت های زنده گی ، احصا سات مذ هبی و عرف وادات سستی مرد . موافق نبود بنابرآن تحریکات انگلیسهارا خوتر توجیه کرد ، میتوانست گذ شم مناسیم و تمهید مس - بندیم که به شکایات خورد و - بزرگ از طفل بی دندان گری - فته تا پیر مردی که آخسین دندانش را همین بالا شدن به سرس از دست دادمانده و وقعی نمیکد ارم .

به اثر سعی و تلاش منمو - بین اهمیت جمع آوری بیستکارت مد بهت مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و - بیستکارت های مفاخر اخلاقی و کلتور از نزد " متن پرورد - بزرگ دوست " شاکر دصنف ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده و هر به دست آمده ضبط گردیده ششم به چنگال بهره های - نهشدار صنفی هاسپرد شده و فضا تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده گان ارجمند صمیمانه تقاضا به عمل مایسد تا با خواندن این مطالب بر ما خرد و گریه که گریه نکنند .

ملاقات در مسکو

بیمه از صفحه (۴۳)

معددا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری منمود . دو کراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهنیفات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مباحثات گریز پشیمانی به عمل آورد . شاید از همین سبب بود که آقاي بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و پشیمانی اشرا بر پیمانی اصول وانمود کرده است . و بالاخره پشیمانی - ابتدای صلح جهانیه ابرقدرتارالمالین اینها می کند . اگر چه (ستارت) نگران انسانهارا از خطر های اسلحه های دوزخ دوزخه ؛ مکرمتوان گفت که سرفراز خوین برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای سه می خواهد بود .

بقیه از صفحه (۶۱)

اخ

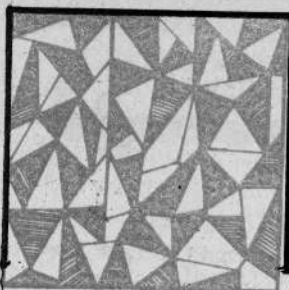
میکردید به امضا رسیده . در متن پروتوکول آمده است : ما هر دو جانب نقره رشوه گیرند مورثه دهنده را مخفیانه بازی نموده از تخلفات همدیگر زهر کانه گذ شم مناسیم و تمهید مس - بندیم که به شکایات خورد و - بزرگ از طفل بی دندان گری - فته تا پیر مردی که آخسین دندانش را همین بالا شدن به سرس از دست دادمانده و وقعی نمیکد ارم .

به اثر سعی و تلاش منمو - بین اهمیت جمع آوری بیستکارت مد بهت مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و - بیستکارت های مفاخر اخلاقی و کلتور از نزد " متن پرورد - بزرگ دوست " شاکر دصنف ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده و هر به دست آمده ضبط گردیده ششم به چنگال بهره های - نهشدار صنفی هاسپرد شده و فضا تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده گان ارجمند صمیمانه تقاضا به عمل مایسد تا با خواندن این مطالب بر ما خرد و گریه که گریه نکنند .

بیمه از صفحه (۴۳)

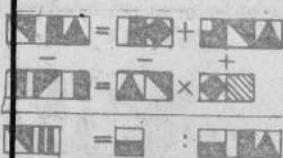
معددا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری منمود . دو کراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهنیفات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مباحثات گریز پشیمانی به عمل آورد . شاید از همین سبب بود که آقاي بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و پشیمانی اشرا بر پیمانی اصول وانمود کرده است . و بالاخره پشیمانی - ابتدای صلح جهانیه ابرقدرتارالمالین اینها می کند . اگر چه (ستارت) نگران انسانهارا از خطر های اسلحه های دوزخ دوزخه ؛ مکرمتوان گفت که سرفراز خوین برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای سه می خواهد بود .



در این آدرسج به ستاره وجود دارد که نامش است -
! اما! اینرا پیدا کنید .



این به نشانی مرموز است
بآن دلیل که نام بی از ایالات
متحدہ امریکا در آن بیستم من
خورد . این ایالت کدام است



اعداد مرموز

اعداد مرموز
در اینجادر مرمج ، نقش
عددی را باری میکند و شما این
اعداد را از روی علائمی که در -
اعتراف آنها دیده میشود منی
توانید پیدا کنید .

حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی :

- ۱- عروس شهرها . دلبری
- ۲- مخفف الیز . دنباله درختی برسر
- ۳- از شهرهای عربستان .
- ۴- از القاب انگلیسی
- ۴- لکه کوچک حرف مفعول بهیواسطه .
- ۵- از اسمای ارضی ، فراغنه مصر .
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد آدم خورده چشیده .
- ۷- حرف انتخاب جمله کتب طلسم ، از حالت دریا .
- ۸- کتاب جمع شده . در یکی از آثار جان اشتاین یک پنهان شده است . فلزی است .
- ۹- خوراکی با تخم مرغ ، از هراهان دوت .
- ۱۰- رسن فلز گرانبها .
- ۱۱- هنریشه فلم بیک نهک .

عمودی :

- ۱- مسردترین نفاثر جهان در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا ، انگلیسی
- ۳- از سران آلمان نازی ، خواننده گلستان .
- ۴- بخاطر سپردن . از انواع خواهر و برادر .
- ۵- از جشنهای باستانی ، از کلمات پرستش تصدیق روس .
- ۶- واعظ در جمع .
- ۷- سنگ تازی ، میزان کر - دن معددی است .
- ۸- از ادارات تابع وزارت کشور ، از موجودات افسانه ای .
- ۹- تکراری از حروف . رویاه صحرا
- ۱۰- نخس ، از خاکهای صنعتی ، از حیوانات مزاحم .
- ۱۱- از مخترعین معروف - امریکایی .

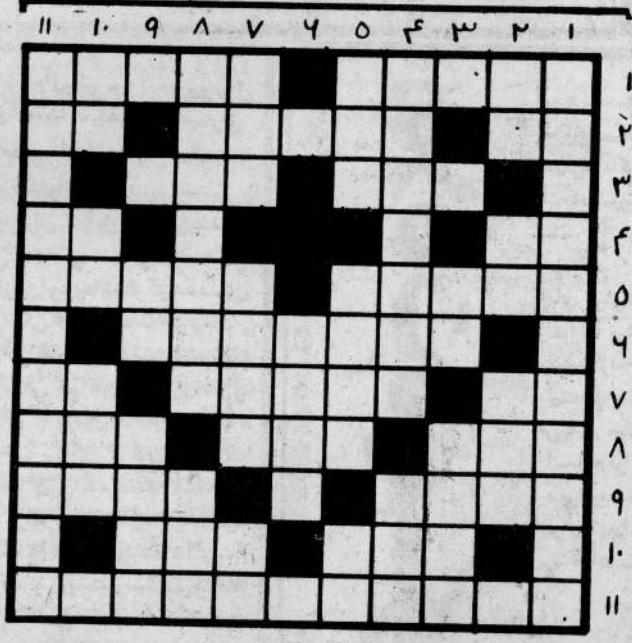
سوالها

۵۵



پند و اندرز

ها

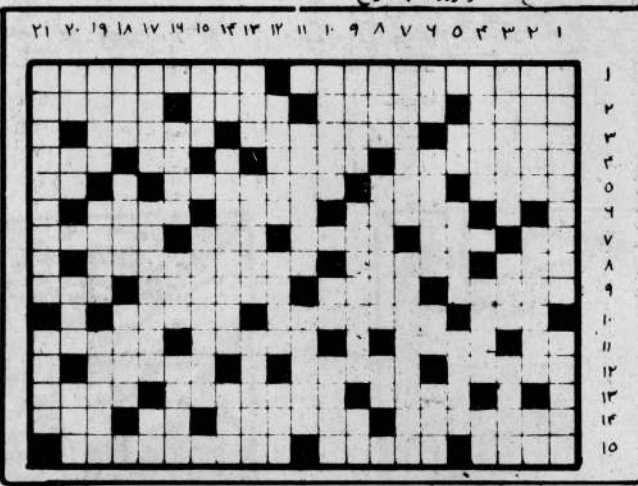


حل کنید و جایزه بگیرید

- ۱- استعجاب احمدی است که مصداق
- ۲- بر سر دریا رفتن بود
- ۳- برای زیبایی آن ورزشی -
- ۴- است - رنگ در دریا موند - مایه زنده گانی
- ۵- تکرار دیدن بود - جنون را جمع
- ۱- شود - در امان و آسوده خاطر
- ۶- آبراهه لعن تشبیه کرده اند سرانجام است و بعد از آن
- ۷- هر چه - بشود و پیش

- ۸- تکرار دیدن و پیش
- ۹- به عذرا غمگین می و زیند - علم به دست دارد - در دریا دیدن و م
- ۱۰- خودی - پیش
- ۱۱- بی میدان و زینان
- ۱۲- وزیران - اثر از آنست که بتوانند
- ۱۳- شراب است - حکمت راست
- ۱۴- پدر مردگان - شماره
- ۱۵- غنا و شرف است - آسمانی
- ۱۶- تغییر در پشت و زان خوانند
- ۱۷- را اداره می کنند - محمود - به
- ۱۸- آیین کریم میزنند
- ۱۹- وسیله تا زنجار - نوعی
- ۲۰- بود کیمیای - خداوندگار
- ۲۱- یک از فنون - آیین تارل
- ۲۲- مارش بوده که اصول موسیقی ازیم
- ۲۳- علمی را تشریح می کنند
- ۲۴- (..... کارها) کتاب
- ۲۵- بیست از لغون - توستوی
- ۲۶- آواز کیبوت است و از سنا مع
- ۲۷- شعری - و دینی دارای اقلیم
- ۲۸- مدیترانه که پرومیس زیتون
- ۲۹- در آنجا صورت می گیرد
- ۳۰- متحرک نیست - پست و فرود
- ۳۱- ماهه - کدام غله جات
- ۳۲- دختران هندو دیدست
- ۳۳- برادرانش می بندند - اولی
- ۳۴- نوع طیاره و دوس همشیش
- ۳۵- نجرا
- ۳۶- فراموش در پشت و پناه گاه
- ۳۷- است و کتابه از وطن - سمت چپ
- ۳۸- مژده دهنده مرکز لاپت
- ۳۹- نهمروز - اول و شروع است
- ۴۰- با پانزده حرف و او
- ۴۱- تکرار حرف پهن در پشت
- ۴۲- میگویند " بودم " از امراض خطر -
- ۴۳- ناک - روز چهارم
- ۴۴- حاتم شاعر که الماس
- ۴۵- کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
- ۴۶- داد - ناف آهوی مشت

- ۱- جسد خرد و موشد - آسمانی
- ۲- در میان سر آب و هوا که -
- ۳- برابر مصالح و زیارتی - بیضا
- ۴- را من مخصوصا - تلویحین میسازند
- ۵- عمودی
- ۶- کتابی از حتم تا سرخسرو
- ۷- یعنی - معنی ما به آن معتاد
- ۸- است و گویند تا نکریت در نندان
- ۹- است
- ۱۰- بر سر می توان دید - راز
- ۱۱- نهدار - نفس در دست
- ۱۲- شهر مهم تجارتی تا یلند
- ۱۳- اسرار زاده اتلوس - در
- ۱۴- مد - نار و تار در سنده - جرم
- ۱۵- دارد - شبید نهنگی
- ۱۶- در زمستان برای تسخیر
- ۱۷- می گذازند - شستن و پاک
- ۱۸- کرد آئین - سبب را جمع
- ۱۹- کنید
- ۲۰- کلوله (لرزه او)
- ۲۱- پروگرام است در تلویزیون - صدا
- ۲۲- و پشت سر هم
- ۲۳- سرزمین ناویزان - برای
- ۲۴- عید می یزند - فرودگاه بوسه
- ۲۵- کلمه فازه
- ۲۶- در دید به عبادت مشغول
- ۲۷- است - سوخ در روز یا چسراغ



- ۱- تکرار دیدن و پیش
- ۲- بر سر دریا رفتن بود
- ۳- برای زیبایی آن ورزشی -
- ۴- است - رنگ در دریا موند - مایه زنده گانی
- ۵- تکرار دیدن و پیش
- ۶- آبراهه لعن تشبیه کرده اند سرانجام است و بعد از آن
- ۷- هر چه - بشود و پیش
- ۸- تکرار دیدن و پیش
- ۹- به عذرا غمگین می و زیند - علم به دست دارد - در دریا دیدن و م
- ۱۰- خودی - پیش
- ۱۱- بی میدان و زینان
- ۱۲- وزیران - اثر از آنست که بتوانند
- ۱۳- شراب است - حکمت راست
- ۱۴- پدر مردگان - شماره
- ۱۵- غنا و شرف است - آسمانی
- ۱۶- تغییر در پشت و زان خوانند
- ۱۷- را اداره می کنند - محمود - به
- ۱۸- آیین کریم میزنند
- ۱۹- وسیله تا زنجار - نوعی
- ۲۰- بود کیمیای - خداوندگار
- ۲۱- یک از فنون - آیین تارل
- ۲۲- مارش بوده که اصول موسیقی ازیم
- ۲۳- علمی را تشریح می کنند
- ۲۴- (..... کارها) کتاب
- ۲۵- بیست از لغون - توستوی
- ۲۶- آواز کیبوت است و از سنا مع
- ۲۷- شعری - و دینی دارای اقلیم
- ۲۸- مدیترانه که پرومیس زیتون
- ۲۹- در آنجا صورت می گیرد
- ۳۰- متحرک نیست - پست و فرود
- ۳۱- ماهه - کدام غله جات
- ۳۲- دختران هندو دیدست
- ۳۳- برادرانش می بندند - اولی
- ۳۴- نوع طیاره و دوس همشیش
- ۳۵- نجرا
- ۳۶- فراموش در پشت و پناه گاه
- ۳۷- است و کتابه از وطن - سمت چپ
- ۳۸- مژده دهنده مرکز لاپت
- ۳۹- نهمروز - اول و شروع است
- ۴۰- با پانزده حرف و او
- ۴۱- تکرار حرف پهن در پشت
- ۴۲- میگویند " بودم " از امراض خطر -
- ۴۳- ناک - روز چهارم
- ۴۴- حاتم شاعر که الماس
- ۴۵- کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
- ۴۶- داد - ناف آهوی مشت

- ۱- شاعر پارسی گو پاکستان
- ۲- شاعر جوان ماهه مینو " در خطا فایده از است
- ۳- دوره زیبایی در میان
- ۴- نفس امر رساندن از حیوانات است فاره است
- ۵- جانوریست - بیهوده جلیاسه که در آب و آتش زیت میتوانست معلوم و دست رسید خدمت مقدس است
- ۶- نشان که ریا می کنند اما بر سر است - کسی را کشته از فلان عدا - سرور بر آغاز
- ۷- رقم را جمع کنید - بد نیست از شهرهای مشهور امریکا سن و سما
- ۸- پایبرگردن است و ممکن استران - نورانی - رعیت واحد است
- ۹- نیم صدای حیوانیست
- ۱۰- نهایت زمان عمر - حد رسا
- ۱۱- هرنگ که گلها را می بوئند
- ۱۲- پشته - پیش از ارباب سورسورا
- ۱۳- نا از آسوی
- ۱۴- اسم بر پا - آخری
- ۱۵- علم بد ستان
- ۱۶- کشتزار - علم نو آموزان
- ۱۷- تخم القاق شده - سلمستم
- ۱۸- اسب نیست - پیشوا
- ۱۹- رهنمون - زیری و باهوشی
- ۲۰- عدمت نعن که در او کلمه میاید و معنی انرا تغییر میدهد

حل جدول

۱۰	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
ک	ن	ز	س	ر	د	ی	ق	ا	ف	خ	ا	ن	ج	ن
ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	س	ت	ا	ر	ا	د	ب
ه	ت	ن	ا	ف	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و
ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ش	ا	و	ر	ز	ز	ز
۲	ز	ز	ز	ز	ن	ی	ز	و	ن	د	ق	د	د	د
۳	م	ز	ا	ی	ا	ن	د	ی	ا	س	ا	ر	ر	ر
۴	ت	ی	ک	م	ج	د	ج	ع	ر	ع	ر	ر	ر	ر
۵	۳	ی	ل	ی	ا	ر	د	ر	ا	ک	ا	ع	ا	س
۶	و	ی	ن	د	و	ا	م	ا	ن	ا	ت	ل	ل	ل
۷	ن	و	ی	و	ی	ا	ک	ا	ک	ا	ج	ا	ج	ا
۸	ک	ن	ا	ت	و	ر	د	ا	ش	م	ن	م	م	م
۹	ج	ک	س	ر	ط	ا	ن	ت	ا	ک	د	ا	ا	ا
۱۰	د	و	ب	ل	ی	ن	د	ب	م	ز	ا	ا	ا	ا
۱۱	ه	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا

حل کننده گان

محترم عبدالصبر نواز نثر

محدث صغیه نواز نثر از مکروریان

محترم بشیر احمد امیری

مهره مسعود محصل حقوق

محترم سها خورشید از لسه - زرغونه

آرین پور محصل سال جارم

انستیتوت طب کابل

محترم حسنینا غزال از پوهنتون - کابل

محترم نوربه ناصر محصل طب کابل

محترم محمد جاوید سرماز - زرغونه

سپاوون کورکات

شیر سوه و عمل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک درخت زنده گی میکرد ، متوجه شد که زنبور های عمل بسیاری شان خانه ساخته اند . خرگوش به فکر افتید که چگونه از سوراخ بیرون برآید ، از زنبور دوستش موش صحرایی رابه کمک صدا زد . آن وقت هر دو سبزه ها و علفهای خشکیده را از بالای درخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در بدهند . با ایسن کار شان زنبور های عمل دسته جمعی پریدند آن گاه خرگوش و موش صحرایی ماندند و عمل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عمل چسبیدند و مصروف خوردن شدند یکبار سرورکله شیر در آن جا پیدا شد و غریب :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا- بین بیائید . خرگوش که متوجه شد فریاد کشید و خشن است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان وقتی این کار انجام یافت . خر- گوثر به شیر گفت : تو میتوانسی به خاطر آسوده راحت را بگیری و بروی ، من خود به خود پا- بین موشوم . خرگوش بدین ترتیب پاره نجات خود را سنجیده و از درخت خیز زده و پتان پرید که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار نموده بود ، ازین رو هیچ پشمش را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با خشم زیاد بر موش صحرایی غریب : پایمین شو .

بدین ترتیب موش صحرایی مجبور شد که خود را تسلیم کرک نماید .

۵- شیر در حالی که موش صحرایی را بر زمین خوابانده و میخواست خفکش کند ، گفت : تو جور جرات تیری از جنگل من عمل بخوری ؟ موش صحرایی بازار زد و عذر گفت : بشیو جان خرگوش مرا وادار به این کار ساخت و غریب داد . فشیر



باد رنده خوبی تمام با پنجالش بر موش صحرایی حواله کرد اما موش صحرایی بدون آن که پنجال فشیر بر وجودش برسد ، آن را در هوا محکم گرفت بعد از آن جستی زده و در میسان بته ها خود را ناپدید ساخت .

۷-۶ خرگوش را که غسل موزه
 داده بود اینبار با سنگ پشت
 قصد خوردن غسل نمودند باز
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :
 بیا پایین شو ، چرا معطل
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل
 گفت : اگر توبل میدهی مرا
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت
 بسیار سختی دا رم و بسعلاوه
 کوبنک استم ، وقتی نرم شدم -
 طعمه خوبی برای تو میومم
 آن وقت مرا به دم خود بنشان
 چنچ بده ، بعد به زمین بز
 آن وقت پیش از آن که نفسم
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو

بلا فاصله خرگوش را بردمش
 نشاند ، دمتر را چنچ داد اما
 چون دم کوتاهی داشت هخر -
 گوش از دمش لغزید و ناپدید
 شد .



۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ
 پشت بر درخت مانده بود اما
 هر قدر که نشیو بزوی حمله کرد
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن
 راه آب انداخت . سنگ پشت
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو
 به دنبال آن خود را به آب اندا -
 خت ، لیکن درین میان خودش
 نغر کرد .

۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به
 سرف جنتل خزید ، آن جا کلبه
 خرگوش را دید ، آرام داخل آن
 رفت ، لکن آن جا را خالی
 یافت ، خوب منتظر برگشت -
 صاحب خانه ندست ، خرگوش



به زودی آمد ، اما چی میدیسد
 پل پا های نشیو ، ۴۴۰ واقعا
 چا یکی و تیز هوشی را از -
 دست نداد و با عجله گفت :
 صبح بخیر کلبه من .
 صبح بخیر .

نشیو به دنبال خسر -
 گوش دوید ، اما شکار از چنگ
 رفته بود ، زیرا به همان اندا -
 زه که نشیو ساده بود هخر گوئی
 زرنک بود و با خود فیصله کرده
 بود که مخصر صا ، ننگدار ، نشیو
 غسل بخورد .



محترم نظیفه احمدی از اکا-
دمی علوم ج ۱۰
طرح تان برای نزدیک بین
رسید. وی امیدوار است در
اینده طرح ادبی بفرستد.
از شما سپاس گذاریم.

دوستدار سبله مهم میبیدی
نزدیک بین در مورد کسی
که شما پرسیده اید که چرا بر-
نمیگردد از قول عوام میفرماید:
اگر ده بار کسی محکم گرفته
نمیواند. حوصله مند باشید.
همکار خوب تور یکی اسدی
از لیس مهم:

نه تنها شما بلکه تمام خوا-
نده گان عزیز سبله هر گاه
مخواستند بگویند (سبا و ون
چطور باشد؟) باید همراه با
مظریات خویش یک قطعه نو-
توی خود را نیز ارسال بدارند
از شما تشکر.

ساکت باش:
مگر که دوستم داری بگذار
این جمله بر لبهایت بلسزد
ولی به صدا نیاید.
خواهم آن را از دور احساس
نمایم. از رویا بیدار مکن
و مگو که دوستم داری. آه
ساکت باش.

همکار خوب مهم کمال از
لایه اربانا.
ما بوس نشوید. نزدیک -
بین شما را در طرح جدول -
تشویق خواهد کرد. چرانی!
ما از تمام همکاران خویش طرح
جدول میگیریم. مگر به شرط
آن که خودتان به اداره مجله
تشریف آورده طرح جدول -
تان را تسلیم نمایند. از شما
تشکر! جدولست باشید.
محترم مسعوده مهجور ار
اکادمی علوم.
نزدیک بین هر قدر شیشه
هنگام را پاک کرد تا نام تان
را درست بخواند مؤفق نشد
بالاخره از دور بین کمک خوا-
ست او بعد از آن که حرف
را زهر داد و زهر داد و جنگ
انداخت، توانست بخواند
ولی توانست از آن مضمون

محترم عبدالشمن شهزوی -
کارمند ریاست برق کابل!
شما حتماً سبله را هنگام
برجای برق - العه مینمایید
که متوجه حساب بانکی سبله
که در خود سبله درج است
نشده اید. نزدیک بین برای
خود دید روشن و برای شما
برق روشن و توی شما نمیدانید.
همکار همیشه حاضر سبله
حکمت الله ناظمی حکمتجو از
شاروالی کابل!
نزدیک بین نام تان را خوا-
ند و گفت که شما از خصایص
نیک انسانی برخوردارید.
ای کافر دور بین هم چون شما
میبود. به هر حال از غیبت که

بگذرم باید گویم که من هم
دعایم روزی شکست لاتی تان
اگر به جایزه یک هزار افغانکی
تمادت نمیکند به جایزه صد
افغانی تمادت کند. از شما
تشکر! امیدوارم در آینده
بعضی سلام بچه ها را در توی
خوانده بعداً حرفهای تان
را همراه با فوتی تان بر-
سند. نزدیک بین واسطه
خواهد شد تا بدون تو بست
چاپ شود. در لاتی برنده
باشید.
آخرین چیزی که از دست
بمورد امید است.
حقیقت را میتوان خم کرد
ولی آن را نمیتوان شکست.

از نزدیک

دوست بگردد. مشوره بنده به
شما این است که از خداوند
برای این دو نفر سواد عاجل
و دانش کامل آرزو کنید. ماه
برای شما مطالب جالب آرزو
ندیم.
همکار عزیز سید خالد حکمی
از لیس دوستی.
چرانی! شما میتوانی به
شعبه (اطلاعات و نامه ها)
اداره سیاون تشریف بیاورید
و در مورد ذکر شده از نزدیک
بین کمک بخواهید. قابل
تشکر نیست!
علاقه مند جواب به نامه ها
روشنه جان زین.
نزدیک بین از احساس نیک
تان نسبت به او تشکر میکند
ولی این که خوانسته اید تا یک
قطعه فوتی را در این
صفحه سنجاق نماید. -

وی میفرماید: همکار گل! درین
مفرد معمولاً عکسهای علاقه
مندان ما چاپ میشود. اگر
این جانب نیز عکس خوشتر
سیناق نمایم، همکار دور بین
ساحب بالایم نمی بگرد که
گویا من خودم علاقه مند خود-
هستم لذا معذرتم را بپذیرا
شوید. و بگذارید ما این تقاضا
را از شما کنم. و در مورد
نامه تان باید گفت که اگر
شما به جای نزدیک بین می
بودید باید نامه خشک می
میکردید؟ جز این که از تو-
بستنده اثر نامه های (ترا) آرزو
میکردید. از شما تشکر. بر
عکس نامه تان ترو تان باشد.
محترم فوزه وردک.
برسیده اید که چرا هنرمند
محبوب نهراد در با در کشور
کم دیده میشود?
نزدیک بین میگوید: به
خاطری که در خارج از کشور
زیاد دیده میشود.
همکار عزیز احمد حاوی-
سمی:
نسبت از بهاد مطالب
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک
های ارسال تان را نشر
نماید اما چون به این عقیده
است که ((اخلاق مهم است))
لذا دو نیکه از نیکه های
ارسالی تان را در مورد -
اخلاق انتخاب میکند.
خلق خوش چرافی است
که صفات خوب ما را روشن می
کند و بر صفات بد ما سایه
ماندازد.
خلق خوب پول رایجی است که
باهر نعمتی عوض نمیشود.
همکار خوب مرضیه مرا -
دی از حصه سوم خیرخانه:
قابل تشکر نیست نزدیک
بین همیشه در خدمت شما
بوده و نامه های پر محتوای
هریک شما را بدون واسطه
میبواید، و در مورد مطلب
این نامه تان میفرماید که
ای کافر جای اعتبار تو تذکر
میدادید.

محترم قدیم نور الرحمن
نوبین از شهر بلخمری.
برای کسانی که شما کانتینر
کانتینر سلام فرستاده بودید،
همه بالمقابل کانتینر - کانتینر
علیت میفرستند. و به جواب
کله تان دور بین میفرماید:
حالی که بی فایدهم، و بی رقم
همی که تخلص تان را دیدم،
خیال کردم که از همکاران شما
هستید، باز هم برای آن که
قهر نشوید، همانم نزدیک -
بین معذرت میخواهد. برای
آن که جبران نکرده باشیم، می
خواهیم عذر شما را در قطار هم
کاران دایمی بچاییم و لطفاً -
در نامه های آینده بی قطع
فوتی تان را ارسال کنید، و اینک
مطلب زیبای طنزی تان را بخوا-
ند:

آمدن کارمندان به وسیله
آمدن جناب رئیس به دفتر
شورفته خواست دلبر.
از مدتی صاحب محترم وابسته
است به کش موتر مایکلتر.
از ما مورعاً حب وابسته است
به پنجر شدن مایکلتر.
واژ ملازم بیچاره ساعت هفت
صبح و بدون در زدن داشت
شکلر.
محترم غم ریانی مرادی از
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-
حلات شما، صرف فوتی میا-
رک تان را چاپ میکنم و امید
واریم در آینده مطالب جالب
تان را نشر نماییم.
محترم ریتا کوشی ایماق از -
شهر مزار شریف.
دور بین حیران است، چی
کند؟ بی سمنار عزیز ما میفرماید
کهن دایمی هستیم، چرا -
نو خطاب کردید. ولی
بعضی فرموده اید که همکاران ما
تشریف دارند. حال آنکه در
شماره های گذشته، نامه -
های فراوانی از شما را پاسخ
گفته ایم. به هر صورت در -
همین حال هم جای شکر است
مانند مفضل جالب شما
هستم.

تفاوت سن زن و مرد در موفج
ازدواج بستن سال باید باشد؟
یک روانشناس مشهور فرانسوی
مؤلف شد فورمولی برای جواب
دادن به این سوال پیدا کرد
که به عنوان یک کشف جالب -
مورد قبول عدد زیادی از
دانشمندان واقع شده است
فورمول ازین قرار است: اگر
سن شوهر را نصف کنیم عدد
هفتزایه آن افزون نماییم سن

خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود. زیرا موقمی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
تدریجاً میکشیم یعنی کمتر کشیم
جذب میوستر کساید. کاربن را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکساید کاربن در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بختان ضرر ندارد ولی اگر
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

از دور

چه وقت باید ازدواج کرد؟

مطلوب زن به دست میباید.
مثلاً اگر سن مرد سی سال -
باشد، سن زن باید نصف سی
با علاوه عدد هفت یعنی ۲۲ -
سال باشد. البته این فورمول
برای تعیین حد اکثر بوده و در
مورد همه صدق میکند.
ارسالی: رحمت الله رمز یار از -
بلخمری.
همکار با استعداد عید -
المجید فایز آرزوایت بلخ.
دور بین از شما و دیگر
همکاران شاعر تها مینماید تا
اشعار خود را بفرستید،
تا در یکی دو شماره بعد صفحه
بی ترتیبی شما جوانان را -
زینت بختر آن سازیم. از شما
تشکر، شاعر باشید.

در نزدیک مکتب

دختر اولی: از تو قد ولکه
میوشی که سگرت بیف میوشد
او نموده دوست داره.
دختر دوم: کی، سو جیب
آبی ره میوشی.
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.
دختر دوم: چپ با بر احسق
که اویدم این.

افزودن

هر کس زبانش را ندان بگوید
در جای غیبتش چالان مینماید.
اگر ناخنهای پت دست گرفته
شود و از دست دیگر کسی به سرو
سکه حمله میکند.
اگر ناخنهای گرفته شده به
زیر پا انداخته شود، فقر
می آید.
آورد.
ارسالی: ریتا کوشی ایماق از -
بلخ.
...
همکار با استعداد عید -
المجید فایز آرزوایت بلخ.
دور بین از شما و دیگر
همکاران شاعر تها مینماید تا
اشعار خود را بفرستید،
تا در یکی دو شماره بعد صفحه
بی ترتیبی شما جوانان را -
زینت بختر آن سازیم. از شما
تشکر، شاعر باشید.

۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

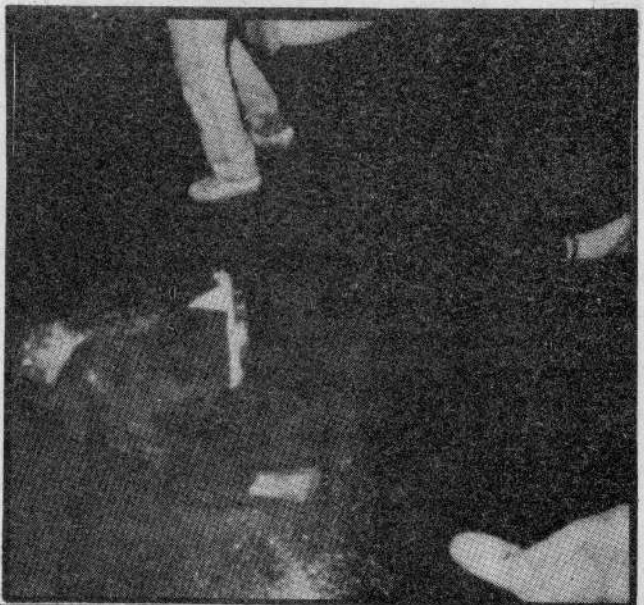
کودتاجهان مستقما دفاع کنند؟
- اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟
- پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما حال اعلامیه میداده نشده. کمونیست ها منتظر اعلامیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایبه زورناهیست چیست؟

- از نهای ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.
- مردم چه فکر می کنند؟
- مردم در تشریح هستند.
دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخشد. ما له بر سر قانونت و حفظ آن است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟
- آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

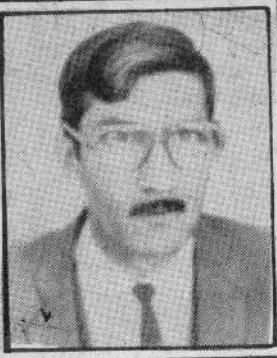
- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهور روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خوبی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کشته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟
- طوری که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.
نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟
- در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریچ باور نخواهد کرد و حالا اوازگر باچف دفاع می کند.
موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجهان بیض از همه

پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری این باتن در دادن به نوسازی بشرک موانع گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد موانع در برابر دموکراسی و کوشش برای کسب ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند. مقام پیش قراول مقاومت را بسرای حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه اروپای شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تقویت یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) مقاومت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوئر، میتران، جان مچجر خانم تاچره، هارن لهووالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا ماسها تیلیونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند. کودتا یسان فوراً قدرت قانونی را اعاده نموده و کاور را ترس کردند! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته تا بهت بیخ از بیخ نیرو گرفت. اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتگی کامل با بوریس یلتسن و با تأیید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریچف و عقب رتن کودتا چنان توأم بود. کودتاچیان موفق نشدند رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی و وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند. حمایت غرب از موضع تا بهت پیوسته انزای میبافت و این امر بار و روحیه جنگنده گان را آزاد را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتا چنان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجهان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهها هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند. حواسی ظهر روز سوم کودتا شهر از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده گوی از شهریان ماسکو آن را دیده می توانست این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چکا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت آبعد از ظهر رادیوی روسیه از توافق رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیات جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریچف که در کرمیاد رجال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی آن - بهره معروف پریاکوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمیابودند.
کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.
قسمت دوم در شماره آینده



چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی جلد دوم چاپ وار چاپ
- ۴- دلدنو و پشته امید وار چاپ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعه (امید وار چاپ)
- ۶- دشمر نو و انشرونو مجموعه (امید وار چاپ)
- ۷- دنوی دانتو لهکوالو دغوره اوژابل شوپه داستانونو مجموعه (امید وار چاپ)
- ۸- دتختغی - رمان عشقی حماسی (چاپ شده)

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حماسی (دتختغی) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه و تحلیل بلند به حیات عاقلی میرد از دانه زمین حرکت است که خواننده حساس را در محدوده گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در رخ و دردی که این نرزانان قلندار با هزاران درخ و همیها ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیر با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه هیواد سمت مسمر اقتصادی رایه دوش گرفت . و سپس به مجله جرگه ، از آن جا به مجله سپاهن و آخرسن و ظیفه رسمی اثر دست معاونت خریدده هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکیبایی و همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ناگهین حالات خود نهنزد است از قلم و آفرینش بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خیر دراز مناسی حیات آفرید . نشی فرهنگ خد مدعا مقاله ، سیاس ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گونه صد ها شعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار دانه امید انانده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه عزیزی ، انشاب سون و ماتم میگردند . و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند ، نویی انند .

مصطفی جهاد ، نویسنده ، اندیشه مند ، شاعر شکیبای - روزنامه است بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از فروغ هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قریه توه خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه حبیبه به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده حقوق

کد شته فرو میخلتند . بعد میهرسد دیگر چیزی که نمانده ؟ میگویم سها سنگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آوردند . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره مجله سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری نمودند ، قلباً تشکر مینماید .

به آنان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طور ادامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک سوال دیگرم را پاسخ دهید و پس :

« اسال کدام آهنگه افغانی را باز خوانی نمودید و امید و چرا ؟ »

« آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستداد شتنی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از این گونه آهنگه ها مردم افغان خاطره های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

بقیه از صفحه (۲۵)

او خد جان ..

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بیشتر شده است و چنان برایم کف میزدند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟ »

بارضایت پاسخ میدهم : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری اعضای ارکستر لاله ها و نوادراسر خواهم بود . و فکر میکنم کسه آینده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را آرامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گیم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چیزی نه استقبال به عمل خواهند آورد ؟ »

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

« پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که بیایدان برای علاقه مندان افغانی کم چه بهره خسته کنند و ششده باشم . اما آن طور نشد همان گونه

رستوران محبت



میزبان خوش طعم و شیرین غذاهای ویژه میزبانان محترم، روز در رستوران محبت برگزار
 نمایند. رستوران محبت با محبت و خیر و شکر و طعم شیرین و غذاهای خوب
 قیمت مناسب در همه اوقات پذیرای شماست.
 پنجشنبه رستوران محبت به روزه در ساعت ۲۰:۱۱-۲۱:۰۰ ظهر
 نماز عشاء با سه چاشنی در خدمت شماست.
 آدرس: محله اول جاده یوسف تقی پور رستوران محبت تقاطع پل چهل و پنجم تهران ۲۰۷۶۶

رهنمای در خرید
 و فروش خانه
 زمین آپارتمان و موتور

رهنمای مسابقات

روح الله تقیری



آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
 متصل مسجد
 جامع شیرپور
 تلفون ۳۲۵۲۹

آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



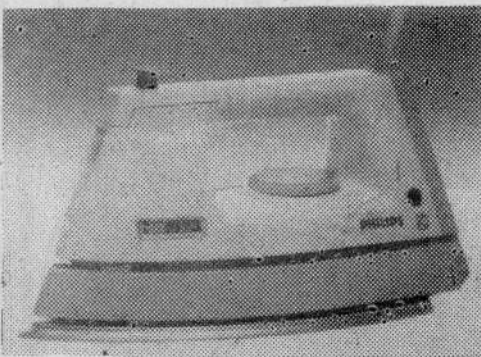
لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

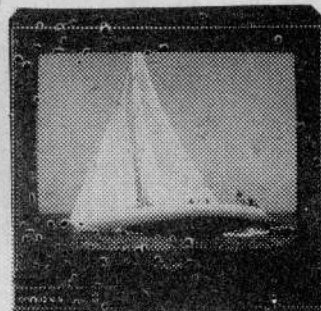
محترم عرضه می‌دارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

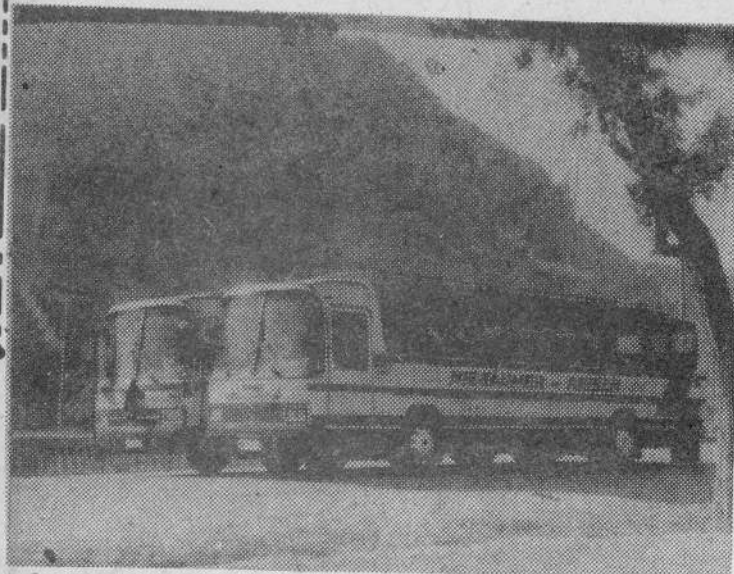
فروشگاه فلیس دیلایت



فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس
رلاز شهرترین کمپنی خارجی جهانگ تان ولرد
نموده و بلا مشرتراغ عرضه می‌دارد.



تلویزیون، رادیو، فلیس، اتوماتیک، ریپورت کنترل دلد، سایزهای مختلف، بایکال
گرتتر، ویدئو، شارپ، جاپان، مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از ثبت کار، سیستم
ریپورت کنترل دلد، ارقام، رادیو، اتوماتیک، فلیس، با یک سر، تلویزیون، تلویزیون، تلویزیون
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید، سخت است، احمد محمدی. آدرس: مقابل شاه ولی کابل محمد جان پناه



اگر قصد سفر دارید
در بسته‌های خمیده آرام
و مستریج ۳۰۳ سفر
کنید .

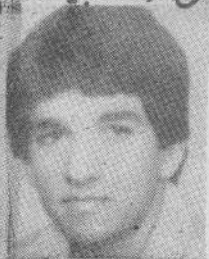
بازار کت پنجشیر بس شمارا
از کابل به پنجخری بستمنگان
دعزاد شریف مع الحیر میرساند
آدرس :
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

سفر
بازار کت
پنجخری

تلفون ۲۱۷۸۴

فروشگاه پنجشیر

زیباترین مپردی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و
عطریات ، مرغوبترین پیراهن های زنانه و مردانه
شیکترین سیلر ها و پلوه نصف های مردانه و بچه گانه
مقبولترین دیشی های اسپورتی و
کاوبای ، جاکت و دیشی های
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه
نمیدارد .
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال
افغان کارت

دو صومعه سال گلبنار
تازان و مهنه عمر بیت کرده
مطلوبند
گلدست عروسی ، خنجر و کلچر موز
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبل
گلفروشی سال

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقتر و منازل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تان را زیبایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنگ وات منزل اول آریانا پارت تیفون ۲۳۷۴۷



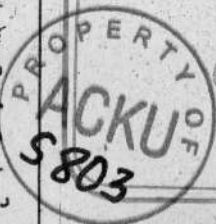
قرطاسیه فروش صرف اقم کتاب و کتب
انواع قلمی / خودکار / دستگیره / دستگیره / دستگیره / دستگیره
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه دول

اخبار هفته ، جوانان امروز و سایر نشریه بارها
بقیمت نازل عرضه میدارد .

آدرس : قرطاسیه فروش صد ف
ایستگاه متریهای گولای پارس
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

برای شما دیدن آیم

سروش شما در ماه میزان



۱ میزان - روزیدیه
برای دختران و خانها که در ماه حمل تولد کرده اند برابم های گذشته شما از این روزه بعد دوباره حاد میگردد تلاش کنید که از هرگونه ساقته دوری جوید .

۲ میزان - روز آرام و خوشی برای آمده ای خواهید بود که در ماه های جوزا سرطان و حوت تولد شده اند روز خوب برای معاملات تجاری تی خواهد بود . علاوه بر آن برای کسانی که در ماه میزان تولد کرده اند روز خوبی برای ازدواج خواهد بود .

۳ میزان - ناراحتی هایی که در ماه تولد شده اند در این روز شدت بی سابقه ای کسب خواهد کرد و خانها و دخترانی که در ماه سنبله تولد شده اند امروزه روز خوبی برایشان نخواهد بود . در این روزها کوشش کرد تا جاسو احساساتی شدن خود را بگیرد به خصوص متولدین ماه سنبله خیلی محتاط باشند تا اکنون سعادت تان در این روز از هم نپاشد .

۴ میزان - متولدین ماه های حمل ، جوزا و دلو و حوت در این روزهای ۱۹ میزان به مسافرت اقدام نه ورزید برای متولدین ماه ثور این روزیک روز خسته و بیسی خواهد بود ، اگر تلاش کنید دوست آزرده شده تان در این روزها شاماشتی خواهد کرد . روز خوبی برای انتخاب همسر زنده کسی برای تولدین ماه ثور خواهد بود .

۵ میزان - برای متولدین ماه های جدی و حوت روزی بسیار جنجال بوده در این روزها تان زیاد میروند تا شمارا در کار تان فیهب دهند و این کارونستی می شوند . متولدین ماه عقرب بیاد داشته باشند که این روز برای حل و فصل نزاکت.

میزان و دلو روز خوبی خواهد بود . خانها و متولدین ماه های عقرب و حوت در زمان سیات خانوادگی تان در این روز از حوصله مندی نه استفاده نمایند . روز خوبی برای ازدواج برای متولدین ماه حمل خواهد بود ، اما از انجام معاملات تجاری در این روز صرف نظر کنید و غیران بدشانی انتظار شمارا می کنند .

۶ میزان - روز خوبی برای سردان ، دگران و نظامیان متولدین ماه میزان خواهد بود . برعکس برای متولدین ماه حوت روز خوبی نیست . جنجالهای فامیلی و بدشانی تجاری و تحصیلی انتظار تان را می کشد . جنجالهای متولدین ماه عقرب از این روز به طرف حل شدن پیش میروند .

۷ میزان - متولدین ماه های حمل ، سرطان ، قوس و حوت منتظر شنیدن یک خبر خوشی در این روزها باشید . کوشش کنید تا رسیدن آن را در این روزها از دست ندهید . متولدین ماه های جوزا ، اسد و دلو برعکس منتظر شنیدن یک خبر ناگوار باشید ، اما در مقابل آنده کسانی که به برابم های اقتصادی دست و گریبان هستند از این روز به بعد وضع اقتصادی شان بهبود می یابد .

۸ میزان - متولدین ماه های جوزا ، اسد و سنبله میزان ، جدی در آخر ماه میزان همه کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ، بخصوص در مسائل عشقی و مناسبات شما با جانب مقابل . در این روز شانس خوب برای متولدین ماه جدی و دلو در امور رسمی پیدا خواهد شد از آن استغاده . اعضای نماید، متولدین ماه حمل اگر میخواهد کدام معامله تجاری را در این روز انجام دهد آنرا به فردا بگذارد .

۹ میزان - روزی که برای متولدین ماه حوت اگر یک دام جنجال مواجه شده باشند از این روز به بعد کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ولی در هر حال از احساساتی شدن بپا خودداری کنید . در ضمن آن شانس خوبی را از دست نخواهید داد .

۱۰ میزان - برابم های شخصی متولدین ماه عقرب و قوس و حوت در این روزها می گردد و این کارالی آخر ماه میزان آسان خواهد یافت . متولدین ماه حمل و سرطان محتاط باشند که جراحت شدیدی در این روزها انتظار شمارا نکشد .

۱۱ میزان - متولدین ماه های ثور ، سرطان ، میزان و عقرب منتظر حادثه غیر متوجه در زندگی تان باشند اما از سفر در راه های ایجاد شده فامیلی تان نخواهد بود این کار را بگیرد .

۱۲ میزان - روز خوش شانس برای متولدین ماه های سرطان ، اسد و حوت خواهد بود . از هر نگاه متولدین ماه حوت و اسد به اقدامات بزمید روز خوب برای معاملات تجاری و کاری شما خواهد بود . متولدین ماه حمل کوشش کنند تا در این روزها ازدواج نکنند . متولدین ماه دلو متوجه باشند که با هیچ کس در این روز طرح اشفایی نه بزنند .

موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستی.
 آیا تاکنون دیدن شرکت کر و ناز جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 و هر نوع بنزرها مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
 و موتور لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید. • همچنان موتورهای
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز توپوتا و سیکپ های
 مختلف النوع را به دستر دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند.

که سرترا بار دیگر بخاطر داشته باشید.
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ACKU
سلسل
DS
350
22 ص
v4 lms

یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در سورا
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار
نمایند تا خاطره آن همیشه شاد
بماند
وقت را بزرگ کنید

فروشگاه بزرگ افغان

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان خرید کنید
تجدید کرده ایم نموده اشپز این قدرت خود قیمت مناسب خرید کنید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**